بسم الله الرحمن الرحیم

افسانه الغای برده‌داری
در پادشاهی کوروش بزرگ

نویسنده:
غلامرضا نوادری

افسانه الغای برده‌داری در پادشاهی کوروش بزرگ
نویسنده: غلامرضا نوادری

ناشر: عاصم

صفحه آرایی: واحد هنری انتشارات عاصم

نوبت چاپ: اول/ ۱۴۰۴

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹-۹۹۶-۳۳۱-۶۲۲-۹۷۸

قیمت روی جلد: ۱/۸۰۰/۰۰۰ ریال

سرشناسه : نوادری، غلامرضا، ۱۳۶۷ -

عنوان و نام پدیدآور : افسانه الغای برده‌داری در پادشاهی کوروش بزرگ / نویسنده غلامرضا نوادری.

مشخصات نشر : تبریز: انتشارات عاصم، ۱۴۰۴.

مشخصات ظاهری : ۱۲۱ص.: مصور(رنگی)؛ ۱۴/۵×۲۱/۵س‌م.

شابک: ۹-۹۹۶-۳۳۱-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه: ص.[۱۰۹]-۱۲۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : بردگی و برده‌داری -- ایران -- تاریخ -- پیش از اسلام

Slavery -- Iran -- History -- To ۶۳۳

موضوع : بردگان -- آزادی -- ایران -- تاریخ -- پیش از اسلام

Enslaved persons -- Emancipation -- Iran -- History -- To ۶۳۳

موضوع : ایران -- تاریخ -- هخامنشیان، ۵۵۸ - ۳۳۰ق. م

Iran -- History -- Achaemenians, ۵۵۸ - ۳۳۰ B. C.

رده بندی کنگره : HT۱۲۸۶

رده بندی دیویی : ۳۰۶/۳۶۲۰۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۳۰۲۱۶۵

مرکز پخش: نشر عاصم: ۰۹۱۴۵۸۷۴۳۵۲

پست الکترونیک ناشر: nashre.asem@gmail.com فروش اینترنتی کتاب: www.asembook.ir

تقدیم به برادرم

نادر نوادری

پیشگفتار

افسانه‌ی «لغو برده‌داری به‌دست کوروش بزرگ» از برجسته‌ترین نمونه‌های تحریفِ تاریخی در دوران معاصر است؛ افسانه‌ای که نه از دل اسناد و متون باستانی، بلکه از یک ترجمه‌ی دروغین و یک ترجمه‌ی اشتباه از بند بیست‌وششم استوانه‌ی کوروش پدید آمد. این ترجمه‌ی جعلی، نخستین‌بار در میانه سده بیستم ساخته و منتشر شد و به‌سرعت به شهرتی جهانی رسید. در پی این تحریف، نسخه‌هایی از «منشور دروغین کوروش» به زبان‌های گوناگون ترجمه و در کتاب‌ها و وب‌سایت‌های متعدد بازنشر شد. بدین‌ترتیب، متنی که هیچ اشاره‌ای به لغو بردگی ندارد، به‌عنوان «نخستین اعلامیه‌ی لغو برده‌داری» معرفی شد و به بخش مهمی از روایت ملی ایرانیان و حتی به تصویری جهانی از تمدن ایران بدل گردید.

این افسانه در بستر اجتماعی و سیاسی خاصی رشد یافت. در دوران پهلوی، منشور کوروش به نماد «حکومت قانون»، «آزادی»، و «حقوق بشر ایرانی» تبدیل شد؛ ابزاری فرهنگی برای پیوند دادن ایران با ارزش‌های مدرن غربی و تأکید بر این‌که ریشه‌های تمدن انسان‌محور، نه در اروپا، بلکه در ایران باستان است. از این منظر، معرفی کوروش به‌عنوان کسی که نخستین‌بار برده‌داری را لغو کرد، بیش از آن‌که حاصل پژوهش تاریخی باشد، پاسخی فرهنگی و سیاسی به نیاز زمانه بود. پس از دوره پهلوی نیز این افسانه با توجه به نیازهای جامعه و سیاستمداران مورد استفاده قرار گرفت که مهم‌ترین نمونه آن در دوره احمدی‌نژاد بود. متنی که در دوره پهلوی، نمادی برای همگرایی ایران و غرب بود در دوره احمدی‌نژاد به نمادی برای واگرایی و تقابل بدل شد.

با این‌حال جامعه‌ی علمی ایران از روز نخست در مواجهه با این تحریف، واکنشی درخور نشان نداد. تاریخ‌پژوهان جز در مواردی اندک، در برابر این جعل یا سکوت کردند، یا نقدهایشان محدود به محافل تخصصی باقی ماند. یکی از عوامل تداوم این وضعیت، کمبود ترجمه‌ی فارسی از پژوهش‌های معتبر جهانی درباره‌ی متون باستانی بود. در نبود منابع دقیق، ترجمه‌های نادرست و متون عامه‌پسند به‌تدریج مرجع آموزشی و فرهنگی جامعه شدند و زمینه را برای گسترش این افسانه فراهم آوردند.

افزون بر این، برخی هنرمندان و نویسندگان در تثبیت این افسانه سهمی چشمگیر داشتند. از آغاز دهه‌ی ۱۳۸۰ خورشیدی، با گسترش فضای مجازی، وبلاگ‌نویسان به ترویج ترجمه‌ی جعلی منشور پرداختند. مطالبی با عنوان «نخستین فرمان جهانی حقوق بشر» در ده‌ها وبلاگ و تالار گفت‌وگو بازنشر شد و به سرعت در شبکه‌هایی چون فیس‌بوک، تلگرام، اینستاگرام و یوتیوب رواج یافت. فضای مجازی، با خاصیت بازنشر سریع و مخاطب انبوه، این افسانه را از محدوده‌ی نخبگان فرهنگی به باور عمومی جامعه کشاند و از یک خطای تاریخی، «حقیقتی احساسی» ساخت.

افسانه‌ی «لغو بردگی به‌دست کوروش» در نتیجه‌ی هم‌افزایی چند عامل پدید آمد و تداوم یافت: رواج ترجمه‌ی دروغین، کوتاهی اساتید دانشگاهی، فقدان ترجمه‌ی منابع معتبر تاریخی و نقش تعیین‌کننده‌ی رسانه‌ها و فضای مجازی در شکل‌دهی حافظه‌ی تاریخی ایرانیان. این پژوهش تلاشی است برای بازگرداندن منشور کوروش به جایگاه واقعی خود و نشان دادن این حقیقت ساده، اما بنیادین، که هر دروغ، هر چند میهن‌پرستانه، در نهایت سایه‌ای بر حقیقتِ تاریخی می‌افکند.

آنچه در ادامه می‌آید، بررسیِ اهداف و چگونگیِ شکل‌گیریِ افسانه‌ی لغوِ برده‌داری است. بررسی روند ساخت ترجمه دروغین، بازنشر، تبدیل آن به دروغی جهانی، و نیز تحلیل ترجمه اشتباه و بازنشر آن به همراه نقدی بر این ترجمه و در

ادامـه اثبـات وجـود بـرده‌داری در پادشـاهی کـوروش بـزرگ بـر اسـاس کتیبه‌هـای بـه جـا مانـده از آن زمـان و همچنیـن منابـع یونانـی و عهـد عتیـق اسـت. در پایـان بـه صـورت گذرا بـه الغـای بیـگاری و بازگشـت تبعیدیـان نیـز نگاهـی شـده اسـت.

در پایـان، از همـه کسـانی کـه در آماده شـدن ایـن پژوهش کمـک کردند سپاسـگزاری می‌شـود. بـا آرزوی تندرسـی و نیک‌فرجامـی بـرای همـه خواننـدگان گرامی.

قم

۱۴۰۴

فهرست

برده‌داری در دوره هخامنشی

درباره برده‌داری در دوره هخامنشی به صورت مختصر، مدخلی با همین عنوان در دانشنامه ایرانیکا به قلم دانشمند فقید، محمد داندامایف، راهگشاست. این مدخل پیشتر در دانشنامه جهان اسلام به صورت خلاصه ترجمه شده است. با نگاهی به اصل مقاله، مهم‌ترین بخش‌های این مدخل چنین است:

در آغاز دوره هخامنشی، نهاد برده‌داری هنوز در ایران به‌طور کامل تکامل نیافته بود. در میان مادها رسمی وجود داشت که بر اساس آن، فردی تهیدست می‌توانست در برابر دریافت غذای روزانه، خود را در خدمت فردی ثروتمند قرار دهد. چنین شخصی در عمل، وضعیت بردگان را داشت، اما چنانچه اربابش خوراک کافی به او نمی‌داد، هر زمان می‌توانست او را ترک کند. پارسیان در هنگام تشکیل دولت خود، تنها با چنین شکل ساده‌ای از بردگی آشنایی داشتند و کار بردگان از نظر اقتصادی اهمیت چندانی نداشت.

اصطلاح رایج برای اشاره به برده در ایران باستان، واژه‌ی بَنْدَکَه بود که از بَندَه، به معنای «بند و زنجیر»، مشتق شده است. این واژه نه‌تنها برای اشاره به بردگان واقعی، بلکه برای بیان حالت وابستگی یا تقیّد به‌طور عام به‌کار می‌رفت. یکی دیگر از اصطلاحات فارسی باستان برای برده، واژه گَرْدَه به معنای «برده خانگی» بود. این واژه در مکتوبات آرامیِ اَرشام، ساتراپ مصر در سده پنجم پیش از میلاد، و نیز در متون بابلیِ دوره هخامنشی، به‌صورت «گرده» یا «گردو» آمده است. همچنین در اسناد عیلامیِ به‌دست‌آمده از تخت جمشید، این واژه به‌شکل کورتَش ضبط شده است.

این افراد عموماً کارکنان خاندان شاهی و اشراف ایرانی در ایران، بابل و مصر بودند. با گذشت زمان، معنای واژه «کورتش» توسعه یافت و به مفهوم «کارگر» نیز به‌کار رفت. در نسخه عیلامیِ کتیبه بیستون، «کورتش» برابر با واژه مانیَه در فارسی باستان است که در متن بابلی به معنای «کارگر مزدبگیر» آمده و احتمالاً در اصل به‌معنای «برده خانگی» بوده است.

در پی فتوحات گسترده هخامنشیان، در دستگاه سلطنتی و خاندان‌های اشرافیِ پارسی، تغییر چشمگیری از برده‌داری ساده پدرسالارانه به بهره‌گیری فشرده از نیروی کار بیگانگان در کشاورزی و تا حدودی نیز در صنایع دستی نمود یافت. بخشی از این بیگانگان به‌صورت برده استثمار می‌شدند و بخشی دیگر نیمه‌آزاد بودند و در اراضی شاهی سکونت داده می‌شدند. معمولاً این افراد، اسیران جنگی از میان کسانی بودند که در برابر سپاه ایران مقاومت کرده یا علیه فرمانروایی پارس شوریده بودند.

بسیاری از بردگانی که برای خاندان‌های اشرافی و نجبای هخامنشی کار می‌کردند از جمله نانوایان، آشپزان، ساقیان و خواجه‌سرایان از میان مردمان سرزمین‌های فتح‌شده انتخاب می‌شدند. تنها بابل موظف بود که برای این منظور، هر سال پانصد پسر به‌عنوان خراج به شاه پارس بفرستد. پارسیان گاه بخشی از این بردگان را از بازار برده‌فروشان خریداری می‌کردند.

اطلاعات ما درباره‌ی بردگان تحت تملک خصوصی در ایران بسیار اندک و پراکنده است. یکی از اسناد بابلیِ مربوط به خرید برده که از تخت جمشید و از دوران داریوش یکم به‌دست آمده، نمونه‌ای از این موارد است؛ هرچند طرفین قرارداد و خودِ برده از بابلیان بودند. در سال ۵۲۳ پیش از میلاد، شخصی زنان برده خود را به یک بابلی فروخت. این قرارداد به زبان بابلی در هومدیشو – شهری در ناحیه تخت جمشید– تنظیم شده بود. فروشندگان و زنان برده، با داوری بر پایه‌ی نام‌هایشان، از نژاد ایرانی بودند، اما خریدار بابلی بود. در سال ۵۲۸ پیش از میلاد، یک زن برده که در ایلام خریداری شده بود، در شهر بابلیِ اوپیس فروخته شد. در سال ۵۰۸ پیش از میلاد، در میان بردگان خانه تجاری اِگیبی در بابل، یک زن برده از گنداره وجود

داشـت. در سـال ۵۱۱ پیـش از میـلاد، یـک بابلـی "زن بـرده خـود، یـک باختـری" را در سـپار فروخـت.

در روزگار هخامنشـیان، نجبـای پارسـی در بابـل و دیگـر سـرزمین‌های تابـع، بـه بـرده‌داران بـزرگ تبدیـل شـدند. بـر پایـهٔ برخـی اسـناد، ایرانیـان گاه بـردگان خـود را در بابل می‌فروختنـد.

بـا این‌همـه، حتـی در پیشـرفته‌ترین بخش‌هـای امپراتـوری هخامنشـی، شـمار بـردگان در مقایسـه بـا آزادان انـدک بـود و کارِ بـردگان هرگـز جایگزیـن نیـروی کار آزاد نشـد. در زمـان شـکل‌گیری دولـت پـارس، نظـام بـرده‌داری دسـتخوش دگرگونی‌هایـی شـده بـود؛ از جملـه، بردگـی ناشـی از بدهـکاری دیگـر رواج نداشـت. گذشـته از افـرادی کـه داوطلبانـه خـود را می‌فروختنـد، رسـم به‌گـرو گذاشـتن شـخص در برابـر وام، پیـش از ظهـور پارسـیان، کامـلاً از میـان رفتـه بـود. اگـر بدهـکاری در موعـد مقـرر بدهـی خـود را نمی‌پرداخـت، طلبـکار می‌توانسـت فرزنـدان او را بـه بردگـی گیـرد یـا شـخص بدهـکار را در زنـدان محبـوس کنـد، امـا اجـازه نداشـت او را به شـخص ثالـث بفروشـد. در بسـیاری از مـوارد، بدهـکار از طریـق کار آزاد بـرای طلبـکار، بدهـی خـود را جبـران می‌کـرد و آزادی خویـش را بازمی‌یافـت.

بـر اسـاس شـواهد برجای‌مانـده از اسـناد بابلـی و پاپیروس‌هـای آرامـیِ دوره هخامنشـی، بردگانـی کـه بـه خدمـت اربـابِ خـود ادامـه می‌دادنـد یـا تـا پایان عمـر هزینـه‌ی خـوراک و پوشـاک او را تأمیـن می‌کردنـد، گاه از سـوی همـان اربـاب آزاد می‌شـدند. بـه ایـن ترتیـب، در دوران هخامنشـی، بـرده‌داری گرچـه وجـود داشـت، امـا نـه گسـترده بـود و نه بنیـان نظام اقتصـادی را تشـکیل مـی‌داد. جامعـه ایـران بـر پایـه کار آزادان - کشـاورزان، صنعتگـران و کارگـران مزدبگیـر - اسـتوار بـود و بردگـی نقشـی فرعی داشـت.[1]

---

۱. برای نگاه به ترجمه فارسی مدخل نک: https://rch.ac.ir/article/Details/۶۳۲۳

برای اطلاع از اصل مدخل و اطلاعات کتابشناسی نک: https://www.iranicaonline.org/articles/barda-i/

افسانه‌ی الغای بردگی چگونه ساخته شد؟

افسانه‌ی لغو برده‌داری به دست کوروش نتیجه سالها تکرار ترجمه‌ای سراسر دروغین و همچنین ترجمه‌ای اشتباه از بندی از استوانه است (بند ۲۶). شاید کسی فکرش را نمی‌کرد که روزی این دروغ شاخ‌دار در نظام آموزشی راه‌یابد و فرزندان ما با این دروغ بزرگ شوند. در کمال ناباوری نقش مورخان و تاریخ‌پژوهان در مواجهه با این گزاره ساختگی بسیار ناچیز بوده است. هیچ تلاش معناداری برای تصحیح این گزاره صورت نگرفت و نمونه‌های معدودی که وجود دارد نیز هیچگاه پررنگ نشد. جالب آنکه در یک نمونه چون دکتر ملک‌زاده لغو برده‌داری در دروه هخامنشی را قصه خواند[۱]، آماج توهین و ناسزا شد. از سوی دیگری چه بسا اساتیدی که دکترای تاریخ هم دارند اما با تکرار ترجمه‌های دروغین موجب قوت گرفتن این گزاره نادرست شدند. دکتر شهرام جلیلیان، دکتر بتول فخرالاسلام از جمله کسانی هستند که در سخنرانی‌های خود ترجمه نادرست را تکرار کردند و دکتر علیرضا قیامتی بازسراییِ جاعلانه منشور پارسوماش را برای مخاطبان خود خواند[۲]. در گذشته‌های دور هم محمودی بختیاری در قامت مورخ بر این باور بود که «کوروش با این فرمان آزادی برای همه مردم و همه سرزمین‌های زیر فرمان خویش روا کرد»[۳].

هدف از جعلِ داستانِ لغو برده‌داری

جدای از کسانی که قربانی این دروغ شدند و گمان داشتند صرفاً حقیقتی تاریخی

---

۱. «شاه هخامنشی باید مغز خر می‌خورده که می‌آمده می‌گفته برده‌ها را همه آزاد کنید» فایل صوتی نشست "رونمایی از کتاب شاه جهان: زندگانی کوروش بزرگ" در پایگاه خانه اندیشمندان علوم انسانی https://ihht.ir

2. https://www.youtube.com/watch?v=jdeEeq07Ogs

۳. محمودی بختیاری، علیقلی، ١٣٤٦، کورش در بابل، ص ٦٨.

را بازگـو می کننـد، امـا کسـانی دیگـر نیـز بودنـد کـه ترجمـه‌ای کامـلاً جعلـی سـاختند و منتشـر کردنـد. گروهـی دیگـر به‌صـورت سـازمان‌یافته بـه بازنشـر ایـن دروغ پرداختنـد. امـا چـه هدفـی در پـس ایـن تحریـف جاعلانـه بـود؟

۱) افتخار به گذشته

فـرح پهلـوی پـس از سـفر بـه سـنگال و دیـدن یـک پایـگاه بـرده‌داری در مصاحبـه بـا مطبوعـات گفـت: بـه ایرانـی بـودن خـود افتخـار می کنـم چـرا کـه کـوروش بـزرگ در ۲۵۰۰ سـال پیـش بـرده‌داری را لغـو کـرد[1]. اسـماعیل خویـی بـر ایـن بـاور اسـت کـه مـا ایرانیـان می‌توانیـم بـه خـود ببالیـم و سـرافراز باشـیم کـه پادشـاهی چـون کـوروش داشـته‌ایم کـه بـر خـلاف دیگـر پادشـاهان بـرده‌داری را لغـو کـرده اسـت[2]. در حالـی کـه اسـتوانه کـوروش کمتـر از ۱۵۰ سـال پیـش کشـف شـد، امـا نویسـنده دیگـری می‌نویسـد: «اگـر سـایر دولت‌هـا در جهـان از ۶۰ سـال پیـش صاحـب قانـون حفـظ حقـوق بشـر شـده‌اند، ایـران زمیـن نزدیـك سـه هـزار سـال اسـت کـه بـه ایـن منشـور حقـوق بشـر کـوروش می‌نـازد»[3]. قیصـر کللـی چنیـن گویـد: «کـوروش بـزرگ بـرده‌داری را در قانـون جـاودان خـود ملغـی اعـلام کـرد وایـن امـر مهمـی بـود کـه دوهـزار و پانصـد سـال طـول کشـید تـا پیـروان سوفیسـت‌های بـزرگ آن را دریابنـد»[4].

در ایـن نـگاه، نـه کـوروش کـه ایرانیـان آنچنـان بـر تمدن‌هـای پیـش از خـود برتـری داشـتند کـه بـه خـود اجـازه نمی‌دادنـد در جریـان جنگهـا هماننـد سـایر تمدنهـا، مردمـان را بـه بردگـی بگیرنـد. نصرت‌اللـه بختورتـاش بـر ایـن بـاور اسـت کـه اصـلاً یکـی از دلایـل

1. Steele. Robert, 2024, Pahlavi Iran's Relations with Africa: Cultural anD Political Connections in the ColD War, P 13.

۲. خویی، اسماعیل، ۲۰۱۲، نگریستن در کار کوروش بزرگ، ص ٥٤.

3. https://hamedan.iqna.ir/fa/news/1809865.

4. https://www.magiran.com/article/2726775 روزنامـه اعتمـاد، شـنبه ۲۱ اردیبهشـت ۱۳۹۲، شـماره ۲۶۷۴، ص 9.

جنگ کوروش با بابل هم این بود که دولت ایران با نظام برده‌داری بابل مخالفت داشت[۱]. به گفته بقایی «وقتی ۲۵۰۰ سال پیش یک شخص به نمایندگی ملتی می‌آید و برده‌داری را لغو می‌کند و فرمان به رعایت حقوق مردم می‌دهد، خود نشان‌دهنده یک جامعه و فرهنگ متمدن است. این امر تنها به کوروش اختصاص ندارد، بلکه نشان‌دهنده فرهنگ غنی جامعه ایران است که پذیرای چنین رفتاری از سوی حاکم خود بوده است»[۲].

گیتی پورفاضل که خود فریب‌خورده‌ی ترجمه دروغین است اینگونه در مدح لغو برده‌داری به دست کوروش گوید: «ایران حقوق بشر را در عمل و قوانین پیاده کرد؛ این در حالی است که در سایر ایدئولوژی‌ها و فرهنگ‌ها حتی در یونان که منشأ تمدن اروپا است، سیستم بردگی وجود داشت»[۳]. وی در جای دیگری چنین گوید: «در ساختار هر سرزمینی که بردگی انسان‌ها پذیرفته شده باشد نمی‌توان از کرامت انسانی سخن گفت زیرا یوغ بردگی کرامتی برای انسانی که به بردگی گرفته شده است باقی نمی‌گذارد؛ همچنین اگر در قوانین کشوری ردپایی از بردگی یافتید درآن کرامت انسانی را جست‌وجو نکنید هر چند تدوین‌کنندگانش با آب و تاب از انسان و کرامتش داد سخن داده باشند»[۴]. چنانچه در ادامه می‌آید نه کوروش و نه شاهان پس از او با برده‌داری مخالفتی نداشتند. آیا این بدان معناست که نمی‌توان از کرامت انسانی ایرانیان سخن گفت؟

۲) همراهی با غرب

در دوران پهلوی، از منشور کوروش به‌عنوان نمادی برای نزدیک کردن ایران به

۱. بختورتاش، نصرت‌الله، ۱۳۵۱، بنیاد استراتژی در شاهنشاهی هخامنشی، ص ۳۷.

2. www.asriran.com/fa/news/136559

3. https://www.irna.ir/news/81873562.

4. www.cgie.org.ir/fa/news/115675.

دنیای غرب استفاده شد. حکومت آن را «نخستین سند حقوق بشر» و نشانه‌ای از «حکومت قانون» دانست تا نشان دهد ریشه‌ی ارزش‌های مدرن مانند آزادی، عدالت و مدارا در تاریخ ایران است. با این نگاه، ایران نه کشوری پیرو تمدن غرب، بلکه یکی از پایه‌گذاران آن معرفی شد. مقایسه‌ی منشور کوروش با منشور ملل متحد نیز تلاشی بود برای نشان دادن هماهنگی ایران با گفتمان جهانی حقوق بشر. در نتیجه، کوروش به پلی میان ایران باستان و جهان مدرن غربی تبدیل شد[۱].

۳) تقابل با غرب

مخالفت با برده‌داری در تاریخ ایران به عنصری برای تقابل با غرب بدل شد. برای نمونه در دولت احمدی‌نژاد برای نشان دادن دوگانگی ذات ایران و غرب بر نبود برده‌داری در ایران تاکید می‌شد. در این نگاه ایرانیان دارای گوهری بودند که آزادی انسانها را به رسمیت می‌شناختند و از این رو نخستین امپراتوری ایران برده‌داری را لغو کرد در حالی که غربیان از آغاز ملتی برده‌دار بودند و اگر در این اواخر برده‌داری را لغو کردند نه از سر دلسوزی که از روی مقاصد سیاسی و اقتصادی بود. برای نمونه احمدی‌نژاد بر این باور بود که کوروش پس از به قدرت رسیدن، برده‌داری را لغو کرد و بدون زور با استفاده از فرهنگ و ارزش‌های انسانی حکومت کرد اما غربی‌ها پس از سال‌ها کشتار و جنایت برده‌داری را برای رونق بخش صنعت خود لغو کردند[۲]. البته این نگاه ویژه هواداران احمدی‌نژاد نبود. برای نمونه شکوه میرزادگی که از جمله منتقدان و مخالفان نظام است نیز چنین گوید: «بسیار پیش از آن که اسپارتاکوس شما علیه برده‌داری برخیزد، کوروش ما برده‌داری را نه تنها در کشور خویش که در کشورهایی که بر آنها غالب شده بود نیز ملغی کرده است»[۳].

۱. توکلی طرقی، چرخش تمدنی و تسامح کورشی
https://archive.savepasargad.com/2017/October/charkhesh-tamadoni-tavakoli.htm
2. aftabnews.ir/fa/news/102515.

۳. میرزادگی، شکوه، ۲۰۱٦، میراث فرهنگی و طبیعی ایران در دوران جمهوری اسلامی، ص ۵۳.

۴) تقابل با دین و اسلام

شاید از روز نخست ساخت این دروغ با هدف مقابله با دین و اسلام نبود اما بعدها این گزاره دروغین به عنوان بخشی از جریان مقابله با دین و اسلام به کار گرفته شد. باستان‌گرایان، سلطنت‌طبان و خداناباوران برای نشان دادن تقابل میان اسلام و ایران باستانی به این گزاره چنگ زدند. نشانه‌های این تقابل را در از نیمه دوم دهه هشتاد شمسی در آرشیو اینترنت وجود دارد. هفته‌نامه بیشاپور چنین آمد که در ۲۵۰۰ سال پیش از زبان کوروش برده داری در شرایطی از میان جوامع ایرانی برافتاد که حتی ۱۰۰۰ سال بعد از آن در کتاب آخرین و کامل‌ترین دین الهی شاهد قوانین متعددی راجع به آن هستیم!!![1]. اصل این متن گویا به سال ۱۳۸۳ بازمی‌گردد[2] که بعد از نیمه دوم دهه هشتاد در ده‌ها وبلاگ بازنشر شد. در سال ۱۳۸۶ سایتی به نام زندیق که مروج بی‌خدایی است به مقایسه الغای برده‌داری در منشور کوروش و اسلام پرداخته است[3]. این شبهه به دانشگاه‌ها رسید و پرسمان دانشگاهی برای آن پاسخی ارائه داد[4]. در سال بعد نویسنده‌ای که خود را «دکتر سها» می‌خواند و خود قربانی ترجمه دروغین است به نقد احکام بردگان در اسلام می‌پردازد و خواننده را به ترجمه دروغین منشور ارجاع می‌دهد[5]. نیما شهسواری که هدفش مبارزه با ظلم خدا، الله، یهوه و عیسی است[6] می‌گوید کوروش بر خلاف خدا و پیامبران الهی که خود مروج برده‌داری بودند، این رسم را ملغی کرد[7].

---

1. https://parishan-k.blogfa.com/post/131
2. baharit.sellfile.ir/prod-1715816
3. https://zandiq.com/2007/11/14/barde-dari-dar-eslam-2/
4. www.porseman.com/article/112429.

۵. دکتر سها، ۱۳۸۸، آیا احکام اسلام برای حکومت در جهان امروز مناسبند؟، ص ۱۱۳.

٦. شهسواری، نیما، ۱۳۹۹، کیمیا، ص ٦.

۷. شهسواری، نیما، ۱۳۹۹، کیمیا، ص ۲۵-۲٦.

ترجمه دروغین

شـایـد نویسـنده ترجمـه جعلـی اسـتوانه کـوروش هـم فکـر نمی‌کـرد، دروغ او روزی جهانـی شـود و شـرق و غـرب را درنـوردد و مایـه داوری‌هـای نادرسـت تاریخـی، سـوء تفاهم‌هـا و دشـمنی گـردد. بخشـی از ایـن منشـور سـاختگی چنیـن اسـت: «اینـك کـه بـه یـاری مـزدا، تـاج سـلطنت ایـران و بابـل و کشـورهای جهـات اربعـه را بـه سـر گذاشـته‌ام، اعـلام می‌کنـم:

کـه تـا روزی کـه مـن زنـده هسـتم و مـزدا توفیـق سـلطنت را بـه مـن می‌دهـد دیـن و آیین و رسـوم ملتهایـی کـه مـن پادشـاه آنهـا هسـتم، محتـرم خواهـم شـمرد و نخواهـم گذاشـت کـه حـکام و زیـر دسـتان مـن، دیـن و آئیـن و رسـوم ملتهایـی کـه مـن پادشـاه آنهـا هسـتم یـا ملتهـای دیگـر را مـورد تحقیـر قـرار بدهنـد یـا بـه آنهـا توهیـن نماینـد. مـن هرگـز سـلطنت خـود را بـر هیـچ ملـت تحمیـل نخواهـم کـرد و هـر ملـت آزاد اسـت، کـه مـرا بـه سـلطنت خـود قبـول کنـد یـا ننمایـد و هـر گاه نخواهـد مـرا پادشـاه خـود بدانـد، مـن بـرای سـلطنت آن ملـت مبـادرت بـه جنـگ نخواهـم کـرد. مـن نخواهـم گذاشـت کسـی بـه دیگـری ظلـم کنـد و اگـر شـخصی مظلـوم واقـع شـد، مـن حـق وی را از ظالـم خواهـم گرفـت و بـه او خواهـم داد و سـتمگر را مجـازات خواهـم کـرد. نخواهـم گذاشـت مـال غیـر منقول یـا منقول دیگـری را بـه زور یـا بـه نحـو دیگـر بـدون پرداخـت بهـای آن و جلـب رضایت صاحـب مال، تصـرف نمایـد. نخواهـم گذاشـت کـه شـخصی، دیگـری را بـه بیـگاری بگیـرد. مـن امـروز اعـلام می‌کنـم، کـه هـر کـس آزاد اسـت، کـه هـر دینـی را کـه میـل دارد، بپرسـتد و در هـر نقطـه کـه میـل دارد سـکونت کنـد، مشـروط بـر اینکـه در آنجا حـق کسـی را غصـب ننماید، و هـر شـغلی را کـه میـل دارد، پیـش بگیـرد و مـال خـود را بـه هـر نحـو کـه مایـل اسـت، بـه مصـرف برسـاند، مشـروط بـه اینکـه لطمـه بـه حقـوق دیگـران نزنـد. مـن اعـلام می‌کنـم، کـه هـر کـس مسـئول اعمـال خـود می‌باشـد و هیـچ کـس را نبایـد بـه مناسـبت تقصیـری که یکـی از خویشـاوندانش کـرده، مجـازات کـرد. نخواهـم گذاشـت کـه مـردان و زنـان را بعنوان غـلام و کنیـز بفروشـند و حـکام و زیردسـتان مـن، مکلـف هسـتند، کـه در حـوزه حکومـت

و مأموریت خود، مانع از فروش و خرید مردان و زنان بعنوان غلام و کنیز بشوند و رسم بردگی باید به کلی از جهان برافتد»[1].

پیوندِ متنِ جعلی با اعلامیه حقوق بشر

نخستین پرسش درباره این متن این است که این متن چه ارتباطی با اعلامیه حقوق بشر دارد و چرا «نخستین اعلامیه حقوق بشر» نام گرفته است؟ این متن با درایت خاصی جعل شده است. نخست اینکه بر خلاف ترجمه اصل که در آن از مردوک سخن می‌گوید و هیچ نامی از خدای پارسیان در آن نیست، در ابتدای متن از اهورامزدا یاد و از او یاری جسته است و با این ترفند کوروش زردشتی معرفی می‌شود و بویژه برای خوانندگان مسلمان ایرانی شبهه پرستش بت و آبادی بتخانه از دامن کوروش زدوده می‌شود. نکته دیگر تاکید ترجمه دروغین بر مطالبی است که با اعلامیه حقوق بشر هماهنگی داشته باشد. احترام به آداب و رسوم، آزادی انتخاب دین، محل سکونت و اشتغال، آزادی انتخاب در اداره عمومی کشور)، رفع ظلم، به رسمت شناختن حق مالکیت، تساوی در برابر قانون و الغای برده‌داری همه بندهایی از اعلامیه حقوق بشر است که به زیرکی در این استوانه کوروش به کار گرفته شده است. بی‌گمان هدف از این کار نزدیک ساختن متن استوانه به اعلامیه حقوق بشر است تا بدین طریق بر ادعای «نخستین اعلامیه حقوق بشر» تاکید شود.

نویسنده‌ی متنِ جعلی

پرسش دیگر این است که چه کسی برای نخستین بار این متن را جعل کرد و در کدام مقطع تاریخی رواج یافت. در پاسخ باید گفت برخی جعل ترجمه را به دوران شاهنشاهی و شخص فرح پهلوی برمی‌گردانند و برخی دیگر اعلام بی‌طلاعی می‌کنند. برای نمونه دانشمند معتبری چون واندرسپک می‌گوید که نمی‌داند چه

---

۱. منصوری، ذبیح‌الله، ۱۳۷۸، سرزمین جاوید، ج ۱، ص ۴۰۲-۴۰۴.

کسی نخستین بار این ترجمه را به کار برد[1]. نکته مهمی که وجود دارد این است که کسانی که جعل ترجمه را به دوران پهلوی برمی‌گردانند، تاکنون منبعی برای ادعای خود ارائه نداده‌اند. هر چند این ادعا نیز بعید نیست چرا که نخستین بند از این ترجمه در یکی از کتب عصر پهلوی دیده شد. در این کتاب آمده که کوروش هنگام تاج‌گذاری در بابل چنین گفت: «بیاری مزدا تاج سلطنت ایران و بابل و جهات اربعه را بر سر می‌گذارم»[2]. ذبیح الله قدیمی در کتاب «شاهنشاه پهلوی» با اینکه در هنگام آوردن ترجمه منشور هیچ سخنی از برانداختن برده‌داری و بیگاری نمی‌آورد اما چند صفحه بعد به نقل از کوروش سخنانی را می‌آورد که شباهتهایی به ترجمه جعلی دارد. وی چنین گوید: «از امروز برده‌ها آزاد، اسیران آزاد، زندانیان آزاد هستند. دروازه‌های شهر بابل بر روی همه افراد باز است هر که آید و رود مجاز است. هیچکس برده و اسیر نیست. انسان‌ها قابل خرید و فروش و بردگی نیستند»[3]. در برخی از کتابهای دوره پهلوی مانند «آب و فن آبیاری در ایران باستان» نیز آمده که بنابر مدارکی کوروش برده‌داری را لغو کرد[4].

در ترجمه‌ای که به سازمان ملل اهدا شده است تنها به بخشهایی از استوانه استناد شده است که با اهداف حقوق بشری هماهنگ باشد. به همین خاطر خبری از باج و خراج سنگین و بوسیدن پای کوروش در آن نیست. مانند برخی از ترجمه‌های رایج آن دوران[5] مطالبی دارد که در ترجمه‌های جدید خبری از آن نیست مانند این بخش که «خانه‌های ویرانشان را از نو ساختم». ویسهوفر بر این باور است که ادعاهای شاه و درباریانش مانند آزادی عقیده، حقوق بشر، لغو برده‌داری

1. van der Spek, De Cyr uscilinder als een icoon van antieke en moderne propaganda, p 352.

۲. شاعری، احمد، ۱۳۵۱، ایران در آیینه تاریخ قرون، ص ۱۱۳.

۳. قدیمی، ذبیح‌الله، ۲۵۳۸، شاهنشاه پهلوی، ص ۱۳۷.

٤. رضا عنایت‌الله و همکاران، آب و فن آبیاری در ایران باستان، ص ۲.

۵. بیانی، شیرین، ۱۳۵۰، کوروش کبیر، ص ۱۲.

و مانند آن موجب راه یافتن این ایده‌ها به ترجمه‌های دروغین شد[1]. به دیگر سخن تلاش پهلوی برای بازگرداندن اعتبار به تاج و تخت خود، سنتی را ایجاد کرده است که به منظور منحرف کردن توجه از مبارزات معاصر، ایران باستان را رمانتیک جلوه می‌دهد[2].

با جستجوی بسیار قدیمی‌ترین منبع برای این ترجمه جعلی، کتاب سرزمین جاوید اثر ذبیح‌الله منصوری است. از آنجا که تاریخ وفات مؤلف کتاب سال ۱۳۶۵ است در نتیجه ترجمه به پیش از این سال باید برگردد[3]. این کتاب که مثلاً بر اساس آثار دانشمندانی چون موله، هرتزفلد و گیرشمن گردآوری شده است تأثیر زیادی در نشر این ترجمه ساختگی داشت.

بازنشر ترجمه دروغین

تمام ترجمه دروغین را بعدها علی آقابخشی و مینو افشاری در کتاب فرهنگ علوم سیاسی آوردند[4]. کیاندخت نورافروز در کتاب «ناچیز شمردن زن در درازنای روزگاران» به بخشی از این ترجمه درباره زنان اشاره کرده است [5]. فرشته نورمحمدی نیز ترجمه را تکرار کرد[6]. دکتر جعفری‌تبار که فریب ترجمه‌های انگلیسی را خورده است نیز تمام ترجمه را تکرار می‌کند[7]. پس از او دکتر محمد منصورنژاد در مقاله «پارادوکس

1. Wiesehöfer, Josef. 2021. “The Achaemenid Empire: Realm of Tyranny or Founder of Human Rights? P 1651.

2. Baghoolizadeh. Beeta, 2015, Reconstructing a Persian Past: Contemporary Uses and Misuses of the Cyr us Cylinder in Iranian Nationalist Discourse.

۳. منصوری، ذبیح‌الله، ۱۳۷۸، سرزمین جاوید، ج ۱، ص ۴۰۲-۴۰٤.

٤. آقابخشی، علی و افشاری راد، مینو، ۱۳۸۳، فرهنگ علوم سیاسی، ص ۱٦۱-۱٦۲.

۵. نورافروز، کیاندخت، ۱۳۸٤، ناچیز شمردن زن در درازنای روزگاران، ص ۷۳.

٦. نورمحمدی، فرشته، ۲۰۰٦، مردی که سبز بود، ص ۲٤۷.

۷. جعفری‌تبار، حسن، ۱۳۸٤، هَمَم شهریاری، هَمَم موبدی گفتاری در حقوق مذهبی ایران در

در گفتمـان هویتـی رژیـم پهلـوی» بخـش دیگـری از ترجمـه را آورد[۱]. آدینـه عبقـری در مقدمـه کتـاب خـود ایـن ترجمـه را ذکر کـرد[۲]. دکتـر جاویـد جاویـد ترجمـه جعلـی را آورده و در اقدامـی عجیـب آن را بـه لوکـوک نسـبت داد[۳]. در سـال بعـد رسـول افضلـی دوبـاره این ترجمـه جعلـی را نشـر داد[۴]. ایـن ترجمـه در کتـاب «نگاهـی بـه تاریـخ اندیشـه در ایـران» بـه قلـم محمـود کویـر[۵]، کتـاب «ده ابرمـرد تاریـخ ایـران» اثـر ناصـر انقطـاع[۶]، کتـاب «کـورش بـزرگ گزنفـون هنـر رهبـری و جنـگ»، ترجمـه و نـگارش کـورش زعیـم کـه مقدمـه آن را محمدعلـی دادخـواه (عضـو کانـون مدافعـان حقـوق بشـر ایـران) نوشـته اسـت، تکرار شـد[۷]. دادخـواه خـود در سـال ۱۳۸۶ بـا اسـتناد بـه ایـن ترجمـه جعلـی بـا آب و تـاب از حقوق بشـر شـرقی نوشـت[۸]. بی‌شـتاب در کتـاب «سـیمرغ و صیـاد» بـر ایـن ترجمـه چیزهایـی افـزود[۹]. در سـال ۲۰۱۴ ایـن ترجمـه سـر از نشـریه وزارت عدلیـه افغانسـتان درآورد[۱۰]. مایـک رهبریـان در کتـاب «معمـای نفـت و تغییـر رژیـم در ایـران» همیـن ترجمـه را آورد[۱۱]. بهـروز سـهرابی با

دورهٔ ساسانی، ص ۵۱-۵۲.

۱. منصورنژاد، محمد، ۱۳۸٦، پارادوکس در گفتمان هویتی رژیم پهلوی، ص ۷۸، یادداشت ۳.

۲. عبقـری، آدینـه، ۲۰۰۸، مقدمـه‌ای بـر نظـام حقوقـی جمهـوری اسـلامی ایـران و جایـگاه حقـوق بشـر در آن، ص ٦.

۳. جاویـد، محمدجـواد و جمالـی، فریمـا، ۱۳۸۸، تعامـل عدالـت و دولـت در ایـران باسـتان بـا تأکیـد بـر تحقیقـات تاریخـی در حقـوق هخامنشـیان، ص ۱۲۰-۱۲۱.

٤. افضلی، رسول و حسامی، مهدی، ۱۳۸۹، حقوق شهروندی در ایران، ص ۱۱۰.

٥. کویر، محمود، ۱۳۹٤، نگاهی به تاریخ اندیشه در ایران، ص ٤۳۳-٤۳٤.

٦. انقطاع، ناصر، ۱۳۹۰، ده ابرمرد تاریخ ایران، ص ٤۰-٤۲.

۷. کورش بزرگ گزنفون، ویرایش لاری هدریک، ترجمه و نگارش کورش زعیم، ص ۲۰۸-۲۰۹.

۸. دادخواه، محمدعلی و حاج عبدالباقی، مریم، ۱۳۸٦، حقوق بشر، غربی نیست، منشور کوروش.

۹. بی‌شتاب، م، ۱۳۸۹، سیمرغ و صیاد، ص ٤۳۱.

10. ADalat, p 33-334.

۱۱. رهبریان، مایک، ۱۳۹۵، معمای نفت و تغییر رژیم در ایران، ص ۹۳٤.

تکـرار متـن جعلـی آن را سـنگ بنـای حقـوق بشـر دانسـت[1]. علـی قاسـمی‌نیا منشـور جعلـی را بـا کتیبـه آشـور بانی‌پـال مقایسـه کـرده اسـت[2]. پـری صابـری در نمایـش «کـورش کبیـر» ایـن ترجمـه را آورد[3] و بهرنـگ مهاجـر در داسـتان «چهاردسـت» آن را از زبـان کـوروش تکـرار کـرد[4]. هـادی فیـروزی نیز در داسـتان پیـروز نهاونـدی مضمـون استوانه را ذکـر کرد[5]. دکتـر محمدحسـین صائمیـان در کتابـی ایـن ترجمـه را تکـرار کـرد و یـک صفحـه نیـز در تجلیـل از آن نوشـت[6]. پـس از وی، دکتـر سـعیدی و والـی نیـز چنیـن کردنـد[7].

چگونه این ترجمه به دروغی جهانی تبدیل شد؟

مهاجـران ایرانـی و زردشـتیان سـاکن کشـورهای اروپایـی و آمریکایـی نقش ویـژه‌ای در رواج ترجمه‌هـای جعلـی بـه زبـان انگلیسـی داشـتند[8]. «بنیـاد میـراث پاسـارگاد» از جملـه سـایت‌های سـلطنت‌طلبی اسـت کـه از روز نخسـت ترجمـه دروغیـن را بـه نـام حمایـت از پاسـارگاد منتشـر کـرد. بـرای نمونـه در مقـالات منتشـر شـده بـه نـام تـورج پارسـی[9]،

۱. سهرابی، بهروز، ۱۳۹۵، مبانی تحلیلی حقوق شهروندی در ایران و اسلام، ص ۴۹.

۲. قاسـمی نیـا، علـی، ۱۳۹٦، بررسـی وضعیـت طبقـه اجتماعـی کورتـش هـا در عصـر مادهـا و هخامنشـیان، ص ٤٤.

۳. صابری، پری، ۱۳۹۷، کوروش کبیر، پاره ۱۲.

٤. مهاجر، بهرنگ، ۱۳۹۸، چهاردست، ص ٤۰۷-٤۰۸.

۵. فیروزی هادی، پیروز نهاوندی. ص ٦۲.

٦. صائمیـان، محمدحسـین، ۱٤۰۰، از اخـلاق مهندسـی تـا سـلامتی، ایمنـی و محیـط زیسـت (H.S.E)، ص ۳۹-٤۰.

۷. سعیدی فیروزآبادی و والی، الف، اچ، ۱٤۰٤، نوزایش ایرانی جنبشی مدنی و سکولار، ص ۲٤.

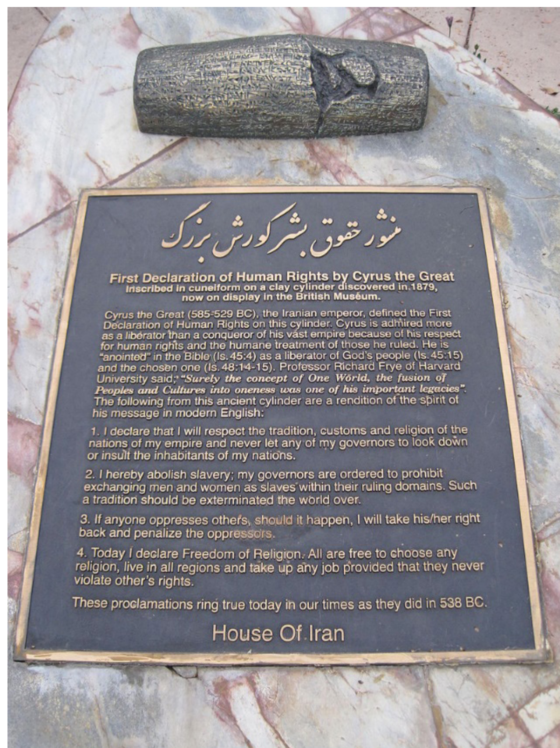
8. van Der Spek, De Cyr uscilinDer als een icoon van antieke en moDerne propaganDa, p 351.

9. https://archive.savepasargad.com/October/parsi%20rooz%20kourosh.htm.

احمد پناهی[1]، امیل ایمانی[2] و دیگران[3] این ترجمه بارها تکرار شد. در مقابل سازمان مجاهدین با وجود اختلاف بنیادین با جریان پادشاهی اما همین ترجمه دروغین را منتشر کرده است[4]. جبهه ملی ایران که مخالف هر دو جریان پیشین است، لغو برده‌داری را از مفاد استوانه کوروش می‌داند[5].

در سایت «خانه ایران»[6] و در لوح یادبود خانه ایران در پارک بالبوآ در سن‌دیگوی کالیفرنیا این ترجمه دیده می‌شود.

1. https://archive.savepasargad.com/August/Separha%20ye%20avikhteh.htm.
2. https://archive.savepasargad.com/Cyr us%20the%20Great%20-%20Kourosh%20bozorg/porsesh/Amil-imani.htm.
3. https://archive.savepasargad.com/August/Separha%20ye%20avikhteh.htm.
http://archive.savepasargad.com/Documents/Cyr uss_declaration.htm.
4. https://hambastegimeli.com ایران، مهد تاریخی حقوق بشر
5. https://melliun.org/iran/141991.
6. http://thehouseofiran.com/wp-content/uploads/2016/05/Cyr us_Human_Rights.pdf.



[۱]

و امـا نقـش زردشـتیان آمریـکای شـمالی در ترویـج ترجمـه دروغیـن را در نشـریه فزانامی‌تـوان دیـد[۲]. در یکـی از شـماره‌های ایـن مجلـه کـه بـه افتخـار اسـتوانه کـوروش چـاپ شـده اسـت، در چنـد مقالـه بـر رهایـی بـردگان بـه دسـت کـوروش تاکیـد شـد[۳]. وبـلاگ مرکـز زردشـتیان کالیفرنیـا نیـز تحـت تأثیـر ترجمـه دروغیـن چنیـن آورده اسـت: کـوروش همچنیـن بـردگان را آزاد کـرد، اعـلام کـرد کـه همـه مـردم حـق دارنـد دیـن

1. https://www.hmdb.org/m.asp?m=230077.

۲. فدراسیون انجمن‌های زرتشتیان آمریکای شمالی.

3.https://www.fezana.org/files/drupalfiles/FEZANA_Journal_2013_Summer.pdf. P 19,

خـود و مکانـی را کـه می‌خواهنـد در آن زندگـی کننـد، انتخـاب کننـد[1]. دکتـر راوی خترپـال کـه از زردشـتیان پارسـی اسـت در سـایت اهورامـزدا لغـو بـرده‌داری را بـه کـوروش نسـبت داده اسـت[2]. سـایت انجمـن زرتشـتیان تهـران نیـز ترجمـه را بـه زبـان فارسـی آورده اسـت [3]. ترجمـه نادرسـت حداقـل از سـال ۲۰۰۹ توسـط شـبکه انجمـن ایرانیـان آمریـکا در وب‌سایتشـان منتشـر شـده اسـت[4]. دیویـد اسـتاموس توسـط شـاگردان ایرانـی خـود بـا ایـن ترجمـه جعلـی آشـنا شـد[5].

از آنجـا کـه ایـن ترجمـه بـه صـورت گسـترده توزیـع شـده بـود[6]، نویسـندگان خارجـی نیـز بـه اشـتباه افتادنـد. مـارک بردلـی در کتـاب «ایـران و مسـیحیت» ایـن ترجمه سـاختگی را تکـرار کـرد[7]. پـس از او جـی ادواردز اسـتاد مردمشناسـی فریـب خـورد و ایـن ترجمـه را در کتـاب خـود آورد[8]. پـس از او محمـود جاویـد[9]، داگلاس روپـر کروتـر[10]، و سـال بعـد

1. https://weblog.czc.org/2017/11/zarathushtra-and-Cyr us-great.html
https://weblog.czc.org/2017/11/first-human-rights-declaration.html
2. https://ahuramazda.co.uk/ancient-iran-gave-world.
3. https://www.t-z-a.org/Pages/125
4. Van de Ven, A. (2017). The many faces of the Cyr us Cylinder, APPENDICES, p 9.
5. Stamos. DaviD N, 2015, Myth of Universal Human Rights, P 112.
6. van Der Spek, De Cyr uscilinDer als een icoon van antieke en moDerne propaganDa, p 352.
7. BraDley, Mark, 2008, Iran anD Christianity: Historical IDentity anD Present Relevance, p 45-46.
8. EDwarDs Jay, 2009, Daniel: Power, Business, anD Politics, p 209-210.
9. Jawaid, Mahmood. 2011. HUNTING TO CLONING Unearthing Civilizations through Quran, p 124-125.
10. Krotz, Douglas Roper, 2011, The man who sent the Magi: a religious Rosetta Stone, p 191-192.

تـای هنـگ چنـگ در کتابـی از انتشـارات آکسـفورد ایـن ترجمـه جعلـی را تکـرار کردنـد[۱] و جالـب اینکـه تـای هنـگ بـه کتـاب پریچـارد اسـتناد کـرده اسـت در حالـی کـه ترجمـه اسـتوانه در کتـاب پریچـارد ترجمـه‌ای صحیـح اسـت و هیـچ ربطـی بـه ایـن ترجمه نـدارد[۲]. اریـک برانـت در کتـاب «تاریـخ از طریـق فیلـم»[۳]. جیمـز شِـریِر متـن اسـتوانه را بـه نقـل از سـایت farsinet.com کـه از سـوی ایرانیـان اداره می‌شـود، آورده اسـت[۴].

مونتـرو بـه بخشـی از ترجمـه یعنـی دسـتور کـوروش بـرای برانـدازی رسـم بـرده‌داری اشـاره کـرده اسـت[۵]. ایـن ترجمـه در کتـاب «مانیفسـت نظریـه انتقـادی جامعـه و دیـن» تکـرار شـد[۶]. و هنریکسـون در کتـاب «اخـلاق و سیاسـت عمومـی» بـه بخشـهایی از آن اشـاره کـرد[۷] چنانچـه سـوبدی در کتـاب «حقـوق بشـر در تمدن‌هـای شـرقی»[۸] نیـز چنیـن کـرد. ایـن ترجمـه در کتابهـای «راهنمـای معلـم بـرای جوامـع تاریـخ جهـان گذشـته»[۹]، «نـوادگان کـورش»[۱۰]، «قـدرت مهاجـران»[۱۱]، «عجایـب هفتگانـه خاورمیانـه

1. Tai-Heng Cheng, 2012, When International Law Works: Realistic IDealism After 9/11 anD the Global Recession, p 34, note 55.

2. PritcharD James B, 1969, Ancient Near Eastern Texts Relating to the OlD Testament, p 315-316.

3. Eric Burnett, 2008, History Through Film: Volume 1, p 24.

4. Sherrier, J. (2012). In the name of honor: Killing or kinDness, p 79-80.

5. A. Reis MonteiRo, 2014, Ethics of Human Rights, p 58.

6. RuDolf Siebert, 2010, Manifesto of the Critical Theory of Society anD Religion,vol 1, p 23.

7. Henricson Clem, 2016, Morality anD Public Policy, p 37.

8. SubeDi Surya P., 2021, Human Rights in Eastern Civilisations, p 23-24.

9. LinDa McDowell, Marilyn MacKay, 2005, Teacher's GuiDe for WorlD History Societies of the Past, p 68.

10. Thornton Christopher, 2019, DescenDants of Cyr us: Travels through EveryDay Iran, p 275.

11. Tim Kane, 2022, The ImmigRant SupeRpoweR, p 161.

باستان»[1]، «فتوحات اسکندر مقدونی»[2]، «سنت‌های هنری فرهنگ‌های اوراسیا داخلی»[3]، «گسترش اسلام»[4] و «دموکراسی اجتماعی-اقتصادی و حکومت جهانی»[5] تکرار شد.

سایت پرسپولیس به زبان انگلیسی که گویا به دست ایرانیان اداره می‌شود کوروش را اولین پادشاهی می‌داند که برده‌داری را لغو کرد[6]. سایت موسسه حقوق بشر رائول والنبرگ در دانشگاه لوند سوئد چنین آورده است: «در سال ۵۳۹ قبل از میلاد، کوروش بزرگ شهر بابل را تصرف کرد، بردگان را آزاد نمود و اعلام کرد که هر کس در انتخاب دین خود آزاد است. این رویداد به عنوان اولین منشور حقوق بشر در طول تاریخ محسوب می‌شود. در نتیجه، الهام‌بخش تمدن‌های باستانی مانند هند، یونان و روم بود»[7]. دکتر سوسن پایدار به خبرنگار الجزیره می گوید که کوروش برده‌داری را لغو کرد[8]. وو مینگرن در گزارش خود در سایت «ancient-origins.net» ترجمه دروغین را تکرار کرد[9]. Garrett Nada در گزارش خود آزادی بردگان را از مفاد استوانه می‌داند[10]. و سایت‌های دیگر نیز همین کار را کرده‌اند.[11].

1. WooDs Michael, WooDs Mary B., 2009, Seven WonDers of the Ancient MiDDle East, p 28.

2. Behnke Alison, 2013, The Conquests of AlexanDer the Great, p 58.

3. ArDi Kia, 2022, Artistic TraDitions of Inner Eurasian Cultures, 83.

4. P J Stewart, 2022, UnfolDing Islam.

5. Dhanjoo N. Ghista, 2004, Socio-economic Democracy anD the WorlD Government, p 262.

6. https://www.peRsepolis.nu/peRsepolis-CyR us.htm.

7. https://rwi.lu.se/timeline/539-bc-the-Cyr us-cylinDer.

8. https://www.aljazeera.com/features/2013/4/25/the-story-behind-the-Cyr us-cylinder.

9. https://www.ancient-origins.net/artifacts-ancient-writings/Cyr us-cylinDer-002311.

10. https://iranprimer.usip.org/blog/2013/mar/18/Cyr us-connects-ancient-iran-and-us-democracy.

11. https://www.ipl.org/essay/Cyr us-The-Great-The-Abolition-Of-Slavery-P3R8VSH428VT.

ترجمه دروغین از طریق انتشار نسخه‌های عربی سایت‌های داخلی[۱]، سایت‌های عربی وابسته به کردها[۲] و ... به کشورهای عربی نیز راه یافت. شاکر نوری در سایت البیان بخش‌هایی از ترجمه دروغین از جمله لغو برده‌داری را منتشر کرد[۳]. عصام القویطی در مجله مغربی هسپرس الغای برده‌داری را به کوروش نسبت داد[۴]. سرحان ماجد نیز چنین کرد[۵] و بخش‌هایی از ترجمه دروغین را آورد[۶]. و همچنین ریم الشاذلی[۷]. در سایت معروف «مکتبه نور» در معرفی کتاب «كتاب كورش الأكبر مؤسس الدولة الفارسية و أبو إيران» نوشته صابر صالح زغلول به ترجمه دروغین اشاره شده است[۸]. همچنین در معرفی این کتاب در مجله اوراق این ترجمه تکرار شده است[۹]. عبدالله احمد محمود در کتاب خود ترجمه زغلول را آورد[۱۰] و نویسنده دیگری در رساله دکتری خود همین ترجمه را نقل کرده است[۱۱]. عادل محمد از بحرین نیز به نقل از صالح ناجی ترجمه جعلی را آورده است[۱۲]. در مقابل سعود الزاهد در سال ۲۰۱۵

---

https://mythologyvault.com/symbols/artifacts/Cyr us-cylinder-ancient-human-rights.

1. https://www.asriran.com/ar/news/25590.
2. https://kurd-online.com/?p=21003.
3. https://www.albayan.ae/our-homes/2010-02-13-1.218845.
4. www.hespress.com/366126.
5. https://www.ahewar.org/debat/show.art.asp?aid=486404.
6. https://www.alrakoba.net/489972.
7. https://elmeezan.com/ قانون حقوق الإنسان الأول الذى وضعه كورش العظيم عام 590 قبل الميلاد
8. https://www.noor-book.com/book/review/449403#google_vignette.

۹. محسن حسن، ۲۰۱۶، کتاب یثیر التاریخ المجهول لموسس الدوله الفارسیه و ابو ایران: کورش الاکبر، ص ۹.

۱۰. احمد محمود، عبدالله، اسرار القرون الاولی و التاریخ المفقود، ج ۱، ص ۲۳۲.

۱۱. ایمان لفته حسین غضب الگرعاوی، ۲۰۱۲، الدین و السیاسه فی الدوله الاخمینیه، ص ۲۳٦.

12. https://www.ahewar.org/debat/show.art.asp?aid=554190.

در سایت العربیه گفت ترجمه منتشر شده دوره احمدی‌نژاد دروغی بیش نیست[۱]. دکتر خلود عبدالحفیظ یعقوب در مقاله‌ای با اشاره به شایعه الغای برده‌داری به دست کوروش، آن را منکر می‌شود[۲].

انتشار ترجمه دروغین در رسانه‌ها

با ورود به دهه هشتاد شمسی این ترجمه‌ها رواج بیشتری یافت. جدای از نمونه‌هایی تزئینی که با انگیزه‌ی اقتصادی منتشر شده است، و جدای از ده‌ها وبلاگ و سایت غیر مشهور[۳]، این ترجمه ساختگی در مشهورترین روزنامه‌ها و سایتها نیز انتشار یافت. برای نمونه سایت خبرگزاری ایسنا[۴]، خبرآنلاین[۵]، ایرنا[۶]، ایکنا[۷]، بهارنیوز[۸]، مهرنیوز[۹]، باشگاه خبرنگاران جوان[۱۰]، این ترجمه نادرست را نشر داده‌اند. سایت دایره المعارف بزرگ اسلامی به نقل از ایسنا مضمون ترجمه دروغین را منتشر کرد[۱۱]. مسعود فرجی در مطلبی

1. https://www.DD-sunnah.net/forum/showthreaD.php?t=177807.

۲. عبدالحفیظ یعقوب، خلود، اوضاع العبید فی ایران خلال العصر الساسانی، ص ۴۳۶-۴۳۷.

3. https://akhBarjahan.news/?p=155486
https://shia.shafaqna.com/FA/AL/4432638
https://www.zirnevisnews.ir/?p=357581
https://magazineno.ir/2025/10/14
https://www.aftabno.ir/?p=694628
https://khabarfarsi.com/u/229585317

4. https://www.isna.ir/news/8401-02615 تاریخ انتشار ۱۶ فروردین ۱۳۸۴.

5. www.khabaronline.ir/news/326768 تاریخ انتشار 18 آذر 1392.

6. https://www.irna.ir/news/80675668 تاریخ انتشار ۷ خرداد ۱۳۹۲.

7. iqna.ir/fa/news/1809814 تاریخ انتشار، 14 مرداد 1388.

8. https://www.baharnews.ir/article/163485.

9. https://www.mehrnews.com/news/6613556

10. https://www.yjc.ir/fa/amp/news/9013849

11. https://www.cgie.org.ir/fa/news/273910

بـا عنـوان «غفلـت از آمـوزش و پـرورش بومـی» بـا نقـل چنـد خـط از ایـن ترجمـه جعلـی خواهـان پاسـداری از سـنت مـدارا و همزیسـتی اسـت[۱]. سـایت مهـر میهـن نیـز در «آزادگـی و دوری از بـرده‌داری در ایـران باسـتان» بـه ترجمـه سـاختگی اسـتناد کـرده اسـت[۲].

بعـد از آوردن اسـتوانه کـوروش در دوره ریاسـت جمهـوری احمدی‌نـژاد ایـن اسـتوانه در کانـون توجهـات قـرار گرفـت. از آنجـا کـه ترجمـه‌ای کـه احمدی‌نـژاد از روی آن می‌خوانـد نیـز از همیـن دسـت ترجمه‌هـای سـاختگی بـود، بـه دلیـل انعـکاس سـخنان او در مقـام ریاسـت جمهـوری ایـن ترجمـه نیـز بازنشـر می‌شـد چنان‌کـه سـایت دولـت[۳]، مهـر نیـوز[۴] و جـام جـم آنلایـن[۵] در ضمـن پوشـش سـخنان وی ترجمـه سـاختگی را نیـز منتشـر کردنـد. رزونامـه دنیـای اقتصـاد نیـز چنیـن کـرد[۶]. روزنامـه رسـالت در مطلبـی بـا عنـوان «حقـوق بشـر ایرانـی نخسـتین نسـخه جهانـی»[۷] و روزنامـه ایـران در مطلبـی بـا عنوان «حقـوق شـهروندی در ایـران باسـتان» ترجمـه جعلـی را نشـر دادنـد[۸]. قیصـر کللـی در روزنامـه اعتمـاد در مطلبـی بـا عنـوان «قانـون بـزرگ» ترجمـه جعلـی را بـه گمـان اینکـه قسـمت دوم منشـور اسـت مـی‌آورد[۹]. محمـود مسـائلی ممنوعیـت بـرده‌داری را بـه منشـور

۱. فرجـی، مسـعود، غفلـت از آمـوزش و پـرورش بومـی، روزنامـه شـرق یکشـنبه ۷ بهمـن ۱۳۹۷، شـماره ۳۳۵۳، ص ۱۲، https://www.magiran.com/article/۳۸٦۲۸۷۲

2. www.mehremihan.ir/iranian-history/2156.

3. https://dolat.ir/detail/192989

4. https://www.mehrnews.com/news/1149924 تاریخ انتشار ۲۱ شهریور ۱۳۸۹.

5. https://jamejamonline.ir/fa/news/352530 تاریخ انتشار ۲۱ شهریور ۱۳۸۹.

٦. روزنامه دنیای اقتصاد، یکشنبه ۲۸شهریور ۱۳۸۹، شماره ۲۱۸۰، ص ۱،

https://www.magiran.com/article/2152957

۷. روزنامه رسالت، سه‌شنبه ۱۳ آذر ۱۳۸۶، شماره ۶۳۰۹،

https://www.magiran.com/article/1531889

۸. روزنامه ایران، پنجشنبه ۳ امرداد ۱۳۹۲، شماره ۵۴۲۳، ص ۱۷،

https://www.magiran.com/article/2783810

۹. کللـی، قیصـر، قانـون بـزرگ، روزنامـه اعتمـاد، دوشـنبه ۲۱ اردیبهشـت ۱۳۸۸، شـماره ۱۹۴۸، ص ۷، https://www.magiran.com/article/۱۸۵٦۳٤٦.

نسبت داده است[۱] که از فحوای کلامش برمی‌آید نظر به همان ترجمه بازاری دارد. چنان‌که گفته‌های دکتر الهام فخاری[۲]، علی ویس کرمی[۳]، سید جواد حسینی[۴]، نیز چنین است.

حداقل از دهه هشتاد شمسی گروه‌هایی با انگیزه‌های متفاوت به دنبال ثبت روز ۷ آبان به نام کوروش در تقویم بودند. انتشار ترجمه دروغین در این ایام از سال عامل دیگری برای نشر گسترده این ترجمه بود. برای نمونه خبرآنلاین در ۷ آبان ۱۳۹۱ در مطلبی با عنوان «از ما به مهربانی یاد آرید (به یاد کورش کبیر)» این ترجمه را منتشر کرد[۵]. وبگاه عصر ایران[۶]، تابناک[۷]، نیز در همین ایام سال این ترجمه را منتشر کردند. پس از آنکه عده‌ای سلطنت‌طلب در تجمع سال ۹۵ در پاسارگاد با سر دادن شعارهای اسلام‌ستیزانه و نژادپرستانه موجب امنیتی شدن این روز شدند، انتشار این ترجمه در این ایام نیز گسترش یابد. برای نمونه سایت فرارو در ۶ آبان ۱۴۰۱ در مطلبی با عنوان «روزی به افتخار ایرانیان: پایان دوران ستمگری در دنیای باستان» ترجمه دروغین را منتشر کرد[۸]، روزنامه سازندگی نیز در آبان ۱۴۰۳ در مطلبی

---

۱. مسائلی، محمود، ۱٤۰۲، موضوعات اخلاقی و سیاسی در حقوق بشر (جلد هفتم)، ص ۱۳۲.

2. https://www.magiran.com/article/4228870

.رزونامه شرق، سه‌شنبه ۲۷ مهر ۱۴۰۰، شماره ۴۱۲۲، ص ۱۲

3. https://www.magiran.com/article/3175278،

روزنامه ایران، سه‌شنبه ۲۶ خرداد ۱۳۹۴، شماره ۵۹۵۴، ص ۱۸.

4. https://www.magiran.com/article/4488960

سه‌شنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۲، شماره ۵۶۹۷، ص ۱.

5. www.khabaronline.ir/news/254454

6. https://www.asriran.com/fa/news/28007 تاریخ انتشار ۱۳۸۶-۰۸-۰۶

https://www.asriran.com/fa/news/88792 .تاریخ انتشار ۱۳۸۸-۰۸-۰۷

https://www.asriran.com/fa/news/88792 .تاریخ انتشار ۱۳۸۶-۰۸-۰۷

7. https://www.tabnak.ir/fa/news/777 .تاریخ انتشار ۰۷ آبان ۱۳۸۶

8. https://fararu.com/fa/news/582971. .تاریخ انتشار ۰۶ آبان ۱۴۰۱

ایـن ترجمـه را تکـرار کـرد[1].

انتشـار ترجمـه دروغیـن در شـبکه‌های اجتماعـی ماننـد اینسـتاگرام، تلگـرام، تیک‌تـاک و ... نمونه‌هـای بسیار دارد و برشـمردن آن خـارج از تـوان اسـت.

نقش هنرمندان در انتشار ترجمه دروغین

جمشـید مشـایخی نسـخه جعلـی را بـا صـدای زیبـای خـود بازخوانـی کـرد[2]. مصفـا خواننـده ایرانـی در ترانـه «کـورش بـزرگ» چنیـن خوانـد:

من برده‌داری برانداختم به کار ستم دیده پرداختم[3]

شـاهکار بینش‌پـژوه در ارکسـتر سـمفونیک «کـورش کبیـر» ایـن ترجمـه سـاختگی را بـا آه و اشـک بـرای مخاطبـان خوانـد[4].

سـیدعلی صالحـی بـا اضافاتـی نـاروا هـر آنچـه خواسـت بـه نـام بازسـرایی کتیبه‌هـای باسـتانی بـه خـورد مخاطـب داد و موجـب بـه اشـتباه افتـادن بسـیاری از کسـانی شـد کـه هیـچ خبـری از ترجمـه کتیبه‌هـا نداشـتند[5]. هـر چنـد آقـای صالحـی بـر ایـن بـاور اسـت کـه بـه مخاطـب خـود دروغ نگفتـه و روح معنـا همـان اسـت کـه گفتـه شـده اسـت[6]. امـا آنچـه روشـن اسـت ایـن اسـت کـه ایـن شـاعر نیـز قربانـی ترجمـه دروغیـن اسـت و اضافات نـاروای او را بایـد بـه پـای تخیـل شـاعرانه گذاشـت. در ایـن بازسـرایی دربـاره لغـو بـرده‌داری چنیـن آمـده اسـت: «گسسـتن زنجیرهـا آرزوی مـن اسـت. رهایـی بـردگان ... آرزوی من اسـت»[7].

۱. خادمی نیزه، پادشاه صلح‌طلب ایران، روزنامه سازندگی، ۷ آبان ۱۴۰۳، ص ۸.

2. https://www.aparat.com/v/GNghU.

3. https://raDiojavan.one/mosaffa-Cyr us-the-great.

4. https://www.aparat.com/v/jzbb3p1.

۵. صالحی، سید علی، ۱۳۸۲، کوروش هخامنش منم شهریارِ هخامنش، ص ۱۳-۴۲.

۶. روزنامه اعتماد، شنبه ۲۶شهریور ۱۳۹۰، شماره ۲۲۶۲، ص ۷،

https://www.magiran.com/article/2358949.

۷. صالحی، سید علی، ۱۳۸۲، کوروش هخامنش منم شهریارِ هخامنش، ص ۲۳.

یا «من بردگانِ بی‌شماری را رهایی رسانده‌ام»[۱]. یا «رهایی‌بخشِ بردگان منم»[۲].

ده‌ها سایت و وبلاگ به بازنشر این به اصطلاح بازسرایی پرداخته‌اند که مشهورترین نمونه آن منشور پارسوماش است[۳]. این بازسرایی جاعلانه در کتاب «تاجیکان خراسان» نشان والایی اندیشه کوروش و درایت آریاییان شد[۴]. فریدون فرح‌اندوز گوینده و مجری «صدای آمریکا» که به گمان خود این بندها در کتیبه‌های کهن آمده است با صدای غرا این قطعه را خواندکه هزاران بار دیده شد[۵]. سایت‌های «سازمان مجاهدین»[۶]، «سیمای آزادی»[۷]، «به سوی آزادی»[۸]، «همبستگی ملی»[۹]، «کانون حقوق بشر ایران»[۱۰]، «ایران آزادی»[۱۱] و ... این بازسرایی ساختگی را به نام کوروش زده و عقده‌های خود را بر سر جمهوری اسلامی ایران خالی کرده‌اند.

قربانیان ترجمه دروغین

این ترجمه‌های ساختگی بسیاری از شخصیتها را به اشتباه انداخت و در سخنرانی‌های خود از آن استفاده کردند. شاید قدیمی‌ترین سخنرانی از آن شیرین عبادی در مراسم دریافت جایزه صلح نوبل در سال ۲۰۰۳ باشد که به نقل از کوروش

۱. همان، ص ٤١.

۲. همان، ص ۱۱۵.

۳. صالحی، سید علی، ۱۳۸۲، کوروش هخامنش منم شهریارِ هخامنش، ص ۲۳.

٤. مرادی، صاحب‌نظر، ۱٤۰۳، تاجیکان خراسان تاریخ، فرهنگ و سرنوشت، ج ۱، ص ۲۷۲-۲۷۳.

5. https://www.aparat.com/v/a40t5vp

6. https://event.mojahedin.org/i/ ۷ آبان؛ روز کوروش، فرمانروایی دادگستر

7. https://www.iranntv.com/267352.

8. https://besoyehazadi.com/2021/11/02.

9. https://hambastegimeli.com/71831.

10. https://iranhrs.org/ ۷ آبان، روز جهانی کوروش

11. https://iranfreeDom.net/ کوروش کبیر، اولین نگارنده منشور حقوق‌بشر

چنین گفت: «اگر مردمان نخواهند بر آنها حکومت نخواهد کرد»[1]. پس از شیرین عبادی نوبت به محمود احمدی‌نژاد رسید. او در مراسم رونمایی از استوانه کوروش[2] و همچنین در مصاحبه خبری در شبکه خبر ترجمه ساختگی را برای مردم خواند و سپس به تفسیر آن پرداخت[3]. احمدی‌نژاد در اردیبهشت ۱۳۸۹ در همایش روز ملی خلیج فارس در کیش چنین گفت: «۲۵۰۰ سال قبل کوروش فرمانروای این سرزمین یك فرمان صادر کرده است که دو دستور روشن در آن وجود دارد؛ یکی از فرمان‌هایی که در آن صادر شد لغو برده‌داری بود... شما می‌بینید که در طول ۲۵۰۰ سال گذشته هیچ نشانی از برده‌داری در ایران دیده نمی‌شود»[4]. وی در سخنرانی اسفندماه همین سال نیز در تجلیل از ایرانیان چنین گفت: «در اوج اقتدار این منشور کوروش را داشته‌ایم که برده‌داری و چپاول حقوق ملت‌ها را ممنوع کرده است»[5]. احمدی‌نژاد در آبان ۱۳۹۹ بار دیگر بر الغای برده‌داری به دست کوروش تاکید کرد[6]. وی در سال ۱۴۰۰ در دیدار با مردم گیلان چنین گفت: «ملتی که ۲۵۰۰ سال قبل، رهبر و حاکمش در دورترین نقاط برده‌داری را لغو کرد. اصلاً برای مردم ایران برده‌داری یک چیز غریبی بود»[7]. احمدی‌نژاد در سال ۱۴۰۱ در شهر سلطانیه چنین گفت: ۲۵۰۰ سال قبل کوروش کبیر، آن نماد جاودانه فرهنگ، اندیشه و مدیریت ایرانی، فرمان لغو برده‌داری و آزادی اندیشه و عقیده، ممنوعیت تحمیل و بهره کشی را در سرزمین بابل و ماوراء آن اعلام کرده است»[8]. اسفندیار رحیم مشایی در سال ۸۹ چنین گفت: برده‌داری در ایران باستان

1. https://www.nobelprize.org/uploads/2018/06/ebadi-lecture-fa.pdf
2. https://www.aparat.com/v/w15dv53
3. https://www.aparat.com/v/x707p4v
4. www.isna.ir/news/8902-05753.159806

.؛ روزنامه اطلاعات، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۹، شماره ۲٤۷۳۸، ص ۲.

5. aftabnews.ir/fa/news/122840.
6. dolatebahar.ir/news/6981.
7. dolatebahar.ir/news/21779.
8. dolatebahar.ir/news/39046.

توسـط کـوروش لغـو شـد[1]. معـاون احمدی‌نـژاد، بقایـی، نیـز ایـن گـزاره را تکـرار کـرد[2].

جفـری نیـس کیـو سـی وکیـل معـروف بریتانیایـی در سـخنرانی خـود دربـاره فلسـفه و تاریـخ حقوق بشـر ترجمـه جعلی منشـور را بـرای مخاطبـان خوانـد[3]. گـرگ دوری دیپلمات بریتانیایـی لغـو بـرده‌داری را از مفـاد اسـتوانه می‌دانـد[4]. و سـایت دیگـری بـه نوشـته‌های او اسـتناد کرده اسـت[5].

نمونه‌ای دیگر از جعل

در سـایت «کمیتـه نجـات پاسـارگاد» کـه بعدهـا تغییـر نـام داد و رادیـو فـردا، متنـی دیگـر بـه نـام منشـور کـوروش وجـود دارد کـه مربـوط بـه ۲۱ مهـر سـال ۱۳۸۵ اسـت. چنـد اصـل از بدیـن شـرح اسـت:

«مـردم در رعایـت اصـول، آداب و دیـن خـود آزادنـد. سـرزمین‌هایی کـه زیـر سـلطه‌یِ خودکامـگان محلّـی بسـر می‌برنـد، از ایـن پـس زیـرِ فرمانروایـیِ اتحادیـه‌یِ ملـل خواهنـد بـود. اسـیران جنگـی پـس از پایـان جنـگ بـه میهـن خـود بازگردانـده می‌شـوند و فـروش آنـان و مصـادره اموالشـان ممنـوع می‌شـود. شـهربان هریـك از منطقه‌هـا مسـئول جـان و مـالِ هـر یـک از اتبـاع منطقـه اسـت»[6].

گویـا ایـن متـن از نوشـیروان کیهانـی‌زاده اسـت کـه غیاث‌آبـادی نیـز متذکر شـد چنین

1. www.khabaronline.ir/news/70838.

2. https://www.isna.ir/news/8906-12883.

3. Human Rights: Philosophy and History - Professor Sir Geoffrey Nice QC/ https://www.youtube.com/watch?v=9EBz77dsAmo&t=589s

4.https://blogs.fcDo.gov.uk/gregDorey/2015/03/03/human-rights-anD-the-Cyr us-cylinDer.

5. https://voi.iD/en/memori/703.

6. http://archive.savepasargad.com/Articles/saal_rooz_kurosh1006.htm.
https://www.radiofarda.com/a/289556.html.

متنــی زائیــده تخیــل وی اســت[1]. کیهانــی‌زاده در متنــی طولانی‌تــر چنیــن آورده اســت: «مـردم در رعایـت آداب، رسـوم و مذهـب خـود آزادنـد و قوانیـن محلـی بـه همـان صـورت سـابق اجـرا خواهنـد شـد. اسـتقلال داخلـی سـرزمین‌ها محتـرم و محفـوظ خواهد بـود. تنها تغییـری کـه بـه وجـود خواهـد آمـد ایـن اسـت کـه مناطقـی کـه قبـلاً کشـورهای کوچـک و ضعیفـی بودنـد و همیشـه دغدغـه تعـرض دیگـران و زورگویـی حاکمـان خـود را داشـتند از ایـن پـس بخشـی از یـک امپراتـوری بـزرگ مشـترک المنافـع (اتحادیـه ملـل) خواهنـد بود کـه ضامـن صلـح، ثبـات و آرامـش آنهـا اسـت کـه در سـایه آن هرگونـه پیشـرفت، بـه ویـژه تجـارت میسـر و «حکومـت قانـون» تضمیـن خواهـد بـود و خودسـری مشـاهده نخواهـد شـد. اسـیران جنگـی پـس از اتمـام جنـگ بایـد آزاد و بـه وطـن خـود بازگردانـده شـوند و فـروش و مصـادره امـوال آنـان ممنـوع خواهـد بـود. «شـهربان» هـر منطقـه مسـئول حفـظ جـان، مـال و حیثیـت هـر یـک از اتبـاع آن منطقـه اسـت و...

مضمـون آن قسـمت از منشـور کـوروش کـه در آن اختصاصـاً مـردم بابـل مـورد خطاب قـرار گرفته‌انـد بـه ایـن شـرح اسـت: بابلیـان نبایـد نگـران باشـند، احـدی بـه اسـارت گرفتـه نمی‌شـود، امـوال کسـی مصـادره نخواهـد شـد مگـر پـس از رسـیدگی کامـل بـه جرمـی کـه مرتکـب شـده و پـس از تأییـد شـخص او (کـوروش)، سـربازان فاتـح حـق خریـد بدون پرداخـت عـوض و نیـز چشم‌داشـتی بـه مـال دیگـران نخواهنـد داشـت و بدرفتـاری نخواهند کـرد و اگـر تخلفـی دیـده شـود شـخصاً رسیدگی خواهـد کـرد و...»[2].

ایـن متـن بـا ادعـای عجیـب ایجـاد شـورائی از سـران ملـل تابعـه بـه ریاسـت کـورش و جامعـه‌ای مشـترک المنافـع در سـایتهای دایـره المعـارف بـزرگ اسـلامی به نقـل از ابتـکار[3]،

1. http://ghiasabadi.com/keihanizadeh.html.

2. https://www.iranianshistoryonthisday.com/farsi.asp?GM=10&GD=15

روزنامه اعتماد، دوشنبه ۲۳ مهر ۱۳۸۶، شماره ۱۵۱۴، ص ۵.

https://www.magiran.com/article/1500667

3. https://www.cgie.org.ir/popup/fa/system/contentprint/213538.

امرداد[1] و ... تکرار شده است.

ترجمه اشتباه متن

تاریخ ترجمه برانداختن یوغ بندگی از گردن مردم بابل به دوره پهلوی برمی‌گردد. در نمونه منشور اهدایی به سازمان ملل نیز چنین آمده است که «یوغ بندگی را از گردن مردم بابل برداشتم».



https://www.un.org/ungifts/replica-edict-Cyr us

در مقابل در برخی از کتابهای دوره پهلوی هیچ اشاره‌ای به این بند نمی‌شود. برای نمونه شجاع الدین شفا[2]، محمودی بختیاری[3]، علی‌محمد مژده[4]، ذبیح الله

---

1. https://amordadnews.com/50084.

https://amordadnews.com/226493.

۲. شفا، شجاع الدین، ۱۳۵۰، اطلاعاتی درباره جشن دو هزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران بدست کورش کبیر، ص ۲۳-۲٤.

۳. محمودی بختیاری، علیقلی، ۱۳٤٦، کورش در بابل، ص ٦۸.

٤. مژده، علی‌محمد، کورش بزرگ و نخستین اعلامیه حقوق بشر، ص ۱۵.

قدیمی[۱]، اسدالله بیژن[۲]، امیرمسعود سپهرم[۳] نویسنده کتاب «برنامه کامل جشنهای دو هزار و پانصدمین سال کورش کبیر و بنیاد شاهنشاهی ایران»[۴]، با وجود افزودن بندهای دیگری به استوانه، هیچ اشاره‌ای به برانداختن بردگی نکرده‌اند. حسن پیرنیا نیز ترجمه متفاوتی از نویسندگان پیشین ارائه کرده وی چنین آورده است: «اوضاع داخلی بابل و امکنه مقدّسه آن قلب مرا تکان‌داد و اهالی بابل باجرای مرام خود موفق شده از قید اشخاص بیدین رستند»[۵].

بازنشر ترجمه اشتباه

برانداختن برده‌داری بارها در ترجمه غیاث‌آبادی تکرار شد[۶]. تا اینکه نویسنده کتاب در ویرایش سوم آن را تصحیح کرد[۷]. هر چند برخی از پژوهشگران[۸] و سایت‌ها[۹] از این مطلب خبردار نشدند و همچنان از نسخه‌های قدیمی استفاده کردند. بهنام محمد پناه در کتاب کهن دیار[۱۰]، سعید قانعی در «کورش کبیر»[۱۱] این بند را تکرار کردند. رضا مهرآفرین و ایمان خسروی[۱۲] به نقل از کتاب «منشور

۱. قدیمی، ذبیح‌الله، ۲۵۳۸، شاهنشاه پهلوی، ص ۱۳۱.

۲. بیژن، اسدالله، ۱۳۵۰، سیر تمدن و تربیت در ایران باستان، ص دو.

۳. سپهرم، امیرمسعود، ۱۳٤۱، تاریخ برگزیدگان و عده‌ای از مشاهیر ایران و عرب، ص ٥٤.

٤. برنامه کامل جشنهای دو هزار و پانصدمین سال کورش کبیر و بنیاد شاهنشاهی ایران، ۱۳٤۰، ص ۲٥-۲٦.

٥. پیرنیا، حسن، ۱۳۷٥، تاریخ ایران باستان، ج ۱، ص ۳۸۷.

٦. مرادی غیاث‌آبادی، رضا، ۱۳۸۹، منشور کوروش هخامنشی، ص ١٦ و ۲۲.

7. http://ghiasabadi.com/manshur-02.html.

۸. نویسنده: قربانی، خاور؛ اسلامی، ادریس؛ ۱۳۹٦، پیشینه و انواع خود زندگی نامه نوشت در ایران باستان، ص ۱۹۱.

9. https://www.pasargaDae.info/ منشور کوروش.

۱۰. محمدپناه، بهنام، ۱۳۸۹، کهن دیار (جلد اول)، ص ٥۳.

۱۱. قانعی، سعید، ۱۳۸۹، کورش کبیر، ص ٤۷.

12. Khosravi Imaan & MehrAfarin Reza, 2017,Cyr us the Great Parallelism with Zolqarnein, P 38-39.

کـورش» ترجمـه سـیدمجتبی جعفـری زوج[۱] و دیگـران[۲] چنیـن کردنـد.

خلاصـه آنکـه بـر پایـه ایـن ترجمـه ناقـص بسـیاری از نویسـندگان چـه پیـش از انقـلاب و چـه پـس از آن چـه داخلـی و چـه خارجـی گرفتـار اشـتباه شـدند و الغـای بـرده‌داری را بـه کـوروش نسـبت دادنـد. خـان ملـک یـزدی[۳]، علـی فرازمنـد[۴]، حسـین مطیـع[۵]، کسـرا بهـروزی[۶]، محسـن جعفرنیـا[۷]، کمیـل روحانـی[۸]، احمـد تمیـم داری[۹]، محمـد حسـنی[۱۰]، محمدرضا صدراتـی[۱۱]، سـیدکاظم موسـوی بجنـوردی[۱۲]، رضـا معینی[۱۳]،

---

۱. جعفـری‌زوج، سـیدمجتبی، ۱۳۸۹، منشـور کـورش: نخسـتین فرمـان جهانـی آزادی ملـل، اولیـن منشـور جهانـی حقـوق بشـر.

۲. کنعانی، محمد طاهر، ١٣٨٤، اجرای حقوق بشر دوستانه بین المللی در ایران، ص ٤٥.

۳. یزدی، خان ملک، شصت قرن تاریخ و تاجگذاری، ص ۲۵.

4. Farazmand, Ali, 2009, Bureaucracy and Administration, CRC Press. P 3.

۵. مطیع، حسین، ۱۳۹۷، دانشنامه (۱) تاریخ ایران، چاپ اول، قم، انتشارات بوکتاب. ص ۹۱.

٦. بهروزی، کسرا، ٢٠١٤، راز حافظ، شرکت کتاب.

7. Mohsen Jaafarnia (2021). The First Declaration of Human Rights. The People Museum Journal, Volume 7, Issue 1, ISSN 2588-6517. http://www.peoplemuseum.ir/research%202021.htm.

8. https://www.magiran.com/article/2816025

روزنامه شرق پنجشنبه ۲۸شهریور ۱۳۹۲، شماره ۱۸۳۶، ص ١٦.

9. https://www.magiran.com/article/2149905

روزنامه جام جم، دوشنبه ۲۲شهریور ۱۳۸۹، شماره ۲۹۴۲، ص ۲۰.

10. https://www.magiran.com/article/2989424

روزنامه ایران، سه‌شنبه ۲۴ تیر ۱۳۹۳، شماره ۵۶۹۵، ص ۱۸.

11. https://www.magiran.com/article/1214647

روزنامه قدس، یکشنبه ۲ مهر ۱۳۸۵، شماره ۵۳۸۴، ص ۱۲.

12. https://www.magiran.com/article/4099828

رزونامه اعتماد، دوشنبه ۱۴ مهر ۱۳۹۹، شماره ۴۷۶۰، ص ۷.

13. https://www.magiran.com/article/4024498

محمـد علـی دادخـواه[۱]، خسـرو رفیعـی[۲]، علی‌اکبـر صالحـی[۳]، عشـرت شـایق[۴]، عزیزاللـه حمیدنـژاد[۵]، ایـن گـزاره را تکـرار کردنـد. از میـان نویسـندگان خارجـی نیـز ولـز[۶]، هاتون[۷]، ایدوو و همکارانش[۸] و کوماری[۹] این مطلب را بازگو کردند.

بازنشر ترجمه اشتباه در رسانه‌های جمعی

روزنامـه سـرمایه در مطلبـی بـا عنـوان «بـه بهانـه روز جهانـی کـوروش کبیـر / ایـران و منشـور حقـوق بشـر» ایـن بخـش از ترجمـه را منتشـر کـرد[۱۰]. حمیدرضـا ابراهیـم‌زاده در

روزنامه شرق، شنبه ۱۰ اسفند ۱۳۹۸، شماره ۳۶۵۹، ص ٦.

https://www.magiran.com/article/3997805

رزونامه ایران، شنبه ۱۴ دی ۱۳۹۸، شماره ۷۲۴۶، ص ٦.

1. https://www.magiran.com/article/1702430

روزنامه اعتماد، پنجشنبه ۲۸شهریور ۱۳۸۷، شماره ۱۷۷۵، ص ۷.

2. https://www.magiran.com/article/4526160

روزنامه اعتماد، شنبه ۱۶ تیر ۱۴۰۳، شماره ۵۸۰۴، ص ۱.

3. https://www.magiran.com/article/4638058

روزنامه جام جم، چهارشنبه ۱۶ مهر ۱۴۰۴، شماره ۷۱۵۸، ص ۵.

4. https://www.magiran.com/article/2048888

روزنامه ایران، شنبه ۸ اسفند ۱۳۸۸، شماره ۴۴۴۵، ص ۲۳.

5. https://www.magiran.com/article/1394476

دوشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۶، شماره ۳۶۲۵، ص ۱۷.

6. Wells. Samuel & Ben. Quash, 2010, IntroDucing Christian Ethics, P 137

7. Hatton. Diane C, Fisher. Anastasia A, 2009, Women Prisoners anD Health Justice, P 6.

8. Idowu. Samuel et al. 2023, Encyclopedia of Sustainable Management, P 1904.

9. Kumari Sweta, 2025, Education and Human Rights, P 3.

۱۰. روزنامه سرمایه، دوشنبه ۷ آبان ۱۳۸۶، شماره ۵۸۹، ص ۲۸،

https://www.magiran.com/article/1510282

مطلبی با عنوان «منشورحقوق بشرکوروش به ایران آمد» در روزنامه شرق[1] و پس از او مهدی نورعلیشاهی در روزنامه جام جم در مطلبی با عنوان «سرانجام، منشور کوروش در ایران» این بخش را آوردند[2]، روزنامه ایران در مطلبی با عنوان «منشور کورش امروز به بریتانیا برمی گردد»[3]، روزنامه ایران در مطلبی با عنوان «منشور منش شریف»[4]، و در سال بعد در مطلبی با عنوان «بررسی نقش ایران زمین در گسترش تفکر در گفت‌وگو با محمدعلی آذرشب: فطرت ایرانیان؛ قبل و بعد از اسلام»[5]، سیما رادمنش در مطلبی با عنوان «۱۱۴۰ جنگ در ۲۷۲۰ سال» در روزنامه جام جم[6] این بخش را آورد.

سایت‌های اینترنتی مانند ایرنا[7]، ایسنا[8]، انصاف نیوز[9]، همشهری آنلاین[10]، عصر ایران[11]،

۱. روزنامه شرق، یکشنبه ۲۱شهریور ۱۳۸۹، شماره ۱۰۵۹، ص ۱،
https://www.magiran.com/article/2153737

۲. روزنامه جام جم، سه‌شنبه ۳۰شهریور ۱۳۸۹، شماره ۲۹۴۹، ص ۸،
https://www.magiran.com/article/2154405

۳. روزنامه شرق، شنبه ۲۷ فروردین ۱۳۹۰، شماره ۱۲۲۲، ص ۱۱،
https://www.magiran.com/article/2267725

۴. روزنامه ایران، چهارشنبه ۲۵ آبان ۱۳۹۰، شماره ۴۹۴۰، ص ۲۰،
https://www.magiran.com/article/2399212

۵. روزنامه ایران، چهارشنبه ۱۰ آبان ۱۳۹۱، شماره ۵۲۱۵، ص ۱۸،
https://www.magiran.com/article/2614388

۶. روزنامه جام جم، شنبه ۶ مهر ۱۳۹۲، شماره ۳۸۰۱، ص ۱۰،
https://www.magiran.com/article/2820742

7. https://www.irna.ir/news/83533006

8. https://www.isna.ir/news/8209-07047.19479

9. https://ensafnews.com/197458

10. https://www.hamshahrionline.ir/news/117512

11. https://www.asriran.com/fa/news/14400

تاریـخ ایرانـی[1]، فرادیـد[2]، ایـن ترجمـه را آورده‌انـد. بنیـاد فردوسـی شـاخه تـوس کـه بایـد کارهـای دقیـق و علمـی ارائـه کنـد، ترجمـه نادرسـت را منتشـر کـرده اسـت[3]. از همـه جالب‌تـر کار سـایت بهارنیـوز اسـت کـه مدعی اسـت ترجمـه دکتـر ارفعـی را بـه خوانندگان عرضـه می‌کنـد امـا ترجمـه‌ای کـه ارائـه کـرده اسـت، متنـی بسـیار متفـاوت از ترجمـه دکتر ارفعـی اسـت[4]. ایرانیـان خـارج از کشـور در نشـر ایـن ترجمـه نیـز سـهم داشـتند. بنیـاد میـراث پاسـارگاد ایـن ترجمـه را نشـر داد[5]، صـدای آمریـکا[6]، بی‌بی‌سـی[7]، رادیـو فـردا[8] نیـز بـه لغـو بـرده‌داری اشـاره کردنـد. بسـیاری از سـایت‌های اینترنتـی انگلیسـی‌زبان ایـن اشـتباه را تکـرار کردنـد[9]، از جملـه سـایت «کانـون پژوهش‌هـای ایـران باسـتان»[10]. در مقابـل دکتـر اندریـاس جوهنـدی پژوهشـگر ادیـان خـاور نزدیـک در دانشـکده الهیـات و مطالعات

1. http://tarikhirani.ir/fa/news/7148
2. https://faradeed.ir/fa/tiny/news-212272
3. https://b2n.ir/x58170
4. https://www.baharnews.ir/news/6324
5. https://archive.savepasargad.com/Articles/kurosh.Parsi.10.06.htm
6. https://ir.voanews.com/a/a-31-a-2003-12-09-22-1-62597047/619731.html.
7. https://www.bbc.com/persian/arts/2013/03/130310_u02_Cyr us_cylinder_dc.
https://www.bbc.com/persian/articles/c1vxq7p4vnvo.
8. https://www.radiofarda.com/a/f14_Iran_Koroshday_Culture/470803.html.
https://www.radiofarda.com/a/the-Cyr us-legendf-the-city-of-dushanbe/32743881.html.
9. https://study.com/academy/lesson/video/Cyr us-the-great-facts-accomplishments-quiz.html
https://worldculturalheritagevoices.org/history-of-the-declaration-of-Cyr us-the-great/
https://www.studocu.com/in/document/berhampur-university/bachelor-of-commerce/human-rights-3-kio/99641817
10. https://www.cais-soas.com/CAIS/History/hakhamaneshian/xenophon/Cyr opaedia/Cyr opaedia_xenophon.htm.
https://www.cais-soas.com/News/2004/April2004/17-04.htm.

دینـی، دانشـگاه تارتـو نیـز بـر ایـن بـاور اسـت کـه الغـای بـرده‌داری بـه دسـت کـوروش ادعایـی نادرسـت اسـت[۱]. و ایـن چنیـن اسـت داوری آنتـوان سـیمونین[۲]. ماتیـاس شـولتز نیـز در روزنامـه اشـپیگل بـر ایـن ترجمـه دروغیـن تاخـت[۳].

ترجمه‌ی اشتباه در کتب درسی

ترجمـه نادرسـت اسـتوانه کـوروش در میانـه دهـه نـود بـه کتاب‌هـای درسـی راه یافـت. در کتـاب مطالعـات پایـه هفتـم[۴] و در کتـاب «تاریـخ (۱) ایـران و جهـان» نیـز بـر این سـخن نادرسـت تاکیـد مجـدد شـده اسـت. در ایـن متـن چنیـن آمـده اسـت: «[شـاهِ بابـل]، مـردمِ درمانـده‌ی بابـل را بـه بردگـی کشـیده بـود، کاری کـه درخـور شـأن آنـان نبـود. مـن بـرده‌داری را برانداختـم»[۵]. در کتـاب استان‌شناسـی فـارس پایـه دهـم نیـز بـه دانش‌آمـوزان چنیـن القـاء می‌شـود کـه در اسـتان فـارس بـه دلیـل وجـود لـوح کـوروش، نشـانی از بـرده‌داری در ایـن سـامان وجـود نداشـته اسـت[۶]. بـا وجـود ایـن ترجمـه نادرسـت در کتـب درسـی دکتـر امان‌اللـه قرایی‌مقـدم ناراحـت از ایـن هسـتند کـه چـرا منشـور کـوروش در کتـب درسـی نیسـت[۷].

---

1. https://www.eao.ee/wp-content/uploads/2023/09/Abstracts.pdf. P 2.
2. https://www.worldhistory.org/article/166/the-Cyr us-cylinder.
3. Matthias Schulz, 2008, Falling for Ancient PropaganDa UN Treasure Honors Persian Despot, https://www.spiegel.De/international/worlD/falling-for-ancient-propaganDa-un-treasure-honors-persian-Despot-a-566027.html.

٤. مطالعات اجتماعی، ١٤٠١، پایه هفتم، ص ١٧٤.

٥. تاریخ (١) ایران و جهان، ١٤٠١، ص ٨٤.

٦. استان‌شناسی فارس، ١٤٠٣، پایه دهم، ص ٦٢.

7. https://www.magiran.com/article/3800328

روزنامه شرق، دوشنبه ۱۲شهریور ۱۳۹۷، شماره ۳۲۳۴، ص ١٦.

بررسی و نقد ترجمه اشتباه

گفتـه شـد کـه ترجمـه اشـتباه بـه دوران پهلـوی بـاز می‌گـردد. بـا بررسـی ترجمه‌هـای موجـود معلـوم می‌شـود کـه از آغـاز دو نکتـه نادیـده گرفتـه شـده اسـت. نخسـت اینکـه ایـن بنـد اختـلاف ترجمـه دارد و دیگـر اینکـه نمی‌تـوان حتـی بـر اسـاس ترجمـه اشـتباه نتیجـه گرفـت کـه بـرده‌داری یـا بیـگاری لغـو شـده اسـت. و امـا تفصیـل ماجـرا چنیـن اسـت:

الف) اختلاف ترجمه

در حالـی کـه بـه گفتـه دکتـر پـدرام جـم چنیـن قرائتـی اشـتباه اسـت[۱] و در ایـن کتیبـه تنهـا سـخن از برانداختـن یوغـی اسـت کـه نبونیـد بـر مـردم بابـل تحمیـل کـرده بـود و اتفاقاً در متـون بابلـی پیـش از کـوروش هـم مشـابه زیـاد دارد. ترجمـه دکتـر ارفعـی از ایـن بنـد چنیـن اسـت: «باشـندگان درمانـده در بابـل را کـه (نبو-نائیـد) ایشـان را بـه رغـم خواسـت خدایـان یوغـی داده بـود (؟) نـه در خـور ایشـان، درماندگی‌هایشـان را چـاره کـردم و ایشـان را از بیـگاری (؟) برهانیـدم»[۲].

ترجمـه دکتـر بادامچـی چنیـن اسـت: «مـردم بابـل را کـه او بـر خـلاف میـل خدایـان، بـر ایشـان کار اجبـاری تحمیـل کـرد، کـه شایسـته ایشـان نبـود، مـن سـختی ایشـان را آسـان کـردم، . دسـت ایشـان را (از بنـد) آزاد کـردم»[۳].

ترجمـه دکتـر رزمجـو چنیـن اسـت: «بـرای مـردم بابـل .... کـه برخـلاف خـوا [سـت خدایـان] یوغـی بـر آنهـا نهـاده بـود کـه شایسته‌شـان نبـود، خستگی‌هایشـان را

۱. زرجانـی، مهرنـاز و زرجانـی، مهرنـوش، ۱۳۹۶، «کـوروش آنگونـه کـه بایـد شـناخت: «آسـیب شناسـی فضـای مجـازی»»، ص ۲۰۸.

۲. ارفعی، عبدالمجید، ۱۳۸۹، فرمان کوروش بزرگ، ص ٤٩، بند ٢٥-٢٦.

۳. بادامچی، حسین، ۱۳۹۲، فرمان کورش بزرگ، ص ١٤.

تسکین دادم (و) از بندها (؟) رهایشان کردم»[1].

ترجمه لوکوک چنین است: «ساکنان بابل که منازلشان (...) بر خلاف خواست خدایان، (...) یوغی که شایسته‌تان نبود، من آنها را برانداختم»[2].

در ترجمه خانم بیانی چنین آمده است: «من یوغ ناپسند مردم بابل ... را برداشتم»[3]. در ترجمه شاپور شهبازی که بر اساس ترجمه اوپنهایم گردآوری شده نیز چنین آمده است: «من بیگاری را که مخالف وضع (اجتماعی) آنان بود، برانداختم»[4]. ناگفته نماند برخی از نویسندگان این بند را اصلاً نیاورده‌اند برای نمونه دکتر هادی هدایتی[5]. با توجه به متن سخن از مردم بابل است و یوغی است که بر آنان تحمیل شده است. پیش از این بند درباره یوغ چنین آمده است: «[مردمانش] را با یوغی بی‌آرام به نابودی می‌کشانید، همه‌ی آنها را»[6] و معلوم است که نبونید مردم کشور خود را به بردگی نگرفته بود. به همین خاطر جناب ارفعی این یوغ را بیگاری[7]، لوکوک تحمیل کارهای شاق[8] و بادامچی کار اجباری دانسته‌اند[9]. البته برانداختن بیگاری و کارهای شاق نیز تبلیغی بیش نیست و اندکی بعد درباره آن نکاتی خواهد آمد.

۱. رزمجو، شاهرخ، ۱۳۸۹، استوانه کورش بزرگ، ص ٦٥.

۲. لوکوک، پی یر، ۱۳۸۹، کتیبه‌های هخامنشی، ترجمه نازیلا خلخالی، ص ۲۱۳، بند ۹.

۳. بیانی، شیرین، ۱۳۵۰، کوروش کبیر، ص ۱۲.

٤. شاپور شهبازی. ع، ۱۳٤۹، کوروش بزرگ، ص ۳۱۲.

٥. هدایتی، هادی، ۱۳۳۵، کوروش کبیر، ص ۱۸۹-۱۹۰.

٦. ارفعی، عبدالمجید، ۱۳۸۹، فرمان کوروش بزرگ، ص ٤٦، بند ۸.

۷. همان، ص ٥٦، پی‌نویس ۲۱.

۸. لوکوک، پی یر، ۱۳۸۹، کتیبه‌های هخامنشی، ترجمه نازیلا خلخالی، ص ۲۱۰، بند ۳، یادداشت ۲.

۹. بادامچی، حسین، ۱۳۹۲، فرمان کورش بزرگ، ص ١٤.

ب) مقایسه با دیگر کتیبه‌ها

نخستین کتیبه از آن «اور-نمو» پادشاه آور (حکومت ۲۱۱۲-۲۰۹۵ ق.م) است. در این کتیبه پادشاه چنین گوید: مردم اکد و بیگانگان (؟) سرزمین سومر و اکد را آزادی بخشیدم» [۱].

متن دیگر از آنِ لیپیت-ایشتار (حکومت ۱۹۳۴-۱۹۲۴ ق.م) است. در این کتیبه آمده که «در آن زمان، پسران و دختران شهر نیپور، پسران و دختران شهر آور، پسران و دختران شهر ایسین، پسران و دختران شهرهای سومر و اکد را که تحت انقیاد بودند، آزاد کردم»[۲].

در منشور معروف آشور آمده که شلمانصر پنجم با شدت، بیگاری و کار اجباری را بر مردم تحمیل کرد و آن‌ها را همچو مردم طبقه‌ی بردگان به شمار آورد و سارگون آزادی آن شهروندان را برآورده کرده[۳].

اَسَرحَدّون شاه آشور (۶۸۰-۶۶۹ ق‌م) در کتیبه سنگ سیاه چنین آورده است: «پسران بابِل که به بندگی کشانده شده و زیر یوغ و زنجیر تقسیم شده بودند را گرد آوردم و دوباره ایشان را بابِلی به شمار آوردم»[۴].

حال از اختلاف ترجمه‌ها می‌گذریم و بنا را بر این می‌گذاریم که واقعاً در ترجمه آمده است که کوروش مردم را از بردگی یا بیگاری رهایی بخشید. آیا این بدان معناست که کوروش رسم بردگی و بیگاری را به طور کلی برانداخت؟ برخی با وجود آوردن ترجمه اما آن را به معنای براندازی کامل برده‌داری یا کار اجباری

۱. بادامچی، حسین، ۱۳۸۲، قانون اور-نمو، ص ۳۳.

۲. بادامچی، حسین، ۱۳۸۲، قانون لیپیت-ایشتار، ص ۴۹.

۳. اشپک، فان‌در، ۱۳۹۷، کوروش بزرگ، تبعیدیان و ایزدان بیگانه، ترجمه جواد لطفی نوذری، ص ۱۲۹-۱۳۰.

4. Luckenbill, D. D. (1927). Ancient recorDs of Assyria anD Babylonia, Volume 2: p 244.

نگرفته‌اند[۱] چرا که ده‌ها و صدها کتیبه از دوران کوروش، تواریخ یونانی، عهد عتیق و دیگر منابع خبر از وجود برده‌داری و بیگاری به روش‌های گوناگون در آن دوران می‌دهند. آیا باید صدها کتیبه و شاهد را فدای یک کتیبه که در حالی که می‌دانیم «تصویری که کتیبه‌های شاهی ارائه می‌کنند می‌تواند به شدت یک‌طرفه و اغراق‌آمیز باشد»[۲].

جدای از اینکه این قسمت از استوانه تنها مربوط به مردم شهر بابل است و نه همه مردم. می‌توان فرض را بر این گذاشت که مراد استوانه این است که کوروش در هنگام فتح بابل مردم شهر را به بردگی نگرفت یا کار اجباری را لغو کرد. اما این مطلب هم بدین معنا نیست که کوروش پیش از فتح بابل یا پس از آن در جنگها کسی را به بردگی نگرفت. بیگاری همچنان رواج دارد و با وجود منابع موجود تنها فرض معقول این است که این بندها بخشی از سبکی است که نویسندگان بابلی برای تجلیل از پادشاهان در یادنامه‌ها به کار می‌بردند. به همین خاطر می‌بینیم که در بابل در سالهای حکومت کوروش بردگان همچنان حضور دارند و از قضا «در میان لوح‌هایی که به ما رسیده سندهای فروش برده بیش از هر چیز دیگری دیده می‌شود و گواه بر افزایش بیش از اندازه‌ی جمعیت بردگان است»[۳].

ترجمه علمی

تاکنون چند ترجمه علمی از اساتید ایرانی منتشر شده است. نخستین ترجمه استوانه به دست دکتر عبدالمجید ارفعی (متخصص زبان‌های باستانی اکدی و ایلامی) پس از انقلاب چاپ شد و در سال ۱۳۸۹ نیز در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی

۱. مجتهدی، محمدرضا؛ لطفی عزیز، اکبر، ۱۳۹۲، بررسی تطبیقی کار اجباری در ایران در پرتو اسناد بین المللی، ص ٦٣.

۲. بادامچی، حسین، ۱۳۹۲، فرمان کورش بزرگ، ص ۸.

۳. اومستد، ا.ت، ۱۳۸۰، تاریخ شاهنشاهی هخامنشی، ترجمه محمد مقدم، ص ١٠٦-١٠٧.

چاپ شد. پس از آن در سال ۱۳۷۷ رضا مرادی غیاث‌آبادی به ترجمه این استوانه پرداخت. شاهرخ رزمجو (دکترای باستانشناسی از دانشگاه لندن) در سال ۱۳۸۹ ترجمه استوانه را به خوانندگان عرضه کرد. ترجمه حسین بادامچی (دکترای تاریخ حقوق باستان دانشگاه جانزهاپکینز) در سال ۱۳۹۲ راهی بازار نشر شد.

چندین ترجمه از استوانه کوروش به زبان‌های خارجی وجود دارد. برای نمونه ترجمه راولینسون (۱۸۸۰)، شرادر (۱۸۹۰)، وایسباخ (۱۹۱۱)، کونیگ (۱۹۲۸)، اوپنهایم (۱۹۶۹)، آیلرز (۱۹۷۱)، برگر (۱۹۷۵)، شاودیگ (۲۰۰۱)، کوگان (۲۰۰۳)، میخالوفکسی (۲۰۰۶)، اروینگ فینکل (۲۰۱۳)، که از میان آنها ترجمه پی‌یر لوکوک از منشور کوروش در سال ۱۳۸۲ در کتاب کتیبه‌های هخامنشی آمد و چندی بعد ترجمه ایروینگ فینکل هم به دست حسین ربانی انجام گرفت.

در نتیجه با وجود ترجمه‌های علمی و دانشگاهی از این استوانه، چه در داخل و چه در خارج از کشور بسیار عجیب است که ترجمه‌های دروغین و نادرست تا این اندازه انتشار یافته است. عدم شناخت منابع تاریخی، سهل‌انگاری و اعتماد بیش از اندازه به نوشته‌های پیشینیان، موجب رونق گرفتن ترجمه‌های دروغین و تکرار این اشتباه شد.

استوانه کوروش چهل و پنج سطر دارد که از دو بخش تشکیل شده است؛ بخشی نخست آن شامل ۱۹ بند است که از کوروش و نبونید به صورت سوم شخص یاد می‌کند و از بند ۲۰ از زبان کوروش و به صورت اول شخص است. به علت شکستگی ترجمه دو بند آخر کتیبه نامعلوم است بدین ترتیب ترجمه بند ۲۰ تا ۴۳ که از زبان خود کوروش است بر پایه ترجمه دکتر ارفعی به شرح ذیل است[1].

۲۰. من، کوروش، پادشاه جهان، شاه بزرگ، شاه نیرومند، شاه بابل، شاه سومر و اکد، شاه چهار گوشه‌ی جهان،

۲۱. پسر کمبوجه، شاه بزرگ، شاه (شهر) انشان، نوه‌ی کوروش، شاه بزرگ، شاه (شهر) انشان، نبیره‌ی چیش پیش، شاه بزرگ، شاه (شهر) انشان،

۱. ارفعی، عبدالمجید، ۱۳۸۹، فرمان کوروش بزرگ، ص ۴۸-۵۱.

۲۲. از تخمه‌ی پادشاهی‌ای جاودانه، آن که پادشاهیش را خداوند (= مردوک) و نَبو دوست می‌دارند و از بهر شادی دل خویش پادشاهی او را خواهانند.

آنگاه که من (= کوروش) آشتی‌خواهان به بابل اندر شدم،

۲۳. با شادی و شادمانی در کاخ شهریاری خویش، اورنگ سروری خویش بنهادم، مردوک، سرور بزرگ، مهر دل گشاده‌ام که د [وستدار] بابل است به خواست خود به [خویشتن گروانید] (پس) هر روز پیوسته (آشکارا) در گرامیداشت او کوشیدم.

۲۴. (و آنگاه که) سربازان بسیار من دوستانه اندر بابل گام برمی‌داشتند، من نگذاشتم کسی (در جایی) در تمامی سرزمین سومر و اکد ترساننده باشد.

۲۵. من شهر بابل و همه‌ی (دیگر) شهرها را در فراوانی نعمت پاس داشتم. باشندگان درمانده در بابل را که (نبونائید) ایشان را به رغم خواست خدایان یوغی داده بود (؟) نه در خور ایشان،

۲۶. درماندگی‌هاشان را چاره کردم و ایشان را از بیگاری (؟) برهانیدم.

مردوک، خدای بزرگ از کردارهای من شاد شد و

۲۷. (آنگاه) مرا، کوروش، پادشاهی که پرستنده‌ی وی است و کمبوجیه، فرزندِ زاده شده‌ی من و همگی سپاهیانم را

۲۸. با بزرگواری، افزونی داد و ما به شادمانی، در آشتی تمام، کردارهایمان به چشم او زیبا جلوه کرد، (و ما) والاترین پایه‌ی [خدائیش] را ستودیم. به فرمان او (= مردوک) همه‌ی شاهان بر اورنگ شاهی برنشسته

۲۹. و همگی (شاهان) جهان از زبرین دریا (= دریای مدیترانه) تا زیرین دریا (= دریای پارس)، (همه‌ی) باشندگان سرزمین‌های دوردست، همه‌ی شاهان آموری (Amurru= غرب)، باشندگان در چادرها، همه‌ی آن‌ها،

۳۰. باج و ساو بسیارشان را از بهر من (= کوروش) به بابل اندر آوردند و بر دو

پـای مـن بوسـه دادنـد.

از [....] تا (شهر) آشور (Aššur) و شوش (MŪŠ. ERIN = Šusan)،

۳۱. آ گـــده (Agade)، ســـرزمین اِشـــنونا (Ešnunna)، (شـــهر) زمبـــن (Zamban)، (شـهر) مـه - تورنـو (Meˆ - Turnu)، دیـر (Dēr) تـا (پایـان) نواحی سـرزمین گوتیان (شـمال) و نیـز (همـه‌ی) آن سـوی دجلـه کـه از دیربـاز ویرانـه گشـته بـود، (از نـو بـاز سـاختم).

۳۲. (و نیـز پیکـره‌ی) خدایـان باشـنده در میانـه‌ی آنهـا (کـه از آن شـهرها نبونائیـد بـه بابـل آورده بـود) را (پـس از بازسـازی پرستشگاه‌هایشـان) بـه جای‌هـای نخستین‌شـان بازگردانیـدم و (همـه‌ی آن پیکره‌هـا را) تـا بـه جـاودان در جـای (نخستینشـان) بنشـاندم (و) همگـی آن مـردم را (کـه پراکنـده شـده بودنـد)، گـرد آوردم و آنـان را بـه جایگاه‌هـای خویـش بازگردانیـدم.

۳۳. (و نیـز پیکـره‌ی) خدایـان سـومر و اکـد را کـه نبونائیـد (بی‌بیـم) از خشـم سـرور خدایـان (= مـردوک) بـه بابـل انـدر آورده بـود، بـه فرمـان مـردوک، خـدای بـزرگ، بـه شـادی و خوشـی

۳۴. در نیایشگاه‌هایشان بنشاندم -جای‌هایی که دل آن‌ها شاد گردد.

باشد که خدایانی که من به جای‌های مقدس (نخستینشان) بازگردانیدم،

۳۵. هـر روز در برابـر خداونـد (= مـردوک) و نبـو زندگـی دیریـازی از بهر مـن بخواهند و همـاره در پایمـردی مـن سـخن‌ها گوینـد، بـا واژه‌هایـی نیک‌خواهانـه.

باشـد کـه بـه مـردوک، خـدای مـن، گوینـد کـه «بـه کـوروش، پادشـاهی کـه (بـا بیم) تـو را پرسـتنده اسـت و کمبوجیه پسـرش،

۳۶. بـی گمـان بـاش، بهـل تـا آن زمـان {سهمیه‌رسـان نیایشـگاه‌هایمان باشـند} بـا روزهایـی بـی هیـچ گسسـتگی. {... و} همگـی مـردم بابـل پادشـاهی را گرامـی داشـتند و مـن همـه‌ی (مـردم) سـرزمین‌ها را در زیسـتگاهی آرام بنشـاندم.

۳۷. [.......................... (بـه پیشـکش‌های پیشـین) .... غـا] ز، دو اردک و ده

کبوتـر وحشـی (فربـه) بیـش از (آنچـه پیشـتر داده می‌شـد از) غازهـا، اردک‌هـا و کبوتـران وحشـی افـزودم.

۳۸. [...............رو] زانه و بر آن‌ها بیفزودم.

در اسـتوار گردانیـدن ب [نـای] دیـوار «ایمگور-انلیـل» بـاروی دفاعـی بزرگ شـهر بابل کوشیدم و

۳۹. [...............] دیـوار کنـاره‌ای (سـاخته از) آجـر را بـر کنـار خنـدق شـهر کـه (یکـی از) شـاهان پیشـین [سـاخته و (بنایـش را) بـه انجـام نرسـانیده] بـود،

۴۰. [بدانسـان کـه] بـر پیرامـون [شـهر (بـه تمامـی) برنیامـده بـود]، آنچـه را کـه هیـچ از یـک شـاهان پیشـین (بـا وجـود) افـراد بـه بیـگاری گرفتـه شـده‌ی [کشـورش] در بابـل نسـاخته بودنـد،

۴۱. [...

....

از قیر] و آجر از نو دیگر بار بساختم و [بنایشا] ن [را به انجام رسانیدم.]

۴۲. [دروازه‌هـای بـزرگ وسـیع بـر آن‌هـا را بنهـادم [...........] و درهایـی از چـوب سـدر] بـا پوششـی از مفرغ، بـا آسـتانه‌ها و پاشـنه [هایـی از مـس ریختـه شـده [...........] هـر آن جایـی کـه دروازه‌هـا] یشـان (یافـت می‌شـد)،

۴۳. [استوار گردانیدم

....

نـو] شـته‌ای (دربردارنـده‌ی) نـام آشـور بانـی اپلـی (Aššur - bāni - apli)، شـاهی پیـش از مـن [در میـان آن (= بنـا) بدیـد] م.

شیّادی دیگر

حـال کـه بـا ترجمـه اسـاتید دانشـگاهی آشـنا شـدید خـوب اسـت بـه ترجمـه دیگـری

از نویسنده‌ای ناشناس و شیّاد اشاره شود که با سوء استفاده از نام ابراهیم پورداود خواسته به خواننده چنین القاء کند که ترهات تراویده شده از مغز سبک وی کار آن پورداود است. متن ترجمه چنین است:

آنگاه که بدون جنگ و خونریزی به بابل درآمدم، همه مردم گامهای مرا با شادمانی پذیرفتند. سپاه بسیار بزرگ من به آرامی وارد بابل شد، نگذاشتم رنج و آزاری به مردم شهر و سرزمین آنها وارد آید. وضع درونی بابل و جایگاه‌های مقدسش قلب مرا تکان داد.

من برای آشتی کوشیدم. من برده‌داری را برانداختم و به بدبختیهای مردم پایان بخشیدم. فرمان دادم که همه مردم در پرستش خدای خود آزاد باشند و آنان را نیازارند. فرمان دادم که هیچ یک از سربازانم، مردم شهر را نکشند. اهورامزدا از کردار نیک من خشنود است. او بر من که ستایشگر او هستم و بر همه فراوانی و مهربانیش را ارزانی داشت. ما همگی شادمانه و در آشتی و همدلی، جایگاه بلندش را ستودیم.

همه پادشاهان جهان از دریای بالا تا پایین و چهار گوشه جهان و فرمانروایان محلی، فرمان مرا پذیرفتند و از پادشاهی من شادمان شدند و با چهره‌های درخشان مرا بوسیدند. من کار ناشایست قربانی کردن را برانداختم. من آئین‌های کهن را زنده کردم. خانه‌های ویران را آباد کردم. همه مردمانی را که پراکنده و آواره شده بودند به جایگاه‌های خود برگرداندم. فرمان دادم تا همه نیایشگاه‌هایی را که بسته بودند بگشایند. به خشنودی اهورامزدا و به شادی و خرمی، باشد که دلها شاد گردد.

مردم هر روز در پیشگاه خدای بزرگ برایم خواستار زندگی والا هستند. من برای همه مردم زندگی آرام فراهم ساختم و آرامش و آشتی را به همه مردم پیشکش کردم[1].

نویسنده که به دروغ خود را پورداود معرفی کرده است با نیم‌نگاهی به ترجمه دانشگاهی، هر آنچه را خود می‌خواسته به ترجمه افزوده یا از آن کاسته است. در این ترجمه اهورامزدا به جای مردوک نشسته و ستایش‌های کوروش نثار او شده است.

---

۱. پورداوود، ابراهیم، مرز پرگهر، ص ۴۰-۴۱.

مـردم آزادنـد خدایـان خـود را بپرسـتند. پابوسـی کـوروش بـه روبوسـی شـاهانه تغییـر یافته و در حالـی کـه طبـق ترجمـه اصـل، کـوروش بـر قربانـی بـرای خدایـان افـزوده اسـت امـا در اینجـا مراسـم قربانـی لغـو شـده اسـت و ... .

داوری‌های ناروا بر پایه ترجمه‌های نادرست

دربـاره ترجمه‌هـای نادرسـت از اسـتوانه نکاتـی آمـد. الغـای بـرده‌داری از جملـه کـه بـا وجـود شـهرت فـراوان امـا واقعیـت تاریخـی نـدارد. دکتـر لقمـان دهقان‌نیّـری بخشـی از ایـن ترجمـه کـه در نفـی بـرده‌داری اسـت را آورده و می گویـد ایرانیـان بـه خـود می‌بالنـد کـه نخسـتین امپراتورشـان بردگـی را نفـی کـرده اسـت[۱]. محمدعلـی بهمنی‌قاجـار بـا اسـتناد بـه چنـد بنـد از ایـن ترجمـه می گویـد مبـارزه بـا بیـگاری پیشـینه‌ای دراز دارد[۲]. ایـن شـهرت تـا بدانجاسـت کـه دکتـر قاسـم صافـی اسـتاد دانشـگاه تهـران پـس از نقـل ترجمـه دروغیـن چنیـن داوری می کنـد: «کـوروش سرمشـق حکومتـی را کـه مبنـی بـر اخـلاق و عدالـت و نجابـت بـود بـه عالـم عرضـه کـرد»[۳]. اردشـیر خورشـیدیان رئیـس انجمـن زردشـتیان نیـز گفـت کـوروش سیسـتم ظالمانـه بـرده‌داری را نپذیرفـت[۴]. وی در جـای دیگـری ممنوعیـت بــرده‌داری را بــه زردشــت نســبت می‌دهــد و می گویــد: «بــرده‌داری بســیار پیشــتر از پادشـاهی کـورش کاری زشـت شـمرده می‌شـده کـه کـورش بـرده‌داری در کشـورهائی کـه فتـح کـرد را ممنـوع نمـود و شـاهان بعـد از او نیـز ایـن رسـم را پاسـداری نمودنـد»[۵]. پروفسـور ایـو دوده رئیـس آکادمـی لاهـه نیـز در گفتگـوی خبـری اهـدای نمونـه اسـتوانه به دادگاه لاهـه در هلنـد گفـت کـوروش سـالها پیـش بـرده‌داری را برانداخـت در حالـی که در

۱. دهقان‌نیری، لقمان، ۱۳۸٤، سیاست انگلیس و لغو برده‌داری در خلیج فارس، ص ۲۱۱.

۲. بهمنی قاجار، محمد علی، ۱۳۸۹، حقوق کار ایران و موازین حقوق بنیادی کار، ص ۱۲۸.

۳. صافـی، قاسـم، ۱۳۹٤، اخـلاق کاربـردی در زندگـی، محیـط زیسـت و اشـتغال / دکتـر قاسـم صافـی - بخش دهــم، www.cgie.org.ir/fa/news/۷۱٤۲٦

٤. روزنامه اطلاعات، یکم اسفند ۱۳۹٤، شماره ۲٦۳۸۱، ص ۳.

٥. خورشیدیان، اردشیر، ۱۳۸٤، جهانبینی اشو زرتشت، ص ۱۲۵.

چند دهه پیش بردگان سیاه در اروپا به کار گرفته می‌شدند[1]. نویسنده سرمقاله مجله فردوسی بر این باور است که ترجمه جعلی استوانه کوروش چیزی کمتر از آیه‌های آسمانی ندارد و سپس به منتقدان می‌تازد که به کدامین گناه تاریک‌اندیشان واپس‌گرای تاریخ با او سر دشمنی دارند[2].

استاد ارفعی که خود از مترجمان استوانه کوروش است درباره کسانی که می‌گویند کوروش برده‌داری را لغو کرد، گوید: «گاه چیزهایی می‌گویند که از آنچه در کتیبه‌اش هم هست، فراتر می‌رود. از جمله مسأله‌ی لغو برده‌داری است، بی اینکه بیندیشند خود وی چه گفته و چگونه عمل کرده است. کوروش می‌گوید: من پیام صلح و آشتی را به همه‌ی شهرهای بین النهرین فرستادم و گفتم که کارزار و جنگ به پایان رسیده و مردم می‌توانند زندگی گذشته‌شان را ادامه دهند. اما برده‌داری در آن روزگار به دو شکل بوده است. یک نوع این که اسرای جنگی را به بردگی می‌گرفتند؛ مثلاً پادشاهان بابل یهودیان را به زور به این شهر کوچانیده بودند که کوروش به آنها اجازه داد به سرزمین مادری‌شان بازگردند. اما شکل دیگری از برده‌داری را در بابل می‌بینیم و آن برده‌ی مالی است؛ مثلاً کسی وامی از شخصی دریافت می‌کرد و نمی‌توانست به موقع آن را ادا کند. در این صورت، خود این شخص یا زن و بچه‌هایش برای مدت معینی به بردگی شخص وام دهنده می‌رفتند ... کوروش تغییری در این شیوه نداد»[3].

برده‌داری در زمان کوروش

وجود بردگان در حکومت کوروش و پس از او نه تنها در بابل و مانند آن که

1. https://www.aparat.com/v/v34o361.

۲. سرمقاله – مجله فردوسی، ص ٤.

۳. بالازاده، امیرکاوس ۱۳۹۱، ضرورت شناخت کوروش فراتر از کژ فهمی های غیر تاریخی، ص ۸۳.

در مرکـز پادشـاهی هخامنشـی جریـان داشـت. وجـود بـردگان در دو لـوح اکـدی تخـت جمشـید اثبـات شـده اسـت[۱]. در نزدیکـی تخـت جمشـید شـهری بـه نـام خومدشـو یـا متزیـش یـا خوادایتشـیه وجـود داشـت کـه در دوره کمبوجیه بسـیار فعال بـوده و مرکـز فروش بـردگان بـود و در شـش لـوح بـه خریـد بـرده اشـاره شـده اسـت[۲]. خومدشـو شـهر بازرگانـی پراهمیتـی اسـت[۳] کـه بـا وجـود ارزانی بـرده در بابـل امـا بابلیـان ثروتمنـد را به تخت جمشـید می‌کشـاند[۴]. بـر اسـاس کتیبه‌هـای موجـود تاجـران بابلـی بردگانـی بـا نام‌هـای ایرانـی خریده‌انـد[۵]. بـرده در ایـن شـهر ۱۴۴ مـارک طـلا ارزش داشـت در حالـی کـه در همـان زمـان در بابـل قیمـت یـک بـرده ۱۶۲ مـارک بـود. بـه خاطـر ایـن سـود کلان تجارت‌خانـه اگیبـی بـرای خریـد بـرده از شـرق ایـران شـعبه‌ای در ایـن منطقـه دایـر کـرده بـود[۶].

برده‌داری در زمان کوروش به روایت کتیبه‌ها

Cyr 224

بـر اسـاس کتیبـه (Cyr 224) در سـال ۵۳۳ در بابـل در دسـت اسـت که دربـاره برده‌ای بـه نـام نومورو بـرده ایتـی مـردوک بلاتو اسـت[۷].

GCCI II 99

بـر اسـاس کتیبـه (GCCI II 99) در سـال ششـم از حکومـت بابـل اربـاب و بـرده‌ای بـا

۱. بریان، پی‌یر، ۱۳۹۲، امپراتوری هخامنشی، ترجمه ناهید فروغان، ج ۱، ص ۷۱۸.

۲. همان، ص ۱۳۵.

۳. هینتس، والتر، ۱۳۹٦، داریوش و ایرانیان، ترجمه پرویز رجبی، ص ۳٤۷.

٤. – کخ، هاید ماری، ۱۳۷۹، از زبان داریوش، ترجمه پرویز رجبی، ص ٦۰-٦۱.

۵. بریان، پی‌یر، ۱۳۹۲، امپراتوری هخامنشی، ترجمه ناهید فروغان، ج ۱، ص ۱۱۱.

٦. هینتس، والتر، ۱۳۹٦، داریوش و ایرانیان، ترجمه پرویز رجبی، ص ۳٤۷.

7. DanDamaev, M, Slavery in Babylonia: from Nebopolassar to AlexanDer the great (626- 331 B. C), p 325-326.

یکدیگـر ۵۶۷ کیلـو جـو قـرض گرفته‌انـد. متـن سـند چنیـن اسـت: بـل نائیـد پسـر بانیتـو-اِرِس و بـرده (قَلّـو) او، نَبو-بِل-اُصـور، معـادل سـه کـور و یـک پان جـو به بِل-آپل-ایگیسـا پسـر نَبو-بِل-شـومَت از خانـدان سـین-تَبنی بدهـکار هسـتند. ایشـان ملـزم هسـتند این مبلغ سـه کـور و یـک پـان جـو را در مـاه آیـارو در دروازه انبـار در شـهر اوروک پرداخـت نمایند. آنـان بـه صـورت متقابـل ضامـن یکدیگر هسـتند.

شـاهدان (اسـامی سـه نفـر)، کاتـب (نـام). اوروک، یازدهمیـن روز مـاه تشـریتو، سـال ششـم پادشـاهی کـوروش، پادشـاه بابـل، پادشـاد سـرزمین‌ها[1].

Cyr 248

بـر اسـاس کتیبـه (Cyr 248) بـرده‌ای بـه مـدت ۱۵ ماه بـرای یادگرفتـن نانوایی بـه مربی نانـوا سـپرده شـده اسـت[2]. در صـورت عـدم آمـوزش بـه ازای هـر روز، اسـتاد بایـد یـک سـوت جـو غرامـت پرداخـت می‌کـرد. متـن سـند چنیـن اسـت:

«اینا-قات-نابو-بولتـو، بـرده متعلـق بـه ایتی-مردوک-بلاتـو، در اختیـار رهتـی، بـرده باسـیجا قـرار داده شـده اسـت تـا حرفـه نانوایـی از مـاه آبـو (مـاه پنجم سـال) در سـال ششـم کـوروش، پادشـاه بابـل، پادشـاه سـرزمین‌ها بـه او آمـوزش داده شـود. او بایـد حرفـه نانوایـی را بـه طـور کامـل قبـل از مـاه آرَه‌سـمنو (مـاه هشـتم سـال) بـه او بیامـوزد. اگـر بـه او آموزش ندهـد، از روزی کـه در اختیـارش قـرار داده شـده اسـت، بایـد بـه ازای هـر روز یـک سـوت جـو بـه عنـوان اجاره‌بهـا پرداخـت کنـد. شـاهدین (نـام دو نفـر)، کاتـب (نـام). بابـل، نوزدهمیـن روز از مـاه نیسـانو، سـال هفتـم کـوروش، پادشـاه بابـل و سـرزمین‌ها»[3].

Cyr 313

بـر اسـاس کتیبـه (Cyr 313) بـرده‌ای را بـه مـدت ۶ سـال بـرای یـاد گرفتـن هنر سـفید کـردن لبـاس بـه دسـت اسـتادکار می‌سپارند. متـن سـند چنیـن اسـت:

1. IbiD, 333.
2. IbiD, P 282.
3. IbiD, P 120.

نابو-گوم-ایدین پسر اردیا از خاندان [...] و همسرش، اینا-ایساگیل-بِلت دختر شَمَش-ایلوآ، برده خود «نیدینتو» را به «لیبلوت» پسر اوشایا برای شش سال داده‌اند تا [حرفه سفیدگری /سفیدکردن پارچه] را بیاموزد. او باید هنر سفیدکردن (پارچه) را به طور کامل به او بیاموزد. اگر به او آموزش ندهد، باید روزانه سه قا جو به عنوان اجاره‌بها به نابو-گوم-ایدین بپردازد.

برده از ماه نیسانو سال هشتم (کوروش) در اختیار لیبلوت قرار گرفته است. او باید به او آموزش دهد و سپس او را (به عنوان نذر یا آزادکردن) به (خدای) شَمَش تقدیم کند. پس از اینکه آموزشش داد، (ارباب برده) باید یک پتو (؟) به ارزش چهار شِکِل نقره بیاورد و به لیبلوت بدهد.

شاهدین (نام سه نفر)، کاتب (نام). سیپار، روز بیست‌وپنجم ماه آبو، سال هشتم کوروش، پادشاه بابل، پادشاه سرزمین‌ها[1].

Cyr 337

بر اساس کتیبه (Cyr 337) در سال ۵۳۰ زمینی را به رهن برده‌ای گذارده‌اند[2]. صاحب زمین در پایان زمین را به صاحب برده واگذار می‌کند[3].

Cyr 307

بر اساس کتیبه (Cyr 307) در سال ۵۳۱ اگر دختری بدون اجازه از پدرش با مردی ازدواج می‌کرد، دادگاه می‌توانست چنین زنی را به بردگی بکشد. متن سند چنین است:

اگر تابات-ایستار، دختر یَشَیاما، با کولو پسر کَلبا دیده شود و او (کولو) با کمک یک دروغ (با فریب) او را به سوی خود بکشاند... اما او (تابات-ایستار) به صاحب خانه نگوید: 'برای کَلبا، پدر کولو، کسی را بفرست، در این صورت تابات-

1. Ibid, P 284-285.

2. IbiD, P 324-325.

3. IbiD, P 392.

ایستار نشان یا داغ بردگی را دریافت خواهد کرد. شاهدین (نام سه نفر) و کاتب (نام). سیپار، روز سوم ماه دُئُوزو، سال هشتم کوروش، پادشاه بابل، پادشاه سرزمین‌ها[1].

Cyr 312

بر اساس کتیبه (Cyr 312) نیز قضات به دختر هشدار می‌دهند که ازدواج بدون رضایت پدر بردگی را در پی دارد. فردی به نام نابو-آهه-بولیت پس از دریافت رضایت برادر یک دختر، بدون آگاهی پدرش، قراردادی برای ازدواج با دختری به نام تابلوتو منعقد کرد. پدر نابو-آهه-بولیت به دادگاه مراجعه کرد و دادگاه قرارداد ازدواج را باطل اعلام کرد. قضات به تابلوتو هشدار دادند که در صورت دیده شدن مجدد با نابو-آهه-بولیت، به بردگی انداخته خواهد شد[2].

Cyr 315

بر اساس کتیبه (Cyr 315) برده‌ای بافنده سالیانه نه یا نوزده مثقال نقره حقوق می‌گرفت [3]. پس از پایان دوره کارآموزی به مدت ده ماه نزد استاد خود به کار مشغول بود و نه شکل نقره به ایتی مردوک بلاتو پرداخت شد[4].

Cyr 217

بر اساس کتیبه (Cyr 217) سخن از کنیزی است که به همراه فرزندانش به عنوان وثیقه وام تعیین شده است[5].

Cyr 284

در این سند هم مانند سند پیشین سخن از به گرو نهادن برده به عنوان ضمانت

---

1. IbiD, P 105 & 232.
2. IbiD, P 105.
3. IbiD, P 117.
4. IbiD, P 284.
5. IbiD, P 149.

وام [1] در سال ۵۳۱ پنج برده است [2].

Cyr 332

بر اساس کتیبه (Cyr 332) در سال هشتم حکومت کوروش بر بابل دعوا بر سر برده‌ای است که به فروش رفته و از سوی دیگر کسی مدعی آزادی اوست در حالی که شاهدی بر سخن خود ندارد و به خاطر ادعای دروغ محکوم به پرداخت مبلغی می‌گردد. متن سند به شرح زیر است:

[... در سال ششم] نَبونید، پادشاه بابل، [...] و همسرش آجارتو، مُوشِزیب-شَماش را به نور-شَماش [...] به [قیمت] [کامل] فروختند. نور-شَماش سند (اصلی) مربوط به مُوشِزیب-شَماش را به نام خود تنظیم کرد، اما در سال هفتم نَبونید، پادشاه بابل، در ازای نیم مینا (نقره) که جهیزیه همسرش بوراشو بود، یک سند مهرشده (جدید) تنظیم کرد و آن را به همسرش بوراشو داد.

(سپس) نور-شَماش درگذشت. پس از مرگ نور-شَماش، بوراشو و شوهر دومش، تَبّانِا، از او (یعنی برده) به عنوان وثیقه برای (وام) نیم مینا نقره استفاده کردند و او را در اختیار اَپّانو پسر اَبونور قرار دادند.

سپس، در سال ششم کوروش، پادشاه بابل، پادشاه سرزمین‌ها، بوراشو و شوهرش تَبّانِا، برده خود مُوشِزیب-شَماش را به قیمت یک مینا و پنجاه شکل نقره، یعنی قیمت کامل، فروختند و در سند خود یادداشت کردند: «پنجاه شکل از این (مبلغ) به عنوان [پرداخت؟] به اَپّانو داده شده است.

اکنون، در سال هشتم کوروش، پادشاه بابل، [...]، آجارتو، همسر [...] علیه من در مورد مُوشِزیب-شَماش دادخواهی آورد، (و ادعا کرد که او) یک برده معبد [متعلق به ...] است. من نزد شما [...] به همراه آجارتو [...] آمده‌ام.

1. IbiD, P 149.

2. Wunsch, C. (1993). Die UrkunDen Des babylonischen Geschäftsmannes IDDin-MarDuk, p 253-254.

کاهـن سـیپّار [...] او آجارتـو را نـزد آنـان آورد. آن‌هـا از آجارتـو بازجویـی (؟) کردند و او نتوانسـت ثابـت کنـد کـه مُوشِزیب-شَـماش بـرده معبـد یـا یک فـرد آزاد اسـت.

بِل-اُبالّیـت، کاهـن سـیپّار، یکـی از اعضـای هیئـت مدیـره معبـد شَـماش، (و) بـزرگان [شـهر] قراردادهـای مربـوط بـه بـرده بـودن مُوشِزیب-شَـماش را کـه ایدین-نابـو نـزد آنـان آورده بـود، خواندنـد؛ قراردادهایـی کـه از سـال ششـم نَبونیـد، پادشـاه بابـل، تـا سـال هشـتم کـوروش، پادشـاه بابـل، پادشـاه سـرزمین‌ها را در بـر می‌گرفـت، در حالـی کـه آجارتـو نتوانسـته بـود ثابـت کنـد کـه مُوشِزیب-شَـماش بـرده معبـد یـا یـک فـرد آزاد بـوده اسـت.

آن‌هـا بـا یکدیگـر مشـورت کردنـد و آجارتـو را بـه پرداخـت یـک مینـا و پنجـاه شـکل بـه همـراه دو-سـوم مینـا و هشـت (؟ شـکل) نقـره محکـوم کردنـد و آن را بـه ایدیـن-نابـو دادنـد، زیـرا آجارتـو بـه دروغ علیـه ایدین-نابـو بـه اتهـام (بـرده بـودن یـک) فـرد آزاد دادخواهـی کـرده بـود.

حاضـران در حـل و فصـل ایـن مسـئله ایـن افـراد بودنـد: (اسـامی کـه بـه بـدی حفـظ شـده‌اند در ادامـه می‌آیـد). [...] سـال هشـتم [کـوروش، پادشـاه بابـل، پادشـاه سـرزمین‌ها].»[1].

Cyr 120

بـر اسـاس کتیبـه (Cyr 120) ایتـی مـردوک بلاتـو سرپرسـت تجارت‌خانـه اگیبـی در سـال ۵۳۶ یـک بـرده را بـه قیمـت دو مینـا و سـی و شـش شـکل خریـد[2].

Cyr 160

ایتـی مـردوک بلاتـو در سـال ۵۳۹ (پیـش از میـلاد)، مقـداری زمیـن و دو بـرده مـرد و یـک زن بـرده خریـداری کـرد. مطابـق بـا شـرایط توافقنامـه، اگـر در آینـده فروشـندگان یـا خویشـاوندان آنـان ادعـا می‌کردنـد کـه ایـن مـزارع، خانه‌هـا و بـردگان را نفروخته‌انـد،

1. DanDamaev, M, Slavery in Babylonia: from Nebopolassar to AlexanDer the great (626- 331 B. C), P 192-194.
2. IbiD, P 196.

موظـف بودنـد دوازده برابـر مبلغـی را کـه از ایتی-مردوک-بلاتـو دریافـت کـرده بودنـد، بـه او بازگرداننـد[۱].

Cyr 161

بنا بر این سند یک خانواده بیست و هفت برده را فروختند[۲].

Cyr 171

بـر اسـاس کتیبـه (Cyr 171) ایتـی مـردوک بلاتـو سرپرسـت تجارت‌خانـه اگیبـی بـرده‌ای را بـه همـراه پسـرش خریـده اسـت[۳].

Cyr 261

بـر اسـاس کتیبـه (Cyr 261) در سـال **۵۳۲** سرپرسـت تجارت‌خانـه اگیبـی کنیـزی را خریده اسـت[۴].

Cyr 146

در این سند کنیزی به همراه پسرش به قیمت دو مینا خریداری شده است[۵].

Cyr 362

در سـند (Cyr 362) هـم از فـروش بـرده سـخن رفتـه اسـت[۶] کـه قیمـت آن پنجـاه شـکل اسـت [۷].

1. IbiD, P 196.
2. IbiD, P 216.
3. IbiD, P 196-197
4. IbiD, P 197.
5. IbiD, P 202.
6. Wunsch, C. (1993). Die UrkunDen Des babylonischen Geschäftsmannes IDDin-MarDuk, p 259-260.
7. DanDamaev, M, Slavery in Babylonia: from Nebopolassar to AlexanDer the great (626- 331 B. C), P 202.

Cyr 130

بـر اسـاس کتیبـه (Cyr 130) جهیزیـه همسـر ایتـی مـردوک بلاتـو رئیـس خانـدان اگیبـی شـماری از بـردگان بـه مبلـغ حـدود چهـارده مینـا بـود[1].

Cyr 168

بر اساس کتیبه (Cyr 168) جهیزیه دو برده است[2].

Cyr 361

در سند (Cyr 361) نیز دو برده به عنوان بخشی از جهیزیه عروس است [3].

NRVU 19

در سـال ۵۳۰ پیـش از میـلاد مـادری یـک بـرده بـه همـراه زمینـی را بـرای دو دختـر خـود بـه ارث می‌گـذارد هـر چنـد بعـد وصیـت خـود را تغییـر می‌دهـد[4].

Cyr 277

بـر اسـاس کتیبـه Cyr 277 در سـال ۵۳۱ پیـش از میـلاد سـخن از انتقـال مالکیـت بـرده[5] و اهـدای او بـه دیگـری اسـت[6].

Cyr 325

بـر اسـاس کتیبـه (Cyr 325) در سـال ۵۳۰ پیـش از میـلاد بـرده‌ای بـرای یادگیـری حرفـه حکاکـی و مهرسـازی بـه مبلـغ پنـج مثقـال سـالیانه اجـاره داده شـده اسـت. متـن سـند چنیـن اسـت:

1. IbiD, P 209.
2. IbiD, P 210.
3. IbiD, P 210.
4. IbiD, P 211.
5. Wunsch Cornelia, 2000, Das Egibi Archiv, vol 2, p 182-183.
6. DanDamaev, M, Slavery in Babylonia: from Nebopolassar to AlexanDer the great (626- 331 B. C), P 212.

ایتی-مردوک-بلاتو پسر نابو-آهه-ایدین از خاندان اِگیبی، با اراده آزاد خود، برده‌اش گوزو-اینا-بل-اسبات را به قُدایا، حکاک مهرها و برده شاهزاده کمبوجیه، سپرده است تا به مدت چهار سال هنر ساخت مهرها را بیاموزد. او باید این هنر (ساخت مهرها) را به طور کامل به او بیاموزد. ایتی-مردوک-بلاتو باید سالی یک بار به گوزو-اینا-بل-اسبات لباس بدهد. اگر قُدایا به او آموزش ندهد، باید یک‌سوم مینا نقره بپردازد. اگر در طول چهار سال به او آموزش دهد، [...]

شاهدین (نام دو نفر)، کاتب (نام). بابل، روز ششم ماه آدارو، سال هشتم کوروش، پادشاه بابل، پادشاه سرزمین‌ها. او باید پنج شِکِل نقره [...] در روز [...] از ماه نیسانو بپردازد[1].

McEwan 4

در این سند سخن از قیمت برده به همراه فرزندش است[2].

McEwan 8

طی قراردادی در سال ۵۳۴ دو برادر به همراه مادرشان، برادر دیگر را برای یادگیری حرفه سفیدگری به مدت دو سال به شاگردی سپردند. استادکار، برده یک مقام رسمی بود. اگر او در آموزش کامل این حرفه به شاگرد کوتاهی می کرد، می‌بایست ده شِکِل نقره پرداخت می کرد. هرکس که قرارداد را نقض می کرد، موظف به پرداخت چهار شِکِل نقره بود[3].

Cyr 296

در سال ۵۳۱ پیش از میلاد، باکوآ برده نبونصیر ده شِکِل نقره دریافت کرد که دستمزد ماهانه بافندگان تحت نظارت نبو-نصیراپلی بود[4].

1. IbiD, P 285.
2. IbiD, P 200.
3. IbiD, P 298.
4. IbiD, P 293 & 294.

Cyr 223

در این سند سخن از برده‌ای به نام نرگال رسوا است که برده آیدین مردوک است: شوم-ایدین پسر مردوک-شرانی از نوادگان شلالا، یک مینه و چهار شکِل نقره به ایدین-مردوک پسر ایقیشا از نوادگان نور-سین بدهکار است.

او باید اصل مبلغ یک مینه و چهار شکِل نقره را در ماه سیمانو پرداخت نماید. (این بدهی) علاوه بر اعتبار [یا وام] قبلی و نقره‌ای است (که عبارت است از) مانده‌ی سود که برای آن سند تعهدی وجود ندارد، که او به همراه بِل-ایینی و نرگل-رسوا دریافت کرده بود.

شاهدان (اسامی دو نفر)، کاتب (نام). شهر شابرینو، روز بیستم از ماه نیسانو، سال ششم کوروش، پادشاه بابل، پادشاه سرزمین‌ها.»[1].

Cyr 352

باکوآ برده نبونصیر گواهی می‌دهد که دو شِکِل نقره به طور شخصی به او پرداخت شده است[2].

Cyr 186

در سندی در پنجمین سال پادشاهی کوروش باز سخن از باکوا برده نبونصیر است[3]. و نیز در چند سندی دیگر[4].

GCCI II 99

بر اساس کتیبه (GCCI II 99) در سال ششم حکومت کوروش بر بابل یک مرد آزاد به همراه برده‌اش بدهکار هستند[5].

1. IbiD, P 368.

2. IbiD, P 293.

3. ZawaDzki, Stefan, 2013, Garments of the GoDs: Vol. 2: Texts, P 38-39.

4. Ibid, P 64 & 93 & 158 & 283 & 437.

5. DanDamaev, M, Slavery in Babylonia: from Nebopolassar to AlexanDer the great (626- 331 B. C), P 333.

AnOr 8 54

یـک بـرده و یـک مـرد آزاد، وامـی معـادل پانـزده هـزار آجـر از معبـد ائانـا دریافـت کردنـد[1].

Cyr 278

بـر اسـاس کتیبـه (Cyr 278) پـدری فرزنـد خـود را بـرای مـدت معینـی بـه کنیـزی اجـاره می‌دهـد. متـن سـند چنیـن اسـت:

«زَبابا-شـوم-اُصور، پسـر نَبو-موکیـن-زِری از خانـدان رئیـس سـازندگان، پسـر خـود، نَبو-بُلیطُـو را بـه سِـپیتایا، کنیـزی کـه متعلـق بـه شـولا اسـت، بـا مـزد سـالانه‌ی چهار شِـکِل نقـره اجـاره داده اسـت. نَبو-بُلیطُـو [می‌بایسـت] در ماه‌هـای آیـارو و تَشـرِتو از سـال جـاری بـرای زَبابا-شـوم-اُصور کار کند.»

شـاهدان (اسـامی دو نفـر) و کاتـب (نـام). شـهر [...] روز بیسـت و سـوم مـاه شَـباطو، سـال هفتـم کـوروش، پادشـاه بابـل و سـرزمین‌ها[2].

YOS 7 60

بـر اسـاس کتیبـه (YOS 7 60) در سـال **۵۳۲** مـردی موظـف شـد کنیـز معبـد کـه بـه همسـری بـرده‌ی خـود درآورده بـود و فرزندانـش را بـه معبـد تحویـل دهـد. متن سـند چنین است:

در روز دهـم مـاه آدار، سـال هفتـم کـوروش، پادشـاه بابـل، پادشـاه سـرزمین‌ها، دَیّـان-مـردوک پسـر نابو-بانی-آپـی از نـوادگان بلاتـو، باید لاتوباشـینی، زن بـرده معبد (الهـه) بِلِت اوروک، همسـر بِل-آب-اوسـور (کـه خـود) بـرده (مَلَـک) دَیّان-مـردوک اسـت، بـه همـراه پسـرانش را بـه معبـد ائانـا بیـاورد و آنـان را بـه نابو-موکین-آپلـی، خزانـه‌دار معبـد ائانـا، پسـر نادیـن از نـوادگان دبیبـی، و بـه نابو-آه-ایدیـن، نماینـده پادشـاه و ناظـر معبـد ائانـا، تحویـل دهد.

1. IbiD, P 337.

2. IbiD, P 376.

اگر دَیّان-مردوک (آنان را) نیاورد و تسلیم نکند، باید به (الهه) بِلِت اوروک، هم برده‌ها و هم مالیات آزادسازی (غرامت معادل ارزش آزادسازی) آنان را بپردازد.

شاهدان (اسامی سه نفر)، کاتب (نام). اوروک، روز دهم ماه آراخسمنو، سال هفتم کوروش، پادشاه بابل، پادشاه سرزمین‌ها[۱].

YOS 7 66

بر اساس کتیبه (YOS 7 66) در سال **۵۳۲** مردی کنیز خود را وقف معبد می‌کند و تصمیم می‌گیرد نشان الهه معبد را بر تن او بگذارد. چون پس از مرگ ارباب کنیز، برادر ارباب کنیز را تصاحب کرد، معبد درباره او دادخواست صادر کرد[۲].

BIN 1 106

کنیزی به نام اِموکتوم، که در معبد اشتغال داشته و همسر مردی به نام نادین بوده‌است، متعهد گردیده که دو پسر خود را در مدتی پنج‌روزه به معبد اِئانا آورده و آنان را به مدیریت معبد تسلیم نماید. دو نفر نیز ضامن اجرای این تعهد توسط وی شده‌اند[۳].

AnOr 8 38

بر اساس کتیبه (AnOr 8 38) در سال **۵۳۷** کنیزی در دادگاه شهادت داد[۴].

Cyr 311

بر اساس کتیبه (Cyr 311) در سال هشتم حکومت کوروش بر بابل برده‌ای در

---

1. IbiD, P 409& Dougherty, RaymonD Philip, 1923, The shirkûtu of Babylonian Deities, P 51.
2. IbiD, P 409 anD 487-479.
3. IbiD, P 48.
4. IbiD, P 432.

دادگاه حضـور یافـت[1].

Cyr 339

بـر اسـاس کتیبـه (Cyr 339) در سـال ۵۳۰ در سـیپار زنـی بـرده‌ی خـود را در برابـر مبلغـی ماهیانـه و سـالیانه آزاد کـرد. در ایـن سـند چنیـن آمـده اسـت کـه زنـی بـه نـام هِبْتـا، بـرده خـود بـه نـام بـزوزو را بـه شـرطی آزاد کـرد کـه وی روزانـه یـک سـوت (معـادل تقریبـی ۶ لیتـر) خـوراک و یـک سـوت آبجـو درجـه یـک، ماهانـه یـک سـوت چاشـنی سَـپلو و مقـدار معینـی نمـک، و سـالانه یـک تالانْـت (حـدود ۳۰ کیلوگـرم) پشـم بـرای البسـه و سـه رأس گوسـفند بـرای او تأمیـن نمایـد[2].

Cyr 281

بـر اسـاس کتیبـه (Cyr 281) در سـال هفتـم حکومـت کـوروش بـر بابـل بـرده معبـد خـدای شَـمَش را در غـل و زنجیـر انداختنـد. متـن سـند چنیـن اسـت:

در مـورد بِل-ائتیر-شَـمَش، بـرده معبـد (شَـمَش) کـه مردوک-شـوم-ایبنی، کاهـن سـیپار، او را بـه زنجیرهـای آهنـی بسـته و در انبـار زندانـی کـرده بـود، بـرده معبد (شَـمَش)، شَـمَش-دینو-اپوش، در حضـور (نماینـدگان؟) اِبابـار (معبـد شَـمَش)، کاتبـان و بـزرگان شـهر، ضمانـت او را نـزد مردوک-شـوم-ایدین، کاهـن سـیپار بـر عهـده گرفتـه و او را از زنجیرهـای آهنـی آزاد کـرد.

اگـر بِل-ائتیر-شَـمَش بـه منطقـه دیگـری بـرود (فـرار کنـد)، شَـمَش دینو-اپـوش، کارهـای بِل-ائتیر-شَـمَش را عـلاوه بـر کارهـای خـودش انجـام خواهـد داد.

شـاهدان (اسـامی سـه نفـر) و کاتـب (نـام). سـیپار، سـومین روز مـاه آدارو، سـال هفتـم کـوروش، پادشـاه سـرزمین‌ها[3].

1. IbiD, P 432.
2. IbiD, P 440.
3. IbiD, P 497-498.

TMH 2/3 32

بـر اسـاس کتیبـه (TMH 2/3 32) در سـال دوم حکومـت کـوروش بـر بابـل بـرده‌ای چهـار ظـرف را بـه دیگـری اجـاره می‌دهـد. متـن سـند چنیـن اسـت:

چهـار ظـرف کهـن و خالـی متعلـق بـه نوهانـو، بـرده مُشـزیب-بِل از خانـدان اِیلوتـا-بانـی، در اختیـار نَبو-موکین-آپلـی پسـر نَبو-موکیـن-زِری از خانـدان حُصابـی قـرار داده شـده اسـت. وی می‌بایسـت ظـروف را در مـاه آبـو عـودت دهـد. نیمـی از اجاره‌بهـا (از پیـش) دریافـت شـده اسـت.

شاهدان (نام یک نفر)، کاتب (نام).

بورسیپا، سومین روز ماه نیسانو، سال دوم پادشاهی کوروش، پادشاه سرزمین‌ها[۱].

YOS 7 7

بـر اسـاس کتیبـه (YOS 7 7) در سـال ۵۳۸ تشـکیل جلسـه دادگاه بـرای محاکمـه بـرده‌ای کـه امـوال معبـد را دزدیـده بـود[۲].

YOS 7 10

بـر اسـاس کتیبـه (YOS 7 10) در سـال ۵۳۸ دادگاهـی بـرای محاکمـه بـرده‌ای کـه آسـیاب دسـتی را دزدیـده بـود برپـا شـد. متـن سـند چنیـن اسـت:

«نَبو-رِقـوا، بـرده لَبَشـی-مردوک پسـر آراد-بِـل از خانـدان اِگیبـی، بـدون آنکـه تحـت فشـار باشـد، سـخن زیـر را بـه مباشـرِ [امـوال] معبـد اِئانـا، نَبو-موکیـن-زِری پسـر نادیـن از خانـدان دَبیبـی، و بـه نَبو-آه-ایدیـن، نماینـده پادشـاه و کمیسـر معبـد اِئانـا، اعـلام کـرد:

«... بـدون بازجویـی [اظهـار داشـت]: "در شـب بیسـت‌وهشـتم مـاه کِسـلیمو، اِدینـا پسـر لَبَشـی-مردوک از خانـدان اِگیبـی، یـک دسـت‌آس مخصـوص زیـره (؟) متعلـق بـه

1. IbiD, P 336.
2. IbiD, P 429 &217.

اِشـتار-آه-ایدین پسـر اِینین-شـوم-اُصور از خانـدان نَبو-شَـربی-ایلی را از [...] (معبد) الهه بِلِـتِ اوروک دزدیـد. او آن را در خانـه پـدرش گذاشـت و نَبو-لـو-داری، بـرده بانیـا پسـر تَریبـی، (در ایـن بـاره) از مـن حمایـت خواهـد کـرد (؟)."

هاشـدا، بـرادر اِددینـا، نیـز در مجمـع (دادگاه) سـخن زیـر را گفـت: "تـو آن دسـت‌آس مخصـوص زیـره (؟) را بـه طـور غیرقانونـی از انبـار اِشـتار-آه-ایدین برداشـتی و (مـن) آن را در خانـه لَبَشـی-مردوک، پـدرم، دیـدم."

شـاهدان (اسـامی هفـت نفـر)، کاتـب (نـام). اوروک، روز اول مـاه آیـارو، سـال اول کـوروش، پادشـاه سـرزمین‌ها[1].

YOS 7 17

بـر اسـاس کتیبـه (YOS 7 17) در سـومین سـال حکومـت کـوروش بـر بابـل (۵۳۶ پیـش از میـلاد) مـردی وصیـت می‌کنـد کـه پـس از مرگـش بـرده‌ی او وقـف معبـد ایشـتار شـود. متـن سـند چنیـن اسـت:

«نَبو-آهّه-بُلیـط پسـر نَبو-شـوم-اوکین از تبـار کاهـن نینورتـا و همسـرش بُلطـا دختـر بِل-اوشَـلِم از خانـدان کـوری، بـا اراده آزاد خـود، بـرده (قَلّـو) خـود، آه-ایدیـن را بـه (الهه) ایشـتار بـرای حفـظ جانشـان اهـدا نمودنـد.

تـا زمانـی کـه نَبو-آهّه-بُلیـط و بُلطـا زنـده هسـتند، آه-ایدیـن می‌بایسـت بـه آنـان خدمـت کنـد. هنگامـی کـه آنـان درگذشـتند، آه-ایدیـن بـه عنـوان بـرده معبـد (ایشـارو) بـرای (الهـه) ایشـتار درخواهـد آمـد.

(باشد که) آنو و ایشتار نابودی هر کس که این سخنان را تغییر دهد، رقم زنند.

شـاهدان (اسـامی سـه نفـر)، کاتـب (نـام). اوروک، چهاردهمین روز ماه کِسـلیمو، سـال سـوم کوروش، پادشـاه سـرزمین‌ها[2].

---

1. IbiD, P 429-430.

2. IbiD, P 473.

AnOr 8 56

بـر اسـاس کتیبـه (AnOr 8 56) در سـال هفتـم پادشـاهی کـوروش در بابـل دعـوا بـر سـر تصاحـب کنیـزی اسـت: متـن سـند چنیـن اسـت:

«ابی-اُل-تیـده، کنیـز، سـخن زیـر را خطـاب بـه نَبو-موکین-آپلی (کارگـزار اِئانا، پسـر نادینـو از خانـدان دیبیـی) و نَبو-آه-ایدیـن (نماینـده پادشـاه، ناظـر اِئانـا) بیان کرده اسـت:

"مـن کنیـز لَقیپـی، رمـه‌دار ارشـد، پسـر اَبیـا-اَدِی-ل [...] هسـتم کـه (بقیـه) بدهـی خـود را بـه (ایزدبانـو) بِئِلِـتِ اوروک پرداخـت کـرده اسـت)."

بِل-لِعـو، سـفیر جانشـین (پادشـاه)، نیـز نامـه‌ای بـه ایـن مضمـون بـرای نَبو-موکیـن-آپلـی (کارگـزار اِئانـا) و نَبو-آه-ایدیـن (ناظـر اِئانـا) فرسـتاده اسـت: "ایـن کنیـز، متعلـق بـه مـن اسـت."

نَبو-موکین-آپلـی و نَبو-آه-ایدیـن، بـه دسـتور بِل-لِعـو، سـفیر جانشـین (پادشـاه)، آبی-اُل-تیـده را بـه ایدین-نَبـو پسـر ریمـوت (پیـک بِل-لِعـو) تحویـل داده و گفته‌انـد:

"(او را) بگیریـد و بـه بِل-لِعـو بسـپارید. مـا پرونـده او را بـه طـور مشـترک بررسـی کرده و بـه همـراه بِل-لِعـو بـه تصمیـم نهایـی خواهیم رسـید.

شاهدان: (اسامی چهار نفر)، کاتب: (نام)

اوروک، دوازدهمین روز ماه تِبِتو، سال هفتم پادشاهی کوروش، پادشاه سرزمین‌ها[1].

YOS 7 59

بـر اسـاس کتیبـه (YOS 7 59) در سـال ۵۳۲ معبـد مـردی را موظـف می‌کنـد ظـرف مـدت ده روز کنیـز خـود را بـه جـای بدهـی تحویـل معبـد بدهـد[2].

AnOr 8 50

آردیجـا پسـر شاکین-شـومی می‌بایسـت در زمـان مشـخصی در دادگاه شـاه در اوروک

1. IbiD, P 480-481.

2. IbiD, P 483.

حاضـر شـده و در پرونـده‌ای مربـوط بـه بـرده پـدرش بـا مقامـات معبـد داوری کنـد. بـا اسـتناد بـه متـن، بـه نظـر می‌رسـد پـدر آردیجـا می‌بایسـت تعـدادی دام بـه معبـد اهـدا می‌کـرد. در صـورت عـدم حضـور آردیجـا در دادگاه، او موظـف بـود بـرده و بهـره مالکانـه متعلقـه را بـه معبـد تحویـل دهد[1].

YOS 7 73

بـر اسـاس کتیبـه (YOS 7 73) بـرده‌ای از معبـد فـرار کـرده اسـت و دو زن که مسـئول فـرار او بودنـد موظـف بـه بازگردانی او شـدند[2].

YOS 7 44

بر اساس کتیبه (YOS 7 44) برده‌ای از معبد فرار می‌کند و ضامن او گرفتار می‌گردد[3].

YOS 7 77

بـر اسـاس کتیبـه (YOS 7 77) در سـال هشـتم حکومـت کـوروش بـر بابـل بـرده معبد ایشـتار در غـل و زنجیر انداخته شـد[4].

Cyr 126

بر اساس کتیبه (Cyr 126) بردگان معبد مشغول حفر کانال هستند[5].

YOS 7 47

بـر اسـاس کتیبـه (YOS 7 47) بـرده‌ای طبـق قـراردادی موظـف اسـت مزرعـه را بـه نخلسـتان تبدیـل کنـد[6].

---

1. IbiD, P 483.
2. IbiD, P 495.
3. IbiD, P 495.
4. IbiD, P 498.
5. IbiD P 509.
6. IbiD P 510.

YOS 7 79

بر اساس کتیبه (YOS 7 79) به سه نفر برای آماده کردن شیر مراسم پیشکش قربانی، دو گاو و یک برده داده می‌شود[1].

GCCI II 99

بر اساس کتیبه (GCCI II 99) برده‌ای به همراه اربابش وام گرفتند[2].

GCCI II 101

بر اساس کتیبه (GCCI II 101) مسئولان معبد به دو برده معبد که جواهرساز بودند درباره استاندارد ذوب نقره هشدار دادند[3].

AnOr 8 52

مضمون کتیبه (AnOr 8 52) در سال ششم از حکومت کوروش بر بابل درباره تحویل برده‌ای به معبد است[4].

YOS 7 89

بر اساس این کتیبه برده‌ای در معبد ایشتار به سمت دربان معبد منصوب شده است. دربان پیشین از کار خود فرار کرد[5].

YOS 7 65

بر اساس این کتیبه برده‌ای در سمت نگهبانی از معبد است[6].

YOS 7 86

بر اساس این کتیبه در سال هشتم حکومت کوروش بر بابل برده‌ای مأمور تحویل

1. IbiD P 513.
2. IbiD, P 91.
3. IbiD, P 513.
4. Ibid, P 513-514.
5. IbiD, P 516-517.
6. IbiD, P 518.

ادویه شـده است[1].

YOS 7 88

بنابـر ایـن سـند بـرده معبـد فـرار می‌کنـد و چـون او را می‌یابنـد او را در غـل و زنجیـر می‌کننـد. امـا بـاز او فـرار کـرده و بـا خنجـری نگهبانـان را تهدیـد می‌کنـد امـا باز دسـتگیر شـد و بـه معبـد بازگردانده شـد[2].

YOS 7 102

بـرده‌ای در سـال هشـتم حکومـت کـوروش از کار شـخم زدن فـرار کـرد و در سـال بـه تخـت نشسـتن کمبوجیـه بـه چنـگ گیمیلـو افتـاد و گیمیلـو او را مخفیانـه به کـس دیگری اجـاره داد و اجاره‌بهـاء را بـرای خـود برداشـت[3].

YOS 7 50

بـر اسـاس ایـن کتیبـه در سـال پنجـم حکومـت کـوروش بـر بابـل مـردی قـول می‌دهـد کـه در زمـان مقـرر بـرده معبـد را تحویـل دهـد و در غیرایـن صـورت متحمـل مجـازات شـود. متـن سـند بدیـن شـرح اسـت:

«[ایدّینـا] پسـر اریشـو، ضمانـت کودورانـو و لباشـی (پسـران نانا-کارابـی) و نیدینتـو پسـر کودورانـو را — کـه همگـی از بـردگان معبـد بِئِلِـت اوروک بودنـد — نـزد نَبـو-موکین-آپلـی (کارگـزار اِئانـا، پسـر نادیـن از خانـدان دبیبـی) و نَبو-آب-ایدین (نماینده شـاه و ناظـر اِئانـا) بـر عهـده گرفـت.

در صورتـی کـه آنـان (بـردگان مذکـور) بـه مکانـی دیگـر بگریزنـد، (ایدّینـا) می‌بایسـت (معـادل ارزش آنـان را) به بِئِلِـت اوروک بپـردازد.»

«... (ایزدبانـوی) بِئِلِـتِ اوروک، دوازده هـزار آجـر را بـه ازای هـر فـرد، سـالانه (بـه

1. IbiD, P 520.
2. IbiD, P 493-494.
3. IbiD, P 494-495.

عنـوان) سـهمیه خـود بپـردازد.

کودورانـو ضامـن بـرادرزاده خود (پسـر بـرادر)، اریب-رِعُوا پسـر ایتی-شَـمَش-بَلَطو، از بـردگان معبـد بِئِلِـتِ اوروک، می‌باشـد. او می‌بایسـت پیـش از روز اول مـاه کِسْـلِمو، وی را (اریب-رِعُـوا) نـزد معبـد ائانـا، نـزد نَبو-موکین-آپلـی (کارگـزار ائانـا) و نَبو-آه-ایدیـن (ناظر ائانـا) آورده و تحویـل دهد.

بَلَطو پسر کیریبتو، ضامن ایدینا پسر اریشو می‌باشد.

شـاهدان: (اسـامی سـه نفـر). کاتـب: (نـام). اوروک، روز **۲۲** مـاه آرَهسَـمْنو، سـال ششـم کـوروش، پادشـاه بابـل، پادشـاه سـرزمین‌ها.»[1].

TCL 13 127

بنا بر این سند برده‌ی معبد الاغی را می‌فروشد[2].

۱. BIN ۲ ۱۱۱

بـر اسـاس ایـن سـند بـرده‌ای بـه نـام گَلالا موظف بـود در سـال چهـار هـزار آجـر پخته شـده را بـه معبد ائانـا تحویـل دهد[3].

YOS 7 74

برده‌ای باید ۶۰۰۰ هزار آجر پخته را به معبد تحویل دهد[4].

AnOr 8 53

بـر اسـاس ایـن کتیبـه تعهـد یـک شـخص را ثبـت می‌کنـد کـه دو بـرده زن معبـد را سـه مـاه پـس از تنظیـم سـند بـه معبـد ئانـا تحویـل دهـد. در صـورت عـدم انتقـال و تحویل به‌موقع (آنـان)، وی موظـف خواهـد بـود (معـادل) آن بـردگان زن را بازپـس داده و دسـتمزد

1. IbiD, P 523.
2. IbiD P 530.
3. IbiD, P 532.
4. IbiD, P 532.

(معـادل) آنـان را بـه (ایزدبانـو) بِئِلِـتِ اوروک بپـردازد.[۱]

AnOr 8 61

بـر اسـاس کتیبـه (AnOr 8 61) یـک بـرده معبـد نـزد برخـی از مقامـات عالی‌رتبـه معبـد ائانـا بـه خدایـان بعل و نبـو و کـوروش سـوگند می‌خـورد کـه در بازرسـی از گوسـفند و گاوهـا چیـزی را از بازرسـان پنهـان نکنـد[۲].

YOS 7 45

بـر اسـاس ایـن کتیبـه در سـال پنجـم حکومـت کـوروش بـر بابـل بـرده معبـد یـک سـوم خانـه خـود را بـه بـرده دیگـری اجـاره می‌دهـد. متـن سـند چنیـن اسـت:

«شـروع از مـاه نیسـانو، سـال پنجـم کـوروش، پادشـاه بابـل، پادشـاه سـرزمین‌ها، یک‌سـوم [از خانـه] گیمیلیـو پسـر شاکین-شـومی، بـرده معبـد (الهـه) بِلِـت اوروک، در اختیـار اِینین-شـوم-اُصور پسـر اِئانا-ایینـی قـرار خواهـد گرفـت (در ازای) اجاره‌بهـای معـادل دو (؟) کـور جـو در سـال. وی موظـف اسـت نیمـی از جـو را در آغـاز سـال و نیـم دیگـر را در میانـه سـال تحویـل دهـد. وی بایـد پشـت‌بام را تعمیـر و عایق‌رطوبتـی دیوارهـا را مرمـت نمایـد.

شـاهدان (اسـامی سـه نفـر)، کاتـب (نـام). اوروک، روز بیست‌وششـم ماه شَـباطو، سـال چهـارم کـوروش، پادشـاه بابل، پادشـاه سـرزمین‌ها[۳].

YOS 7 69

بـر اسـاس کتیبـه (YOS 7 69) در سـال هشـتم حکومـت کـوروش بـر بابـل بـردگان معبـد ملـزم بـه پرداخـت سـهمیه شـده‌اند [۴].

---

1. IbiD, P 523-524.
2. IbiD, P 545.
3. IbiD, P 529.
4. IbiD, P 531.

YOS 7 2

بـر اسـاس ایـن کتیبـه بـرده معبـد بدهـکار معبـد ائانـا بـود بـه همیـن دلیـل، معبـد خانـه او را گرفـت و آن را بـه پسـرش اجـاره داد. متـن سـند چنیـن اسـت:

خانـه آنو-آه-ایدیـن پسـر مُشَـلِم-مردوک، بـرده معبـد (الهـه) بِلِـتِ اوروک، کـه در مجـاورت خانـه پسـران اِمرین-زِر-اوشَبشـی از خانـدان بالاتسـو واقـع شـده و توسـط معبـد اِئانـا (بـرای پرداخـت) باقیمانـده (بدهـی) کـه آنو-آه-ایدیـن بدهـکار اسـت، توقیف شـده، بـه شَمَش-کاسـیر پسـر آنو-آه-ایدیـن بـا مبلـغ سـه شِـکِل نقـره در سـال اجـاره داده شـد.

مسـتأجر (اجاره‌گیرنـده) موظـف اسـت پشـت‌بام را تعمیـر و عایق‌رطوبتـی دیوارهـا را مرمـت کنـد. وی بایـد نیمـی از نقـره را در آغـاز سـال و نیـم دیگـر را در میانـه سـال پرداخـت نمایـد. ایـن خانـه از روز بیسـت‌ویکم مـاه شَـباطو در اختیـار وی خواهـد بـود.

(ایـن سـند) در حضـور نَبو-آه-ایدیـن، نماینـده پادشـاه و کمیسـر معبـد اِئانـا، تنظیـم گردیـده اسـت. اوروک، روز بیسـت‌ویکم مـاه شَـباطو، سـال تاج‌گـذاری کـوروش، پادشـاه سـرزمین‌ها[1].

YOS 7 1

بـر اسـاس ایـن کتیبـه بـرده معبـد ائانـا بـرای مرخصـی یـک روزه هـم بایـد ضامـن پیـدا می‌کـرد[2].

Cyr 27

بـر اسـاس کتیبـه (Cyr 27) در سـال ۵۳۷ پیـش از میـلاد موضـوع شـکایتی اسـت[3] کـه در آن از بـرده مقـداری کنجـد گرفتـه شـده اسـت[4]. متـن سـند چنیـن اسـت: مقـدار

1. IbiD, P 551 & 526.

2. IbiD, P 555.

3. Wunsch, C. (1993). Die UrkunDen Des babylonischen Geschäftsmannes IDDin-MarDuk, p 223.

4. DanDamaev, M, Slavery in Babylonia: from Nebopolassar to AlexanDer the great (626- 331 B. C), P 688.

سی کور کنجد برای بذر، متعلق به ایدین-مردوک پسر اقیشا از نوادگان نور-سین، طبق قرارداد به عهده‌ی نابو-آهه-ایدین پسر نابو-بلشونو از نوادگان لاکوپورو محول گردید. نابو-شوم-اوکین پسر نابو-بلشونو از نوادگان لاکوپورو، آن سی کور کنجد را از دستان اینا-ایساگیل-رامَت (همسر ایدین-مردوک) و نرگل-رشوآ (برده‌ی ایدین-مردوک)، به نمایندگی از نابو-آهه-ایدین دریافت کرد. [مفاد] سند تعهد که نزد ایدین-مردوک، به عهده‌ی نابو-آهه-ایدین باقی است [...].

شاهدان (اسامی دو نفر)، کاتب (نام). بابل، روز دوم از ماه آدار، سال اول کوروش، پادشاه سرزمین‌ها[1].

Cyr 119

بر اساس این کتیبه (سیپار، سال ۵۳۶ پیش از میلاد)، یک برده نانوا به عنوان وثیقه یک وام به طرف مقابل واگذار شد، اما به جای آنکه برای وام‌دهنده کار کند، خود برده سود وام را که اربابش گرفته بود به طلبکار می‌پرداخت[2].

Cyr 64

بر اساس این کتیبه در سال ۵۳۷ پیش از میلاد برده‌ای به مدت پنج سال برای یادگیری بافندگی نزد استادکاری فرستاده می‌شود و در صورت عدم آموزش به ازای هر روز استاد باید یک سوت جو غرامت پرداخت می‌کرد[3]. متن سند چنین است:

"نوپتا، دختر ایدین-مردوک، از دودمان نور-سین، آتکال-آنا-مردوک، برده متعلق به ایتی-مردوک-بلاتو پسر نابو-آهه-ایدین از خاندان اگیبی، را به بل-ایتیر پسر آپلا از دودمان بل-ایتیر برای پنج سال داده است تا (بیاموزد) حرفه بافندگی. او باید حرفه بافندگی را به طور کامل به او بیاموزد. (امل) سومالو-تی-تو (امل) نوخاتیمو-تی-تو. (امل) ایش-پارو-تو. نوپتا باید روزانه یک قا نان به آتکال-

1. IbiD, P 368.
2. IbiD, P 344.
3. IbiD, P 120.

آنا-مـردوک بدهـد، و همچنیـن لبـاس کار. اگـر او حرفـه بافندگـی را بـه او نیامـوزد، بایـد روزانـه یـک سـوت جـو بـه عنـوان اجاره‌بهـا پرداخـت کنـد. شـخصی کـه (ایـن قـرارداد را) نقـض کنـد بایـد یک‌سـوم مینـا نقـره بپـردازد. شـاهدان (نـام سـه نفـر)، کاتـب (نـام). بابـل، روز بیسـتم مـاه تشـریتو، سـال دوم کـوروش، پادشـاه بابـل، پادشـاه سـرزمین‌ها."[۱].

Nr 260 a

بـر اسـاس ایـن کتیبـه کـه همـان کتیبـه (BM.31698) و (BM 31693) اسـت در سـال ۵۳۸ پیـش از میـلاد اسـت سـخن از تحویـل هشـت بـرده بـه عنـوان جهیزیـه اسـت[۲].

Cyr 12

بـر اسـاس ایـن کتیبـه در سـال ۵۳۸ پیـش از میـلاد بـرده‌ای مأمـور تحویـل محمولـه پیاز شـده است[۳].

Nr 267

بـر اسـاس کتیبـه (Nr 267) در سـال ۵۳۸ پیـش از میـلاد بـرده‌ای بـا ضمانـت بـرده بـودن بـه مبلـغ ۵۱ شـکل نقـره فروختـه شـده اسـت[۴].

Cyr 143

بـر اسـاس ایـن کتیبـه در سـال ۵۳۶ پیـش از میـلاد[۵] پنـج بـرده بـه همـراه لـوازم خانـه

1. IbiD, P 283. Renouf, P. Le Page, 1886, GuiDe to the NimrouD central saloon, p 98.

2. Wunsch, C. (1993). Die UrkunDen Des babylonischen Geschäftsmannes IDDin-MarDuk, p 214-215.

3. IbiD, p 217-218.

4. IbiD, p 220-221.

5. DanDamaev, M, Slavery in Babylonia: from Nebopolassar to AlexanDer the great (626- 331 B. C), P 208.

به عنوان جهیزیه به دختری تعیین شده است[1]. ضامن ایتی مردوک بلاتو رئیس تجارت‌خانه اگیبی است.

Cyr 301

متن باقی‌مانده از این سند (بابل، سال ۵۳۱ پیش از میلاد) حاکی از آن است که اربابی از کاهن اعظم سیپار، که از اختیارات قضایی برخوردار بود، درخواست کرد تا برده او را از زندان آزاد کند[2].

Cyr 99

در سند Cyr 99 برده‌ای جو تحویل می‌دهد[3].

Cyr 141

در سند Cyr 141 سخن از برده آیدین مردوک است[4].

Cyr 295

بر اساس کتیبه Cyr 295 در سال ۵۳۴ پیش از میلاد برده‌ای پنج گاو را تحویل داده است[5].

Nr 299

بر اساس کتیبه (Nr 299) در سال ۵۳۳ پیش از میلاد برده‌ای محموله پیازی را

1. Wunsch, C. (1993). Die UrkunDen Des babylonischen Geschäftsmannes IDDin-MarDuk, p 236.
2. DanDamaev, M, Slavery in Babylonia: from Nebopolassar to AlexanDer the great (626- 331 B. C), P 422.
3. Ibid, P 258.
4. Ibid, P 393.
5. Wunsch, C. (1993). Die UrkunDen Des babylonischen Geschäftsmannes IDDin-MarDuk, p 245.

تحویـل گرفتـه اسـت[۱].

Nr 305

بـر اسـاس کتیبـه (Nr 305) در سـال ۵۳۲ پیـش از میـلاد سـخن از بـرده‌ای اسـت کـه مقـداری خرمـا بدهکار اسـت[۲].

Nr 307

در کتیبـه (Nr 307) در سـال ۵۳۱ پیـش از میـلاد نیـز سـخن از به گـروه نهـادن بردگان است[۳].

Cyr 303

در کتیبه (Cyr 303) در سال ۵۳۱ پیش از میلاد بردگان به گرو نهاده می‌شوند[۴].

Cyr 321

در کتیبـه (Cyr 321) در سـال ۵۳۱ پیـش از میـلاد[۵] بـردگان نـزد طلبـکاری گـرو گذاشـته می‌شـوند[۶].

Nr 311

بـر اسـاس کتیبـه (Nr 311) کـه مربـوط بـه سـالهای حکومـت کوروش اسـت بـرده‌ای خانـه‌ای را اجـاره می‌کنـد[۷].

1. IbiD, p 248.
2. IbiD, p 252-253.
3. IbiD p 254-255.
4. IbiD, p 255-256.
5. Demuth. LuDwig, 1968, AUS DER ZEIT DES KÖNIGS KYROS (538-529 v. Chr), p 395.
6. Wunsch, C. (1993). Die UrkunDen Des babylonischen Geschäftsmannes IDDin-MarDuk, p 256.
7. IbiD, p 258.

در سندی مربوط به سال ۵۳۷ پیش از میلاد در اوروک به شماره P235704 سخن از همکاری برده‌ای در دزدی جو است[۱].

Nr 28

در این سند که مربوط به سالهای ۵۳۱ تا ۵۳۰ پیش از میلاد، سخن از اهدای ۱۱ برده است[۲].

Cyr 161

بر اساس کتیبه (Cyr 161) که در حقیقت متشکل از سه کتیبه (BM.32188)، (BM.38111) و (BM.41910) است در سال ۵۳۵ پیش از میلاد سه برده به همراه چیزهای دیگر به فروش می‌رسد[۳].

Nr 124

بنا بر سند (A 32117) در سال ۵۳۰ پیش از میلاد در اوروک برای آزادی یا بردگی شخصی که قبلاً برده بوده است مجمعی تشکیل شد[۴].

Nr 254

بنابر سند (Nr. 254) در هفتمین سال حکومت کوروش در بابل برده‌ای در مقابل سود ربا ودیعه گذاشته می‌شود[۵].

---

1. Cornelia Wunsch, An Early AchaemeniD ADministrative Text from Uruk, p 1-2.
2. Wunsch Cornelia, UrkunDen Zum Ehe, Vermögens UnD Erbrecht Aus VerschieDenen Neubabylonischen Archiven,p 95.
3. Wunsch Cornelia, 2000, Das Egibi Archiv, vol 1, p 142.
4. DaviD B. Weisberg, OIP 122. Neo-Babylonian Texts in the Oriental Institute Collection, p 70-72.
5. Demuth. LuDwig, 1968, AUS DER ZEIT DES KÖNIGS KYROS (538-529 v. Chr), p 394.

Nr 321

در سند (Nr. 321) در هشتمین سال حکومت کوروش نیز برده‌ای گرو گذاشته شده است[۱].

Nr 262

بنابر سند (Nr. 262) در هفتمین سال حکومت کوروش در بابل کنیزی به همراه دخترش تا زمان تأدیه بدهی در خدمت طلبکار خواهند بود[۲].

Nr 146

بر اساس کتیبه (Nr. 146) در سومین سال حکومت کوروش در بابل برده‌ای به فروش رفته است[۳].

Nr 292

بر اساس کتیبه (Nr. 292) در هشتمین سال حکومت کوروش در یک بازرسی از معبد معلوم شد که هفت برده فراری و چهار تن مرده‌اند[۴].

VAT 101

بر اساس کتیبه (VAT 101) برده‌ای در سال **۵۳۳** به فروش رفته است[۵].

VAT 103

بر اساس کتیبه (VAT 103) در سال **۵۳۲** تعدادی برده به عنوان مهریه تعیین شدند[۶].

---

1. Ibid, p 395.
2. IbiD, p 400.
3. IbiD, p 416.
4. IbiD, p 444. DanDamaev, M, Slavery in Babylonia: from Nebopolassar to AlexanDer the great (626- 331 B. C), P 496.
5. https://nabucco.acDh.oeaw.ac.at/archiv/tablet/Detail/1657.
6. https://nabucco.acDh.oeaw.ac.at/archiv/tablet/Detail/1746.

VAT 107

بر اساس کتیبه (VAT 107) در سال ۵۳۸ کنیزی به عنوان جهیزیه تعیین شده است[1].

VAT 1945+

بر اساس کتیبه (VAT 1945+) برده‌ای مسئول تهیه پیشکش به یکی از خدایان می‌شود[2].

VAT 100

بر اساس کتیبه (VAT 100) در سال ۵۳۳ برده‌ای به فروش رفته است.[3]

VAT 93

بر اساس کتیبه (VAT 93) در سال ۵۳۷ برده‌ای به همراه پسر یک ماهه‌اش فروخته می‌شود[4].

BM.34534

بر اساس کتیبه (BM.34534) مردی به علت غیبت برده غرامت دریافت می کند[5].

BM.30611

بر اساس کتیبه (BM.30611) در سال ۵۳۱ برده‌ای مقداری جو به ارباب خود بدهکار است.[6]

1. https://nabucco.acDh.oeaw.ac.at/archiv/tablet/Detail/1764.
2. https://nabucco.acDh.oeaw.ac.at/archiv/tablet/Detail/1852.
3. https://nabucco.acDh.oeaw.ac.at/archiv/tablet/Detail/1875.
4. https://nabucco.acDh.oeaw.ac.at/archiv/tablet/Detail/1909.
5. https://nabucco.acDh.oeaw.ac.at/archiv/tablet/Detail/2069.
6. https://nabucco.acDh.oeaw.ac.at/archiv/tablet/Detail/2109.

Cyr 252

بر اساس کتیبه (Cyr 252) [1] در سال **۵۳۲** به احتمال زیاد دو کنیز به گروه گذاشته شده‌اند[2].

HS.465

بر اساس کتیبه (HS.465) در سال **۵۳۹** برده‌ای به عنوان شاهد بر خرید و فروش است[3].

HS.499

بر اساس کتیبه (HS 499) در سال **۵۳۳** برده‌ای به عنوان گواه در خرید فروش است[4].

HS.476

بر اساس کتیبه (HS 476) در سال **۵۳۷** برده‌ای چهار خمره را به دیگری اجاره می‌دهد[5].

Hermitage 15552

کتیبه (Hermitage 15552) درباره چند کنیز معبد است که نشان بر بدن دارند[6].

FLP 1444

بر اساس کتیبه (FLP 1444) مردی مأمور به تحویل کنیز خود به معبد می‌شود[7].

1. Slavery in BaBylonia, P 406.
2. https://nabucco.acDh.oeaw.ac.at/archiv/tablet/Detail/2431.
3. https://nabucco.acDh.oeaw.ac.at/archiv/tablet/Detail/2644.
4. https://nabucco.acDh.oeaw.ac.at/archiv/tablet/Detail/2782.
5. https://nabucco.acDh.oeaw.ac.at/archiv/tablet/Detail/2846.
6. https://nabucco.acDh.oeaw.ac.at/archiv/tablet/Detail/3150.
7. https://nabucco.acDh.oeaw.ac.at/archiv/tablet/Detail/3209.

An0r 8 43

بنابـر سـندی در سـال ۵۳۱ ق.م. شـخصی بـه نـام گیمیلـو در رأس گروهـی از بـردگان معبـد بـه منظـور کار بـرای گوبـارو از اوروک بـه بابـل اعـزام شـدند[1].

GCCI II 103

بنـا بـر سـندی در سـال ۵۳۰ ق.م. از بـردگان شـهر بـرای نگهبانـی از معبـد ائانـا نام‌نویسـی کردنـد. آن‌هـا موظـف بودنـد از معبـد نگهبانـی کننـد و در غیـر ایـن صـورت بـا مجـازات گوبـارو طـرف بودنـد[2].

Camb 143

در سـال ۵۳۸ ق.م ایتـی مـردوک بلاتـو کنیـزی را در ایـلام خریـد و سـپس او را در بابل فروخت[3].

MMA 79.7.28

بنابـر سـند (MMA 79.7.28) در سـال هفتـم از حکومـت کـوروش یکـی از بـردگان شـاهد بـر قسـم یادکـردن بـرای پرداخـت قـرض اسـت[4].

YOS 7 70

در متـن YOS 7 70 کـه متعلـق بـه سـال هشـتم پادشـاهی کـوروش[5] در بابـل اسـت چنیـن آمده اسـت: «بـردگان معبـد ایشـتار [در] اوروک کـه تـو و PN، ماموری بـا اختیارات فـراوان از سـوی گوبریـاس، در سـال ۸ [پادشـاهی] کـوروش، شـاه بابـل، شـاه سـرزمین‌ها،

---

۱. داندامایف، محمد، ۱۳۹۱، ایرانیان در بابل هخامنشی، ترجمه محمود جعفری دهقی، ص ۹۱.

۲. همان، ص ۹۳.

۳. همان، ص ۱۷۶.

4. Spar Ira, Von Dassow Eva, Lambert WilfreD G. 1988. Cuneiform Texts in the Metropolitan Museum of Art, Volume 3. P 162-163.

5. DanDamaev, M, Slavery in Babylonia: from Nebopolassar to AlexanDer the great (626- 331 B. C), P 496.

پس از بازرسی بنا به دستور گوبریاس، فرماندار بابلیه و آن روی رود، آن‌ها را به اینجا آوردید و تو آنها را به ما تحویل دادی – و سپس تو به نزد گوبریاس برگشتی - چه دستوری گوبریاس درباره آنها به تو داد؟ به ما بگو تا آن را انجام دهیم.

گیمیلو پاسخ داد:

"گوبریاس هیچ دستوری درباره آنها به من نداده است. کارگرانی که من اینجا آوردم و به شما نشان [=تحویل] دادم، تا زمانی که شما دستورهای تازه‌ای درباره آنها از گوبریاس دریافت نکرده‌اید در اِنّا کار خواهند کرد. در مورد کارگرانی که من از میان ایشان با ضمانت خود از زنجیر آزاد کردم، قانونا طبق فهرست [معبد] ایشتارِ اوروک مسئول آنها هستم و ضمانت می کنم که ناپدید نشوند»[1].

62NO

در کتیبه‌ای که در کتاب رنوف به شماره ۶۲ در سال ۵۳۱ قم سخن از بردگانی است به ارث گذاشته شده‌اند[2].

ده‌ها کتیبه دیگر

بر اساس کتیبه‌های (Cyr 15,29,37,60,227) ایتی مردوک بلاتو در ایران و احتمالاً ایلام برده‌هایی را خریده است[3]. در کتیبه (BM 113250) در سال ۵۳۲ سخن از فروش برده است[4]. در سند مربوط به سال ۵۳۲ در یک دعوای حقوقی سخن از

۱. استالپر، متیو و، ۱۳۹۲، "هیچ کس جز شما اطلاع دقیقی ندارد" مکاتبات میان بابل و اوروک در زمان اولین پادشاهی هخامنشی، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، در تاریخ هخامنشی، ج ۱۳، ص ۳۳۶.

2. Renouf, P. Le Page, 1886, Guide to the Nimroud central saloon, P 99-100.

3. DanDamaev, M, Slavery in Babylonia: from Nebopolassar to AlexanDer the great (626- 331 B. C), P 197.

4. https://www.ebl.lmu.De/fragmentarium/BM.30952.

بـردگان اسـت[۱]. در کتیبـه دیگـری سـخن از بـه ارث گذاشـتن بـرده اسـت[۲]. در سـند (Cyr 224) در سـال **۵۳۳** سـخن از بـرده اسـت[۳]. کتیبـه (YOS 7 20) نیـز دربـاره بـرده معبـد اسـت[۴]. در کتیبـه (YOS 7 86) در سـال **۵۳۱** سـخن از بـرده معبـد الهـه اوروک اسـت[۵]. در کتیبـه (YOS 7 91) سـخن از کنیـز اسـت[۶]. در کتیبـه (NR 124) نیـز سـخن از بـرده اسـت[۷]. در کتیبـه (Cyr 224) نیـز سـخن از یـک بـرده اسـت[۸]و نیـز کتیبـه (Cyr 287) [۹]، کتیبـه (Cyr 291) [۱۰]، کتیبـه (Cyr 309)[۱۱]، کتیبـه (Cyr 362) [۱۲] و کتیبـه (Cyr 375)[۱۳] و بسـیاری کتیبـه دیگـر.

ب) برده‌داری در زمان کوروش به روایت عهد عتیق

بنـا بـه نگاشـته‌های عهـد عتیـق کـوروش اجـازه داد یهودیانـی کـه از اورشـلیم بـه بابـل

1. Wunsch Cornelia, UrkunDen Zum Ehe, Vermögens UnD Erbrecht Aus VerschieDenen Neubabylonischen Archiven,p 178.
2. Sayce Rev. A.H. 1900, Babylonian and Assyrians Life and Customs, P 32-33.
3. Wunsch, C. (1993). Die UrkunDen Des babylonischen Geschäftsmannes IDDin-MarDuk, p 250.
4. DanDamaev, M, Slavery in Babylonia: from Nebopolassar to AlexanDer the great (626- 331 B. C), P 556.
5. IbiD, P 403.
6. IbiD, P 548.
7. Wunsch Cornelia, 2000, Das Egibi Archiv, vol 1, p 149-150.
8. DanDamaev, M, Slavery in Babylonia: from Nebopolassar to AlexanDer the great (626- 331 B. C), P 325-326.
9. IbiD, P 500.
10. IbiD, P 545.
11. IbiD, P 381.
12. IbiD, P 83 & 346 NOTE 364.
13. IbiD, P 313.

تبعید شده بودند به خانه خویش بازگردند. از میان تبعیدیان چهل و دو هزار و سیصد و شصت نفر[۱] به سوی اورشلیم رهسپار شدند؛ این تعداد «سوای بندگان و کنیزان ایشان که هفت هزار و سی و هفت بودند»[۲]. این بخش از کتاب مقدس شاهد بر این است که برده‌داری در میان یهودیان ساکن بابل جریان داشت و کوروش نیز اقدامی در الغای آن نکرد و اجازه داد یهودیان به به همراه بردگان خود به دیار خویش برگردند. البته توجه در این بند نکته دیگری را روشن می‌کند و آن این است که این یهودیان تبعیدی بودند و نه چیزی مانند برده چرا که با وجود آزادی برای بازگشت بسیاری از آنان همچنان ماندن به بابل را به رفتن ترجیح دادند و این یعنی شرایط یهودیان در بابل آنچنان هم سخت نبود.

نکته مهم دیگر این است که بازگشت تبعیدیان به مناطق خود با وجود اینکه از آن کوه ساخته‌اند اما کاری بسیار طبیعی بود. پادشاهان فاتح خدایان ممالک مغلوب را همراه خاندان سلطنتی به کشور خود می‌آوردند تا از شورش‌های احتمالی جلوگیری کنند. چنانچه بختنصر با یهودیان چنین کرد. در عوض پادشاه جدید با کنار زدن پادشاه سابق، تبعیدیان و خدایانشان را به موطن نخستینشان بازمی‌گرداند تا از حمایت آنان برخوردار شود و در یک کلام هر چند بازگشت یهود «واقعه‌ای بی‌برو برگرد مهم برای خود یهودیان، ولی عادی و معمولی که بسیاری از اقوام خاورمیانه طی سلطه آشوریان و کلدانیان آن را تجربه کرده بودند»[۳].

ج) برده‌داری در زمان کوروش به روایت تواریخ کهن

کوروش هم پیمانان خود را گرد آورد پندهای بسیاری بدانان داد وی در یکی از

---

۱. فاضل خان همدانی، ۱۳۸۸، کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید، ص ۸۸۷، کتاب عزرا، فصل ۲، بند ٦٤.

۲. همان، بند ٦٥. و نیز ص ۹۱٦، کتاب نحمیا، فصل ۷، بند ٦۷.

۳. بریان، پی‌یر، ۱۳۹۲، امپراتوری هخامنشی، ترجمه ناهید فروغان، ج ۱، ص ۷۳.

بخش‌ها چنین گوید: «ما اکنون صاحب بندگان بی‌شماری شده‌ایم»[۱]. به همین خاطر یکی از اهالی ماد که عاشق الحان موسیقی بود گفت: «ای کورش من نوای نوازندگانی که حال در اختیار و تملك تو هستند به گوش خود شنیده‌ام، بسیار دل‌کش و روح‌پرور است. اگر یکی از این زنان را به من کرامت کنی، اقامتم در اردوگاه به مراتب از خانه‌ام خوش‌تر خواهد شد.» کورش جواب داد: «بسیار خوب او را به تو بخشیدم»[۲].

کورش یکی از مادی‌ها را مأمور ساخت که از خیمه‌گاه و زنی که به وی اهدا نموده بودند مراقبت نماید.- این زن قبلاً به عقد آبراداتاس، از اهالی شوش، درآمده بود. این زن در میان خدمه خود بر زمین نشسته بود و لباسش به مانند لباس بندگان بود[۳]. بدو گفتند که او را نزد کوروش می‌برند. وی به همراه دیگر بندگان شروع به گریه و زاری کرد. وصف زیبایی او را برای کوروش گفتند اما کوروش از ترس دل باختن بدو او را نپذیرفت[۴] و دستور داد از او نگهداری شود شاید بعدها مفید واقع شود[۵].

به گفته گزنفون کوروش «به پارسیان و جمله کسانی که صاحب حقوق و امتیازاتی بودند و هم‌چنین به متحدینی که در خدمتش باقی می‌ماندند اجازه داد اسیران را در اختیار خود گیرند»[۶].

با این حال گزنفون گوید کوروش در اکثر اوقات اسیران را آزاد می‌کرد[۷] زیرا از طرفی از زحمت غذا دادن بدانان آسوده می‌شد و از طرف دیگر دشمنی‌ها را

---

۱. گزنفون، ۱۳۸٦، کوروش نامه، ترجمه رضا مشایخی، ص ۲۲۲-۲۲۳.

۲. همان، ص ۱۲۷.

۳. همان، ص ۱۲۷.

٤. همان، ص ۱۲۸.

۵. همان، ص ۱۳۰.

٦. همان، ص ۲۱٦.

۷. همان، ص ۱۷.

کاهش می‌داد[۱]. البته بردگان آخرین دسته از سربازان کوروش را تشکیل می‌دادند که فلاخن‌انداز بودند و کوروش هر یک از سربازان را که در کارهای خود کوتاهی می‌کردند را به این گروه انتقال می‌داد[۲].

چون شمار جنگهای کوروش بالا بود در نتیجه شمار اسرا نیز بالا بود. در این میان زنان زیبارویی که اسیر می‌شدند به بزرگان و صاحب‌منصبان تقدیم می‌شدند. برای نمونه وقتی کوروش دستور داد که سهم کواکسار را از غنائم جدا کرده و برای او بفرستند، مادی‌ها با خنده گفتند: «باید حصه‌ی او را از زنان زیبا بفرستیم کوروش گفت حرفی ندارم زنان قشنگ یا هر چیز دیگری که خود دانید»[۳]. مادی‌ها نیز دو دختر آوازخوان برای کواکسار فرستادند[۴]. در میان سهمِ خود کوروش نیز دوشیزگان آوازخوانی بودند که یکی از آنان را کوروش به همراهان خود داد[۵]. کوروش پیش از رفتن نزد کواکسار دستور داد «زنانی را که با دو دختر خواننده خاصه او تعیین کرده بودند حاضر کنند»[۶].

البته اگر دشمنان سرسختی می‌کردند کوروش هم به فکر به بند کردن آنان می‌افتاد. کوروش در راه بازگشت به پارس متوجه شد اهالی سارد غنایم را برداشته و شهر را در اختیار گرفته‌اند، خطاب به کرزوس چنین گفت: «شاید بهتر آن باشد که همگی را به بردگی بفروشم»[۷].

کرزوس که این سخنان را از کوروش شنید کوروش را متقاعد کرد که مردم لودیه را به بردگی نکشاند. کوروش هم رضایت داد اما سردار خود را خواند و بدو

۱. همان، ص ۱۱۳.
۲. گزنفون، ۱۳۵۰، سیرت کوروش کبیر، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، ص ۲۵۲.
۳. همان، ص ۱٤۷.
٤. همان، ص ۱۵۲.
۵. همان، ص ۱۵۳.
٦. همان، ص ۱۹۱.
۷. هرودوت، ۱۳۸۹، تاریخ هرودوت، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، ج۱، ص ۱۷۳، کتاب یکم، بند ۱۵۵.

گفت: » تمام کسانی را که در شورش سارد دست داشته‌اند بازداشت کنند و به بردگی بفروشد»[1].

مازراس با تمام توان پس از دستگیر کردن پاکتی‌یس یعنی سرکرده‌ی شورشیان «بر ضد تمام کسانی که علیه تابالوس به پاکتی‌یس کمک کرده بودند دست به کار شد. همه ساکنان پری‌ین را دستگیر کرد و به بردگی فروخت»[2]. فرولاس یکی از متحدین کوروش بود که میهمانان قصرش از کثرت خدام و بردگان غرق حیرت می‌شدند[3].

گزنفون درباره اصلاحات کوروش در مورد بردگان گوید: «از بهر بردگی و خدمت‌گزاری، دیگر مردمان را با جداگانه آموزش‌ها خوی می‌داد. هیچ‌یک از آنان را گران کارهای گردن‌فرازان نمی‌فرمود، و بار نمی‌دادشان که حتا نبردافزار برگیرند، اما پیوسته می‌کوشید که ایشان هرگز در کاستی خوراک و نوشاک خویش نباشند ... آماج وی آن بود که بردگان همه او را چون آزادمردان پدر خویش بنامند، زیرا که وی روزی‌شان می‌رساند و تیمارشان می‌داشت، آماج این تیمار آن بود که ایشان را همیشه برده بدارد»[4].

از جمله نکات منفی در تاریخ کوروش باقی ماندن رسم اخته کردن بردگان است. گزنفون گوید کوروش محافظین خود را از میان خواجگان برگزیده بود. چرا که بر این باور بود «که نمی‌توان به مردی که در دنیا به چیز دیگری علاقه‌مند است اعتماد و اطمینان مطلق داشت، به انتخاب خواجگان برای حراست شخص خویش مبادرت ورزید. در واقع مردانی که صاحب زن و فرزندند و به زندگانی داخلی خویش علاقه دارند، قهرا متعلقان خود را بر دیگران ترجیح می‌دهند و حال آن‌که خواجگان، چون از نعمت و برکت محبت و علاقه خانوادگی محروم هستند، نسبت به

۱. همان، ص ۱۷٤، بند ۱٥٦.

۲. همان، ص ۱۷٦، بند ۱٦۱.

۳. گزنفون، ۱۳۸٦، کوروش نامه، ترجمه رضا مشایخی، ص ۲٤٦.

٤. گزنفون، ۱۳۹٤، زندگی کوروش، ترجمه ابوالحسن تهامی، ص ۳۱٦-۳۱۷.

کسانی که آنان را صاحب ثروت و شخصیت می کنند وفادار می‌مانند خصوصاً وقتی که برگزیده شاهان و مورد محبت و مهر بزرگان قرار گیرند. خواجگان چون معمولاً از جانب عامه مردم مورد تحقیر قرار می گیرند، اگر بزرگی از آنان حمایت کند، از دل و جان فرمان‌بردار وفادار او می‌شوند. خواجه‌ای که از طرف مولایش حمایت شود ممکن است صاحب جاه و مال شود و بدین‌دلایل چنان‌چه نیکی ببیند از جان و دل مطیع مولای خود می‌شود و در همه حال وفادار می‌ماند»[۱].

پس از کوروش نیز اخته کردن مردان و پسران ادامه یافت و اهدای پسران اخته به دربار هخامنشی جزو مالیات برخی از ملل شد. برای نمونه بابلی‌ها موظف بودند سالیانه پانصد جوان اخته را به دربار داریوش تقدیم کنند[۲]. که گویا در پیش از رسیدن به دربار هخامنشی اخته می‌شدند و در شمار خراج اتیوپیایی‌های همسایه مصر نیز پنج پسر و کلخیس‌ها و همسایگانشان نیز یکصد پسر قید شده است[۳]. همچنین آورده‌اند که سپاهیان داریوش مردم ایونی را ترساندند که اگر تسلیم نشوند همه آنان را به بردگی گرفته و پسرانشان را اخته و دخترانشان را به بلخ تبعید خواهند کرد[۴]. سرداران پارسی تهدید خود را فراموش نکردند و پس از فتح هر شهر زیباترین پسران را اخته و تبدیل به خواجه کرده و زیباترین دختران را به نزد شاه فرستادند[۵]. در بازارهای سارد و افسوس برده‌های اخته را برای فروش عرضه می کردند و قیمتشان نسبت به بردگان سالم بالاتر بود چون بردگان قابل اعتمادی از آب درمی‌آمدند و از قضا یکی از همین بردگان از مقربان درگاه خشایارشا شد[۶].

از دیگر رسمهای نادرستی که در دوره کوروش هم ادامه یافت، برده ساختن

۱. گزنفون، ۱۳۸۶، کوروش نامه، ترجمه رضا مشایخی، ص ۲۱۹.

۲. هرودوت، ۱۳۸۹، تاریخ هرودوت، ترجمه مرتضی ثاقب فر، ج ۱، ص ۴۰۰، کتاب سوم بند ۹۲.

۳. همان، ص ۴۰۲، کتاب سوم بند ۹۷.

۴. همان، ج ۲، ص ۶۸۰، کتاب ششم بند ۹.

۵. همان، ج ۲، ص ۶۸۹، کتاب ششم بند ۳۲.

۶. همان، ج ۲، ص ۹۳۶، کتاب هشتم، بند ۱۰۴-۱۰۵.

دخترانی بود که بدون اجازه پدر قصد ازدواج داشتند بنابر دو کتیبه (Cyr ۳۰۷, ۳۱۲) در زمان کوروش دخترانی که می‌خواستند بدون اجازه پدر خود با مردی ازدواج کنند دادگاه آنان را محکوم به بردگی کرد[1].

و از آن زشت‌تر اجاره کنیزان به فحشاخانه‌ها بود. در کتیبه‌های به جا مانده از آخرین پادشاهان بابلی مثل نبوکدنصر و نبونید نیز مالکان کنیزان خود را به مسافران اجاره می‌دهند[2]. در دوره هخامنشی نیز نشانه‌هایی از این رسم وجود دارد. برای نمونه در دوره نوبابلی همانند گذشته زنان آزاد به فحشا مشغول بودند[3]. جدای از زنان و دخترانی که پس از فتح بابل از سر فقر به خودفروشی و فحشا تن دادند[4].

به عنوان نکته پایانی باید گفت که بر اساس مستندات بسیار برده‌داری در زمان کمبوجیه و شاهان بعدی هخامنشی نیز جریان داشت و این نیز دلیلی دیگر بر عدم الغای برده‌داری به دست کوروش است وگرنه خیلی بعید است که به این زودی شاهان هخامنشی به مخالفت با حکم کوروش برخیزند. حال بگذریم که افسانه لغو برده‌داری به فرض اجرا، جدای از ایجاد مشکلات اقتصادی و مخالفتهای مالکان، موجب بحرانی بزرگ (یعنی از دست دادن سرپناه و پشتوانه مالی) برای بردگانی می‌شدکه تحت سرپرستی اربابان زندگی می کردند.

برده‌داری در زمان کوروش به روایت تاریخ‌پژوهان

وجود بردگان در دوره هخامنشی از مسلمات تاریخی است و با وجود کتیبه‌ها بی‌شمار حتی اگر کسی منکر وجود آنان شود جز بی‌آبرویی برای خود چیزی

1. DanDamaev, M, Slavery in Babylonia: from Nebopolassar to AlexanDer the great (626- 331 B. C), P 105.

2. Mendelsohn, Isaac(1949) Slavery in the Ancient Near East, p 54.

3. DanDamaev, M, Slavery in Babylonia: from Nebopolassar to AlexanDer the great (626- 331 B. C), P 132.

٤. هرودوت، ۱۳۸۹، تاریخ هرودوت، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، ج ۱، ص ۱۹۵، کتاب اول، بند ۱۹٦.

بدست نخواهد آورد. شروین وکیلی چون می‌داند با این همه کتیبه درباره بردگان در زمان هخامنشی مواجه هستیم، می‌گوید هخامنشیان روندی را طراحی کردند که منجر به کم شدن تعداد بردگان شد. وی چنین گوید: «از بابل، که مدارک باستانی آن به نسبت خوب خوانده شده، اسنادی در دست داریم که نشان می‌دهد هخامنشیان یک سیاست متمرکز و مؤثر کنترل بر برده‌داری را به کار می‌بسته‌اند. فروش بردگان می‌بایست در اداره‌ی مالیات سلطنتی ثبت شود و خرید و فروش انسان مشمول مالیاتی چشمگیر بوده است. هخامنشیان در بابل نهادی ویژه برای نظارت بر شرایط بردگان تأسیس کردند که «کارامارو» نام داشت و با عبارت «بیت میسکو شه شری» (خانه‌ی بردگان زیر نظر شاه) توصیف شده است. این نهاد در دوران داریوش یکم تأسیس شد اما به احتمال زیاد سابقه‌اش به دوران کمبوجیه و کوروش باز می‌گردد، چون در لوح کوروش به آزاد کردن تبعیدیان و دادگری در مورد بردگان اشاره شده است و احتمالاً منظور اشاره به سیاستی رهایی‌بخش در مورد ایشان بوده است. در همین راستاست که می‌بینیم، بر خلاف متن‌های یونانی، کلیدواژه‌ی برده تقریباً در منابع رسمی عصر هخامنشی وجود ندارد. در سی هزار لوح بازمانده از تخت‌جمشید کلمه‌های مترادف با برده بسیار به ندرت به کار برده شده است و بخش عمده‌ی متن‌ها به کارگران مرد بگیر و گماشته‌گان دیوان‌سالاری دولتی تعلق دارند. به همین ترتیب، می‌بینیم که در مصر رسم باستانی و جاافتاده‌ی گسیل اسیران جنگی به معابد و استفاده از ایشان به عنوان برده به تدریج منسوخ می‌شود و در سرزمین‌هایی مانند بابل، که داده‌های کافی از آن باقی مانده، می‌دانیم که بهای برده به تدریج افزایش می‌یابد، در حالی که قیمت کالاهای اساسی تقریباً در سراسر دوران هخامنشی ثابت است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که دولت هخامنشی در امتداد ارزش‌های اخلاقی‌ای که در میان طبقه‌ی حاکم آن رایج بوده، در راستای محدود کردن و زیر نظارت درآوردن نهاد بردگی پیش می‌رفته است و در این زمینه به دستاوردهایی ملموس و چشمگیر دست یافته بود»[۱].

۱. وکیلی، شروین، ۱۳۹۰، داریوش دادگر، ص ۷۱۸-۷۱۹.

و امـا در نقـد ایـن نوشـته بایـد گفـت نخسـت اینکـه جنـاب وکیلـی هـم وجـود بـردگان را در دوره هخامنشـی تأییـد کردنـد. دربـاره اسـتوانه و دلالـت آن سـخن گفتـه شـد و نیـازی بـه تکـرار آن نیسـت امـا دربـاره ایـن ادعـا کـه افزایـش قیمـت بـرده بـا وجـود ثابـت بـودن قیمـت سـایر کالاهـا، موجـب محدودیـت شـمار بـردگان شـد، سـخنی اثبـات شـده نیسـت چـرا کـه داندامایـف در نقطـه مقابـل چنیـن گویـد: «پـس از روی کار آمـدن حکومـت هخامنشـی قیمـت بـردگان تا یـک و نیـم برابـر افزایـش داشـت. احتمـالاً ایـن افزایـش قیمتها اگـر چـه در همـه حوزه‌هـای اقتصـادی رخ داد امـا تـا حـدی بـه خاطـر فرسـتادن بـردگان بـه امـلاک سـلطنتی اسـت کـه باعـث کاهـش عرضـه بـه بـازار و در نتیجـه تـورم قیمت بـود»[1]. پـس اینگونـه نبـود کـه تنهـا قیمـت بـرده بـالا رود بـرای نمونـه قیمـت بسـیاری از اجنـاس در بابـل دو سـه برابـر پیـش از فتـح بابـل بـود بـرای نمونـه قیمـت جـو از ۱/۵ مـارک بـه ۳/۷۵ تـا ۶/۳۰ مـارک د زمـان کمبوجیـه رسـید. یـک گوسـفند از ۳/۸ تـا ۷/۷۵ بـه ۱۲/۵۰ تـا ۱۳ مـارک رسـید. قیمـت گاو از ۱۸ مـارک بـه ۲۳/۴۰ تـا ۳۶ مـارک رسـید[2].

از سـوی دیگـر کتیبه‌هـای خریـد و فـروش بـردگان از دوره داریـوش بسـیار بیشـتر از دوره کـوروش و کمبوجیـه اسـت و ایـن یعنـی شـمار بـردگان بیـش از دوران قبل بـود و هیچ کاهشـی رخ نـداده اسـت. جـدای از اینکـه تعـداد بـردگان در دوره هخامنشـی بسـیار زیـاد بـود. بابلی‌هـای ثروتمنـد هـر کـدام ده‌هـا و برخـی بیـش از صـد بـرده داشـتند. بـرای نمونه، ایتـی مـردوک بلاطـو بیـش از صـد بـرده پـس از خـود بـرای وارثـان بـه جـای گذاشـت[3]. تحـت حکومـت هخامنشـیان، بسـیاری از ایرانیـان (در رأس آنـان اشـراف پارسـی) بـه عنـوان صاحبـان عمـده بـرده ظاهـر می‌شـوند: اَرتَبَـرَّ، اَرتَـرَم، اَرتَبَشَـر، بَگَسَـرو، اِپِرَدَتـو، مَنوشـتونو،

1. DanDamaev, M, Slavery in Babylonia: from Nebopolassar to AlexanDer the great (626- 331 B. C), p 204.

۲. هینتس، والتر، ۱۳۹٦، داریوش و ایرانیان، ترجمه پرویز رجبی، ص ۳٤٤-۳٤٥.

3. DanDamaev, M, Slavery in Babylonia: from Nebopolassar to AlexanDer the great (626- 331 B. C), p 215.

اوشتانو و دیگران از بزرگترین برده‌داران پارسی هستند[1].

و اما درباره سی هزار گلنبشته تخت جمشید باید گفت که تنها چندهزار از این لوح‌ها خوانده شده و حکم کلی نباید درباره آن کرد. دیگر آنکه با وجود تبلیغات بسیار بر این الواح اما بر اساس الواح ترجمه شده یک درصد از جمعیت کارگران برده بودند و جیره غذایی آنان ۴۴۰ گرم نان بخور و نمیر بود[2]. در مقابل هزاران کارگر نیمه‌آزاد وجود دارند که تنها یک سوم بیشتر از بردگان جیره دارند[3]. در نتیجه به روشنی «پیداست که زندگی یک کارگر ساده در ایران باستان یک زندگی پررنج و نیاز بوده است»[4]. و اما زنان کارگر نیمه‌آزاد که هزاران نفر از آنان در خدمت دربار بودند و کارهای سنگینی انجام می‌دادند و در مقابل جیره‌ای همانند جیره بردگان دریافت می‌کردند. و به گفته هینتس «قطعاً کسی غبطه موقعیت این‌ها را نخواهد خورد»[5].

پی‌یر بریان گوید: «چندین لوح بابلی دوران کمبوجیه و بردیا از توسعه‌ی فعالیتهای تجاری در متّزیش خبر می‌دهند. در شش لوح به خرید برده و در سه لوح به قراردادهایی که نمایندگان تجارت‌خانه‌ی بابلی اگی‌بی در این شهر منعقد کرده‌اند اشاره شده است.... بسیاری از برده‌ها و مالکانشان نام‌های ایرانی دارند: اگر نام‌های داده شده به بردگان نام اصلی‌شان باشد، نشانه آن است که پارسیانی که خاستگاه اجتماعی پستی داشتند به وضعیت بردگی فرو کاسته شده‌اند؛ اما چنانچه این نام‌ها را مالکان پارسی بر آنان نهاده باشند، ناگزیر این نتیجه حاصل

1. DanDamaev, M, Slavery in Babylonia: from Nebopolassar to AlexanDer the great (626- 331 B. C), p 111.

۲. هینتس، والتر، ۱۳۹٦، داریوش و ایرانیان، ترجمه پرویز رجبی، ص ۳۵۱.

۳. همان.

٤. همان، ص ۳٤۸.

٥. همان، ص ۳٥۲.

می‌شود که زندانیان جنگی از زمان کوروش و کمبوجیه به پارس تبعید می‌شدند»[۱].

لغو بیگاری

چنانچه گذشت در ترجمه‌های استوانه کوروش چنین آمده است: «ایشان را از بیگاری (؟) برهانیدم»[۲]. ادعایی که چند تن از شاهان پیش از او نیز برای موجه جلوه دادن فتوحات خود داشتند[۳]. ادعای آزاد ساختن مردم از یوغ بندگی و مانند آن در کتیبه‌های بسیاری پیش از کوروش تکرار شده است و در اینجا نیز استوانه کوروش از نمونه‌های پیشین پیروی کرده است. برای نمونه در کتیبه سارگون چنین آمده است: بازسازی شهرهای سیپار، نیپور، بابل و بورسیپا را بر عهده گرفتم. خساراتِ تمامی وابستگانشان (رعایا، تحت‌الحمایه‌ها) را جبران کردم و به بردگی‌شان پایان دادم»[۴]. اسرحدون نیز چنین گوید: «پسران بابِل که به بندگی کشانده شده و زیر یوغ و زنجیر تقسیم شده بودند را گرد آوردم و دوباره ایشان را بابِلی به شمار آوردم»[۵].

به هر حال بر اساس این ترجمه برخی از نویسندگان گمان کرده‌اند که کوروش با نظام بیگاری مخالفت کرده است برای نمونه هیراد ابطحی می‌گوید شاید معلوم نباشد که کوروش تا چه اندازه برده‌داری را محدود کرد اما قطعاً بیگاری را لغو کرد[۶].

---

۱. بریان، پی‌یر، ۱۳۹۲، امپراتوری هخامنشی، ترجمه ناهید فروغان، ج ۱، ص ۱۳۵-۱۳۶.

۲. ارفعی، عبدالمجید، ۱۳۸۹، فرمان کوروش بزرگ، ص ۴۹، بند ۲۵-۲۶.

۳. اشپک، فان‌در، ۱۳۹۷، کوروش بزرگ، تبعیدیان و ایزدان بیگانه، ترجمه جواد لطفی نوذری، ص ۱۲۹-۱۳۰.

4. Luckenbill, D. D. (1927). Ancient recorDs of Assyria anD Babylonia, Volume 2: p 25.

5. IbiD, p 244.

6. Abtahi Hirad, 2006,Reflections on the Ambiguous Universality of Human Rights: Cyr us the Great's Proclamation as a Challenge to the Athenian Democracy's Perceived Monopoly on Human Rights, P 15.

در حالی که با مراجعه به منابع تاریخی باز هم می‌بینیم ادعای کوروش با واقعیت همخوانی ندارد و نظام بیگاری که پیش از او در بابل وجود داشت همچنان در حکومت او پایدار ماند. چرا که او هیچ چیزی را در ساختار نظام اجتماعی تغییر نداد[1]. این نظام را بابلیان «خدمت اوراشو» یا بیگاری می‌خواندند[2]. همچنین «تعدادی از اسناد بابلی نشان می‌دهند که در دوره فرمانروایی کوروش و کمبوجیه معبد ابابره در سیپر و معبد ائانا در اوروک به دستور ادارات دولتی موظف و ملزم به ارسال کارگران خود برای احداث پردیس‌های سلطنتی در نزدیکی سیپر و اوروک شده بودند (CT ۲۲ ۱۹۸, Cyr ۲۱۲, Yos ۳ ۱۳۳)»[3].

نوع دیگری از بیگاری که در زمان کوروش هم وجود داشت این بود که بنابر اسناد مردی که نمی‌توانست بدهی خود را پس دهد به دستور دادگاه مجبور می‌شد زن و دختر خود را به عنوان گروگان به طلبکار بدهد تا در این مدت برای او خدمت کنند. در سند (Cyr ۲۵۳) مردی زن و دختر خود را[4] و در سند (Cyr ۲۱۷) مردی دو دختر خود را به گرو نهاده است[5]. نیازی به گفتن نیست که چه آینده‌ای در صورت عدم پرداخت قرض برای آنان رقم می‌خورد.

درباره بیگاری بابلی‌ها در در زمان کوروش چنین می‌گویند «ابتدایی‌ترین شکل مالیات‌گیری-بیگار- بازماند، بویژه برای نگاهداری کانال‌ها... نام آنهایی که به بیگار به کار گرفته می‌شدند و آنها که می‌مردند یا می‌گریختند، و همچنین جو و خرمایی که برای خوراک فراهم می‌گشت با دقت ثبت می‌شد... بسیاری از کارها را خود پرستشگاه بدست بردگان و وابستگان خود انجام می‌داد»[6].

---

۱. داندامایف، محمد، ۱۳۸۹، تاریخ سیاسی هخامنشی، ترجمه فرید جواهر کلام، ص ۷٤.

۲. بریان، پی‌یر، ۱۳۹۲، امپراتوری هخامنشی، ترجمه ناهید فروغان، ج ۱، ص ۱۱۳-۱۱۵.

۳. داندامایف، محمد، ۱۳۹۱، ایرانیان در بابل هخامنشی، ترجمه محمود جعفری دهقی، ص ۳۱.

4. https://www.ebl.lmu.De/library/BM.30903.

5. https://nabucco.acDh.oeaw.ac.at/archiv/tablet/Detail/1954.

٦. اومستد، ا.ت، ۱۳۸۰، تاریخ شاهنشاهی هخامنشی، ترجمه محمد مقدم، ص ۱۰٤.

چندین سند از دوره کوروش (برای نمونه BM۶۰۴۵۳، BM۷۵۱۶۱، BM۷۵۵۵۹، BM۸۳۳۸۸) به زندگی فلاکت‌بار و پر از رنج کارگرانی اشاره دارد که برای معابد بیگاری می‌کردند. زندگی‌ای که از کودکی تا پیری ادامه داشت و افراد از آن فرار می‌کردند حتی با وجود نداشتن جایگاهی برای رفتن. آن‌ها که فرار می‌کردند مطمئن بودند شکار خواهند شد، در هر شهری که می‌رسیدند به عنوان غریبه شناخته می‌شدند و با نشان شَمَش که بر مچ دستشان داغ شده بود، لو می‌رفتند. برخی به شهرهای دیگر، از جمله رُوساپو در شمال دور، می‌رسیدند، اما در همه موارد انتظار می‌رفت که دستگیر و بازگردانده شوند. زنده یا مرده[1]. بردگان فراری چون به دام می‌افتادند زنجیر می‌شدند[2].

در نامه‌ای که در آخرین سال سلطنت کوروش نوشته شده است وضعیت چنان آشفته است که بردگان یا مرده یا فراری شده‌اند. در این نامه چنین آمده است: PN نیروی کار من را بازدید و بررسی کرد. وقتی من گزارش بازرسی را به او نشان دادم، او بیش از ۱۲۱ کارگر فعال در آن ندید؛ بقیه [در گزراش] مرده، فراری، یا بیرون برده شده ذکر شده‌اند»[3]. بنابر لوح Cyr ۲۹۲ در معبد سیپار نیز ۱۱ کارگر مرده یا مفقود هستند[4]. این وضعیت مردم بیچاره بابل زیر بار بیگاری برای معابد است بعد ما باد به غبغب می‌اندازیم که کوروش در منشور حقوق بشر می‌گوید من بیگاری را برانداختم! چند سال بعد وضعیت آنقدر بغرنج می‌شود که کارگران از نبود جیره غذایی جان می‌دهند برای نمونه بنابر لوح MM۵۰۴ پنجاه نفر از کارگران بر اثر نبود

1. MacGinnis, John, (2003). A CoRvée Gang fRom the Time of CyR us, p 114.
2. Dougherty, RaymonD Philip. (1923)The Shirkotu of Babylonian Deities, p 16, 48, 64, 67.

۳. استالپر، متیو و، ۱۳۹۲، "هیچ کس جز شما اطلاع دقیقی ندارد" مکاتبات میان بابل و اوروک در زمان اولین پادشاهی هخامنشی، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، در تاریخ هخامنشیان، ج ۱۳، ص ۳۳۸.
٤. همان، ص ۳۳۹، پاورقی ۱۰.

جیره غذایی مرده‌اند[1].

بنابر لوح YOS ۳ ۱۰۶ سرکارگری پس از چند بار نامه‌نگاری[2] زبان به شکایت باز می‌کند که «چرا باید من و مردانم به خاطر یک حساب‌سازی متقلبانه بمیریم یا ناپدید شویم؟ به فهرستهای نبوکدنصر، نریگلسر و نبونید بنگر (و طبق آنها آذوقه بفرست)» [3]. در لوح YOS ۳ ۴۵ نیز از سخن از فهرست زمان نبوکدنصر و نبونید است[4]. در لوح YOS ۳ ۸۱ نیز چنین است[5]. سرکارگران مرتب به مسئولان ارشد خود می‌گویند شما حداقل باید جیره زمان نبونید را به ما بدهید. و این یعنی هخامنشیان با ادعای ستمکاری نبونید حکومت بابل را برانداختند اما چند سال بعد سرکارگران بابلی در آرزوی جیره غذایی همان ستمکار هستند؟ و جالب‌تر آنکه بنابر لوح YOS ۳ ۴۵ سرکارگری به روسای معبد می‌گوید پس از بیست سال خدمت به اندازه فلان برده هم ارزش ندارم و خانه‌ام در حال ویرانی و خانواده‌ام در بازداشت هستند[6].

و در پایان باید گفت: «وضعیتی که در این اسناد به آن اشاره دارند همیشگی بود. پدر زمان پادشاهی کوروش و کمبوجیه، مقامات معبد مسئول حدود صدها مرد در آن زمان شکوه داشتند که واحدهایشان گرفتار کمبود نفرات است و آذوقه کافی هم به آنان نمی‌رسد»[7].

بازگردانی تبعیدیان

درباره بازگشت تبعیدیان نیز بسیار اغراق شده است. برخی از دانشمندان همانند

۱. همان، ص ۳۴۳.
۲. همان، ص ۳۵٦.
۳. همان، ص ۳٤۷.
٤. همان، ص ۳۵۳.
۵. همان، ص ۳۵۵.
٦. همان، ص ۳۵۸.
۷. همان، ص ۳٤۸.

یولیوس ولهاوزن، ویلم اچ کوسترز، موریس ورنز، چارلز سی. توری، گوستاو هولشر، رابرت فایفر، ویلیام او. ای. استرلی و کورت گالینگ[۱] دیانا ادلمن[۲]، آملی کورت[۳] و پی‌یر بریان[۴] در صحت فرمان بازگردانی یهودیان تردید کرده‌اند. چنانچه گفته شد شرایط یهود آنچنان که می‌گویند در بابل دشوار نبود[۵] و کوروش نیز کار جدیدی انجام نداد. پس از فرمان آزادی یهودیان ثروتمند در بابل ماندند و تنها گروهی از یهودیان تهیدست به فلسطین رهسپار شدند[۶]. البته همین گروه نیز چندان تهیدست نبودند و نزدیک هفت هزار برده داشتند. پیش از کوروش نیز دیگر پادشاهان درباره تبعیدیان چنین کاری کرده بودند برای نمونه «درباره اداد-نیراری سوم می‌دانیم که: "او مردمان ربوده شده را بازگرداند و برایشان مقرری تعیین کرد؛ سهمی جاری و جیره‌ی جو". هنگامی که سارگون دوم دور-یاکین را تصرف کرد، اهالی سیپار، نیپور، بابل و بورسیپا را که توسط مردوخ -بالادان زندانی شده بودند، آزاد کرد. اسرهادون به بابلیانی که در طول حکومت سناخریب، فروخته، تبعید یا مجبور به فرار شده بودند، اجازه‌ی بازگشت داد و امتیازات شهرشان را از نو برقرار ساخت»[۷].

از سوی دیگر گفته شده است بازگردانی تبعیدیان حرکتی سیاسی[۸] و به سود

---

۱. یامااوچی، ادوین ام، ۱۳۹۰، ایران و ادیان باستانی، ترجمه منوچهر پزشک، ص ۸۵.

2. Van Der spsk, Cyr us the Great, Exiles, anD Foreign GoDs: A Comparison of Assyrian anD Persian Policies on Subject Nations, p 5.

۳. کورت، آملی، ۱۳۹۵، کوروش کبیر پارسی: تصورها و واقعیت‌ها، ترجمه نیما جلالی، ص ۱۰۷.

٤. بریان، پی‌یر، ۱۳۹۲، امپراتوری هخامنشی، ترجمه ناهید فروغان، ج ۱، ص ۷۱.

۵. شاندور، آلبرت، ۱۳۳۵، کوروش کبیر، ترجمه هادی هدایتی، ۱۷۳.

٦. شاپور شهبازی. ع، ۱۳٤۹، کوروش بزرگ، ص ۳۱۵.

۷. اشپک، فان‌در، ۱۳۹۷، کوروش بزرگ، تبعیدیان و ایزدان بیگانه، ترجمه جواد لطفی نوذری، ص ۱۳٤.

۸. محمودآبادی، سید اصغر، ۱۳۷۸، تاریخ فرهنگ و سیاست در ایران باستان (دفتر پارینه)، ص ۳٤.

کوروش بود[۱] و می‌توانست از آن به عنوان پایگاهی برای حمله به مصر استفاده کند[۲].

از سوی دیگر وقتی در زمان کوروش برده‌داری رواج داشت چنانچه گفته‌اند این فرمان «به معنای عفو عمومی برای تبعیدیان نیست»[۳]. چرا که «خود کوروش احتمالاً مردم سارد، پایتخت لیدیه را تبعید کرد. از بایگانی موراشو می‌دانیم که در نیپور، اجتماعی از لیدیان (ساردیان) وجود داشت. و این تبعید، احتمالاً پس از شورش لیدیایی پاکتیس، حاکم کوروش در سارد صورت پذیرفت»[۴]. هرودوت نیز گوید کوروش مامورانی در سارد گمارد که وظیفه آنان «انتقال طلاهای کرزوس و سایر لودیایی‌ها به ایران» بود[۵]. در نتیجه با وجود بزرگنمایی که درباره بازگشت تبعیدیان وجود دارد اما «سرنوشت مردمان دیگر در زیر حکومت کوروش به این خوبی نبوده است. شهروندان اوپیس به طور گسترده قتل عام شدند و پس از سقوط لیدیه، جمعیت شهر به نیپور در بابل منتقل شدند»[۶]. به هر حال وقتی همچنان برده‌داری وجود دارد و خود کوروش دستور فروش سران شورشی سارد را می‌دهد و حتی خود یهودیان تبعیدی هفت هزار برده به همراه دارند که آنان را همانند تبعیدی‌ها به دنبال خود می‌کشند، بازگردانی تبعیدی‌ها این همه بزرگنمایی ندارد. البته چون این واقعه مربوط به تاریخ یهودیان است، هیاهو درباره آن هم قابل درک است.

---

۱. داندامایف، محمد، ۱۳۸۹، تاریخ سیاسی هخامنشی، ترجمه فرید جواهر کلام، ص ۱۳۵-۱۳۶.

۲. دیاکونوف، م. م.، ۱۳۸۰، تاریخ ایران باستان، ترجمه روحی ارباب، ص ۸۱.

۳. اشپک، فان‌در، ۱۳۹۷، کوروش بزرگ، تبعیدیان و ایزدان بیگانه، ترجمه جواد لطفی نوذری، ص ۱۳۳.

۴. همان، ص ۱۳۵.

۵. هرودوت، ۱۳۸۹، تاریخ هرودوت، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، ج۱، ص ۱۷۳، بند ۱۵۳.

۶. جونز، لوید لولین، ۱۴۰۱، شاهنشاهی هخامنشی، ترجمه سارا مشایخ، ص ۸۹-۹۰.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با بررسی خاستگاه، گسترش و تداوم افسانه‌ی لغو برده‌داری به‌دست کوروش بزرگ نشان داد که این روایت نه حاصل داده‌های تاریخی، بلکه برآمده از ترجمه‌ای دروغین و سپس ترجمه‌ای اشتباه از استوانه‌ی کوروش است. این دو ترجمه‌ی نادرست، که ابتدا در نیمه‌ی قرن بیستم در فضای فرهنگی ایران شکل گرفتند، به‌سرعت در رسانه‌ها، آثار آموزشی، و حتی پژوهش‌های دانشگاهی نفوذ یافتند و در پی بازنشر گسترده در مطبوعات، کتاب‌های عمومی و فضای مجازی، به حقیقتی پذیرفته‌شده در ذهن جامعه تبدیل شدند.

در بخش‌های آغازین روشن شد که انگیزه‌های گوناگونی در پس این تحریف قرار داشت: از افتخار به گذشته تاریخی تا بهره‌گیری سیاسی در دوران پهلوی برای همسوسازی هویت ملی با ارزش‌های غربی، و سپس استفاده از همین افسانه در دوره‌های بعد برای تقابل با غرب. هر گروه، بسته به شرایط تاریخی و سیاسی زمانه، این گزاره نادرست را در خدمت ایدئولوژی خود به کار گرفت.

در بخش‌های میانی پژوهش، با واکاوی مسیر انتشار ترجمه‌های جعلی و اشتباه، مشخص شد که ترجمه دروغین منشور کوروش ابتدا در قالب متنی شبه‌علمی با هدف تطبیق تاریخ ایران با اعلامیه جهانی حقوق بشر تدوین شد و سپس با

بازنشـر در رسـانه‌ها و کتاب‌هـای عامه‌پسـند، وجهـه‌ای جهانـی یافـت. در ایـن رونـد، نقـش هنرمنـدان، نویسـندگان و فعـالان فرهنگـی چشـمگیر بـود؛ آنـان بـا انگیزه‌هـای میهن‌دوسـتانه و گاه تبلیغاتـی، تصویـری آرمان‌گرایانـه از کـوروش بـه عنـوان نخسـتین منـادی آزادی و برابـری انسـان‌ها ترسـیم کردنـد.

بخش‌هـای نهایـی ایـن پژوهـش بـا تمرکـز بـر بـرده‌داری در عصـر کـوروش، بـا اسـتناد بـه لوح‌هـای اقتصـادی بابـل، شـواهد عهـد عتیـق و تواریـخ کهـن آشـکار کـرد کـه بـرده‌داری در سـاختار اقتصـادی و اجتماعـی ایـران هخامنشـی وجـودی عینـی و گسـترده داشـت. در مجمـوع، ایـن پژوهـش نشـان می‌دهـد کـه افسـانه‌ی لغـو بـرده‌داری به‌دسـت کـوروش، محصـول هم‌افزایـی سـه عامـل اسـت:

۱. ترجمه‌های جعلی و نادرست که حقیقت تاریخی را دگرگون ساختند؛

۲. کـم‌کاری جامعـه علمـی و ضعـف در ترجمـه و انتشـار پژوهش‌هـای معتبـر بین‌المللـی؛

۳. نقـش پررنـگ رسـانه‌ها، هنرمنـدان و فضـای مجـازی در بازتولیـد روایات اسـاطیری بـه جـای تحلیـل تاریخی.

بنابرایـن، نتیجـه نهایـی ایـن اسـت که اسـتوانه کـوروش سـندی بر الغـای بردگی نیسـت؛ بلکـه متنـی سیاسـی در چارچـوب سـنت‌های شـاهانه بین‌النهریـن اسـت. بازخوانـی علمـی و انتقـادی ایـن اسـطوره، مـا را بـه درکـی واقع‌بینانه‌تـر از تاریـخ ایـران کمـک می‌رسـاند.

منابع

۱- آقابخشـی، علـی و افشـاری راد، مینـو، ۱۳۸۳، فرهنـگ علـوم سیاسـی، چـاپ اول [ویرایـش ششـم]، تهـران نشـر چاپـار.

۲- احمـد محمـود، عبدالله، اسـرار القـرون الاولـی و التاریـخ المفقـود، ج ۱، دارالکتاب العربی.

۳- ارفعـی، عبدالمجیـد، ۱۳۸۹، فرمـان کـوروش بـزرگ، چـاپ اول، مرکـز دایـره المعـارف بـزرگ اسـلامی. پ

۴- اسـتالپر، متیـو و، ۱۳۹۲، "هیـچ کـس جـز شـما اطـلاع دقیقـی نـدارد" مکاتبـات میـان بابـل و اوروک در زمـان اولیـن پادشـاهی هخامنشـی، ترجمـه مرتضـی ثاقب‌فـر، در تاریـخ هخامنشـیان، ج ۱۳، ویراسـتار ووتـر هنکلمـن و آملـی کـورت، چـاپ اول، تهـران، انتشـارات تـوس.

۵- استان‌شناسـی فـارس، ۱۴۰۳، پایـه دهـم، چـاپ پانزدهـم، تهـران، شـرکت چـاپ و نشـر کتابهـای درسـی ایـران.

۶- اشـپک، فـان‌در، ۱۳۹۷، کـورش بـزرگ، تبعیدیـان و ایـزدان بیگانـه، در "کـورش بـزرگ دیـن، نـام و هویـت، ترجمـه جـواد لطفـی نـوذری، چـاپ اول، تهـران، آوای خـاور، ص ۸۷-۱۴۵.

۷- افضلـی، رسـول و حسـامی، مهـدی، ۱۳۸۹، حقـوق شـهروندی در ایـران، در اطلاعـات سیاسـی - اقتصـادی، شـماره ۲۷۹ و ۲۸۰، ص ۱۰۶-۱۲۳.

۸- انقطاع، ناصر، ۱۳۹۰، ده ابرمرد تاریخ ایران، نشر شرکت کتاب.

۹- اومستد، ا.ت، ۱۳۸۰، تاریخ شاهنشاهی هخامنشی، ترجمه محمد مقدم، چاپ پنجم، تهران، انتشارات امیرکبیر.

۱۰- ایمان لفته حسین غضب الگرعاوی، ۲۰۱۲، الدین و السیاسه فی الدوله الاخمینیه، جامعه واسط، قسم التاریخ.

۱۱- بادامچی، حسین، ۱۳۸۲، قانون اور-نمو، آغاز قانون‌گذاری، به کوشش حسین بادامچی، چاپ اول، تهران، انتشارات طرح نو، ص ۲۷-۴۶.

۱۲- بادامچی، حسین، ۱۳۸۲، قانون لیپیت-ایشتار، آغاز قانون‌گذاری، به کوشش حسین بادامچی، چاپ اول، تهران، انتشارات طرح نو، ص ۴۷-۵۹.

۱۳- بادامچی، حسین، ۱۳۹۲، فرمان کورش بزرگ، چاپ اول، تهران، نشر نگاه معاصر.

۱۴- بالا زاده، امیر کاوس ۱۳۹۱، ضرورت شناخت کورش فراتر از کژ فهمی های غیر تاریخی، گفت و گوی امیر کاوس بالا زاده با دکتر عبدالمجید ارفعی، در کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، اسفند، شماره ۱۷۳.

۱۵- بختورتاش، نصرت‌الله، ۱۳۵۱، بنیاد استراتژی در شاهنشاهی هخامنشی، کتابفروشی عطائی.

۱۶- برنامه کامل جشنهای دو هزار و پانصدمین سال کورش کبیر و بنیاد شاهنشاهی ایران، ۱۳۴۰، تهران، دبیرخانه شورای مرکزی جشنهای شاهنشاهی ایران.

۱۷- بریان، پی‌یر، ۱۳۹۲، امپراتوری هخامنشی، ترجمه ناهید فروغان، چاپ چهارم، تهران، نشر فرزان روز.

۱۸- بیانی، شیرین، ۱۳۵۰، کوروش کبیر، انتشارات مرکزی جشن شاهنشاهی ایران.

۱۹- بیژن، اسدالله، ۱۳۵۰، سیر تمدن و تربیت در ایران باستان، چاپ دوم، تهران، انتشارات ابن سینا.

۲۰- بهمنـی قاجـار، محمـد علـی، ۱۳۸۹، حقـوق کار ایـران و موازیـن حقـوق بنیـادی کار، اطلاعـات سیاسـی ـ اقتصـادی، شـماره ۲۷۹ و ۲۸۰، ص ۱۲۴-۱۴۱.

۲۱- بی‌شتاب، م، ۱۳۸۹، سیمرغ و صیاد، چاپ اول، نشر شرکت کتاب.

۲۲- پیرنیا، حسن، ۱۳۷۵، تاریخ ایران باستان، چاپ اول، تهران، نشر دنیای کتاب.

۲۳- تاریـخ (۱) ایـران و جهـان باسـتان، ۱۴۰۱، پایـه دهـم، چـاپ هفتـم، تهـران، شـرکت چـاپ و نشـر کتابهای درسـی ایـران.

۲۴- جاویـد، محمدجـواد و جمالـی، فریمـا، ۱۳۸۸، تعامـل عدالـت و دولـت در ایـران باسـتان بـا تأکید بـر تحقیقـات تاریخـی در حقـوق هخامنشـیان، در مجلـه دانشـکده حقوق و علـوم سیاسـی، دوره ۳۹، شـماره ۴، ص ۱۱۱-۱۳۱.

۲۵- جعفری‌تبـار، حسـن، ۱۳۸۴، هَمَـم شـهریاری/هَمَم موبـدی گفتـاری در حقـوق مذهبـی ایـران در دورهٔ ساسـانی، مجلـه دانشـکده حقـوق و علـوم سیاسـی، شـماره ۷۰، ص ۴۳-۷۴.

۲۶- جعفـری‌زوج، سـیدمجتبی، ۱۳۸۹، منشـور کورش: نخسـتین فرمان جهانـی آزادی ملـل، اولیـن منشـور جهانـی حقوق بشـر، شـیراز، نشـر رخشـید.

۲۷- جونـز، لویـد لولیـن، ۱۴۰۳، عصـر شـاهان بـزرگ: از کـوروش کبیـر تـا داریـوش سـوم، ترجمـه شـهربانو صارمـی، چـاپ اول، تهـران، انتشـارات ققنـوس، ص ۸۳-۱۳۵.

۲۸- خادمـی نیـزه، پادشـاه صلح‌طلـب ایـران، روزنامـه سـازندگی، ۷ آبـان ۱۴۰۳، ص ۸.

۲۹- خورشــیدیان، اردشــیر، ۱۳۸۴، جهانبینــی اشــو زرتشــت، چــاپ اول، انتشــارات فروهــر.

۳۰- خویـی، اسـماعیل، ۲۰۱۲، نگریسـتن در کار کـوروش بـزرگ، ماهنامـه فرهنگـی، سیاسـی، هنـری، اجتماعـی ایرانشـهر - شـماره ۱، آمریـکا، شـرکت کتـاب، ص ۵۴-۵۵.

۳۱- دادخـواه، محمدعلـی و حـاج عبدالباقـی، مریـم، ۱۳۸۶، حقـوق بشـر، غربـی

نیست، منشور کوروش. شهروند، آبان، شماره ۲۴. https://ensani.ir/fa/ ۴۶۱۴۸/article

۳۲- داندامایف، محمد، ۱۳۹۱، ایرانیان در بابل هخامنشی، ترجمه محمود جعفری دهقی، تهران، ققنوس.

۳۳- داندامایف، محمد، ۱۳۸۹، تاریخ سیاسی هخامنشی، ترجمه فرید جواهر کلام، چاپ اول، تهران، نشر فرزان روز.

۳۴- دکتر سها، ۱۳۸۸، آیا احکام اسلام برای حکومت در جهان امروز مناسبند؟ ویرایش اول، نسخه گوگل بوک.

۳۵- دهقان‌نیری، لقمان، ۱۳۸۴، سیاست انگلیس و لغو برده‌داری در خلیج فارس، در مجموعه مقالات همایش بین‌المللی خلیج فارس، به اهتمام اصغر منتظر القائم، چاپ اول، اصفهان، نشر دانشگاه اصفهان، ص ۲۰۹-۲۳۰.

۳۶- دیاکونوف، م. م.، ۱۳۸۰، تاریخ ایران باستان، ترجمه روحی ارباب، چاپ دوم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۳۷- رزمجو، شاهرخ، ۱۳۸۹، استوانه کورش بزرگ، چاپ اول، تهران، نشر فرزان روز.

۳۸- رضا عنایت‌الله و همکاران، آب و فن آبیاری در ایران باستان، شرکت سهامی ایران چاپ.

۳۹- رهبریان، مایک، ۱۳۹۵، معمای نفت و تغییر رژیم در ایران، نشر شرکت کتاب.

۴۰- زرجانی، مهرناز و زرجانی، مهرنوش، ۱۳۹۶، «کوروش آنگونه که باید شناخت: «آسیب شناسی فضای مجازی»، تاریخ پژوهی، زمستان، شماره ۷۱، ص ۲۰۳ - ۲۱۴.

۴۱- سپهرم، امیرمسعود، ۱۳۴۱، تاریخ برگزیدگان و عده‌ای از مشاهیر ایران و عرب،

چاپ اول، تهران، انتشارات کتابفروشی زوار.

۴۲- سرمقاله، مجله فردوسی، مهر و آبان ۱۳۸۷، شماره ۶۹ و ۷۰، ص ۴.

۴۳- سعیدی فیروزآبادی و والی، الف، اچ، ۱۴۰۴، نوزایش ایرانی جنبشی مدنی و سکولار، چاپ اول، انتشارت کتاب، نسخه گوگل بوک.

۴۴- سهرابی، بهروز، ۱۳۹۵، مبانی تحلیلی حقوق شهروندی در ایران و اسلام، در مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، سال دوم - شماره ۲، ص ۴۱- ۵۶.

۴۵- شاپور شهبازی، ع، ۱۳۴۹، کوروش بزرگ، انتشارات دانشگاه پهلوی.

۴۶- شاعری، احمد، ۱۳۵۱، ایران در آیینه تاریخ قرون.

۴۷- شاندور، آلبرت، ۱۳۳۵، کوروش کبیر، ترجمه هادی هدایتی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۴۸- شفا، شجاع الدین، ۱۳۵۰، اطلاعاتی درباره جشن دو هزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران بدست کورش کبیر، تهران.

۴۹- شهسواری، نیما، ۱۳۹۹، کیمیا، انتشارات وب‌سایت رسمی جهان آرمانی.

۵۰- صائمیان، محمدحسین، ۱۴۰۰، از اخلاق مهندسی تا سلامتی، ایمنی و محیط زیست (H.S.E)، چاپ اول، تهران، انتشارات امید سخن.

۵۱- صابری، پری، ۱۳۹۷، کوروش کبیر، نگاهی نمایشی دراماتیک به تاریخ و زندگی اساطیری کوروش کبیر-آذرخش، چاپ دوم، تهران، نشر قطره.

۵۲- صافی، قاسم، ۱۳۹۴، اخلاق کاربردی در زندگی، محیط زیست و اشتغال / دکتر قاسم صافی - بخش دهم، www.cgie.org.ir/fa/news/۷۱۴۲۶

۵۳- صالحی، سید علی، ۱۳۸۲، کوروش هخامنش منم شهریارِ هخامنش، چاپ اول، تهران، انتشارات ابتکار نو.

۵۴- عبدالحفیظ یعقوب، خلود، اوضاع العبید فی ایران خلال العصر الساسانی، رساله المشرق. ص ۴۳۵-۴۶۴.

۵۵- عبقری، آدینه، ۲۰۰۸، مقدمه‌ای بر نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و جایگاه حقوق بشر در آن، نشر BIICL.

۵۶- فیروزی هادی، پیروز نهاوندی. شرکت کتاب.

۵۷- قاسمی نیا، علی، ۱۳۹۶، بررسی وضعیت طبقه اجتماعی کورتش ها در عصر مادها و هخامنشیان، مطالعات تاریخ و تمدن ایران و اسلام، دوره دوم، شماره ۱، ص ۴۲-۵۴.

۵۸- قانعی، سعید، ۱۳۸۹، کورش کبیر، چاپ سوم، تهران، انتشارات ساحل.

۵۹- قدیمی، ذبیح‌الله، ۲۵۳۸، شاهنشاه پهلوی، چاپ سی‌ام.

۶۰- قربانی، خاور؛ اسلامی، ادریس؛ ۱۳۹۶، پیشینه و انواع خود زندگی نامه نوشت در ایران باستان، فنون ادبی، بهار، شماره ۱۸، ص ۱۸۵-۲۰۰

۶۱- کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید، ۱۳۸۸، ترجمه فاضل خان همدانی و ویلیام گلن، چاپ سوم، تهران، انتشارات اساطیر.

۶۲- کخ، هاید ماری، ۱۳۷۹، از زبان داریوش، ترجمه پرویز رجبی، چاپ پنجم، تهران، نشر کارنگ.

۶۳- کنعانی، محمد طاهر، ۱۳۸۴، اجرای حقوق بشر دوستانه بین المللی در ایران، پژوهش حقوق و سیاست، ص ۴۳-۵۲.

۶۴- کورت، آملی، ۱۳۹۵، کورش کبیر پارسی: تصورها و واقعیت‌ها، ترجمه نیما جلالی، در ایران نامگ، سال ۱، شماره ۱، ص ۱۰۲-۱۲۸.

۶۵- کورش بزرگ گزنفون، ویرایش لاری هدریک، ترجمه و نگارش کورش زعیم، نسخه منتشر شده بر سایت گوگل بوک.

۶۶-کویر، محمود، ۱۳۹۴، نگاهی به تاریخ اندیشه در ایران، چاپ اول، لندن، نشر اچ اند اس مدیا.

۶۷- گزنفون، ۱۳۵۰، سیرت کوروش کبیر، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران.

۶۸- گزنفون، ۱۳۸۶، کورش نامه، ترجمه رضا مشایخی، چاپ ششم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

۶۹- گزنفون، ۱۳۹۴، زندگی کوروش، ترجمه ابوالحسن تهامی، چاپ چهارم، تهران، موسسه انتشارات نگاه.

۷۰- لوکوک، پی یر، ۱۳۸۹، کتیبه‌های هخامنشی، ترجمه نازیلا خلخالی، چاپ سوم، تهران، نشر فرزان روز.

۷۱- مجتهدی، محمد رضا؛ لطفی عزیز، اکبر، ۱۳۹۲، بررسی تطبیقی کار اجباری در ایران در پرتو اسناد بین المللی، کانون وکلای دادگستری دوره جدید؛ پاییز و زمستان، شماره ۳۱ و ۳۲، ص ۵۹-۸۰.

۷۲- محسن حسن، ۲۰۱۶، کتاب یثیر التاریخ المجهول لموسس الدوله الفارسیه و ابو ایران: کورش الاکبر، مجله الاوراق، العدد ۳۵۷۳.

۷۳- محمدپناه، بهنام، ۱۳۸۹، کهن دیار (جلد اول)، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات سبزان.

۷۴- محمودآبادی، سید اصغر، ۱۳۷۸، تاریخ فرهنگ و سیاست در ایران باستان (دفتر پارینه)، چاپ اول، تهران، نشر آبتین.

۷۵- محمودی بختیاری، علیقلی، ۱۳۴۶، کورش در بابل، تهران.

۷۶- مرادی، صاحب‌نظر، ۱۴۰۳، تاجیکان خراسان تاریخ، فرهنگ و سرنوشت.

۷۷- مرادی غیاث‌آبادی، رضا، ۱۳۸۹، منشور کوروش هخامنشی، چاپ نهم، ویرایش دوم، تهران، انشارات نوید شیراز.

۷۸- مژده، علی‌محمد، کورش بزرگ و نخستین اعلامیه حقوق بشر، انتشارات کمیته فرعی حقوق بشر استان فارس.

۷۹- مسائلی، محمود، ۱۴۰۲، موضوعات اخلاقی و سیاسی در حقوق بشر (جلد هفتم)، چاپ اول، نشر آفتاب.

۸۰- مطالعات اجتماعی، ۱۴۰۱، پایه هفتم، چاپ دهم، تهران، شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران.

۸۱- مطیع، حسین، ۱۳۹۷، دانشنامه (۱) تاریخ ایران، چاپ اول، قم، انتشارات بوکتاب.

۸۲- منصورنژاد، محمد، ۱۳۸۶، پارادوکس در گفتمان هویتی رژیم پهلوی، در از هویت ایرانی: سلسله مقالات و گفتارهایی پیرامون هویت ایرانی، به اهتمام زهرا حیاتی، محسن حسینی مؤخر، تهران، انتشارات سوره مهر، ص ۶۵-۸۳.

۸۳- منصوری، ذبیح‌الله، ۱۳۷۸، سرزمین جاوید، چاپ یازدهم (چاپ اول ناشرین)، تهران، انتشارات زرین و نگارستان کتاب.

۸۴- میرزادگی، شکوه، ۲۰۱۶، عشق، آزادی و حقوق بشر، H&S Media.

۸۵- میرزادگی، شکوه، ۲۰۱۶، میراث فرهنگی و طبیعی ایران در دوران جمهوری اسلامی، H&S Media.

۸۶- نورافروز، کیاندخت، ۱۳۸۴، ناچیز شمردن زن در درازنای روزگاران، تهران، نشر دات.

۸۷- نورمحمدی، فرشته، ۲۰۰۶، مردی که سبز بود، نشر پیکان.

۸۸- وکیلی، شروین، ۱۳۹۰، داریوش دادگر، چاپ اول، تهران نشر شور آفرین، نسخه الکترونیکی به آدرس www.soshians.ir.

۸۹- هدایتی، هادی، ۱۳۳۵، کوروش کبیر، انتشارات دانشگاه تهران.

۹۰- هرودوت، ۱۳۸۹، تاریخ هرودوت، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، چاپ اول، تهران، انتشارات اساطیر.

۹۱- هینتس، والتر، ۱۳۹۶، داریوش و ایرانیان، ترجمه پرویز رجبی، چاپ پنجم، تهران، نشر ماهی.

۹۲- یاماواچی، ادوین ام، ۱۳۹۰، ایران و ادیان باستانی، ترجمه منوچهر پزشک،

چـاپ دوم، تهـران، انتشـارات ققنـوس.

۹۳- یزدی، خان ملک، شصت قرن تاریخ و تاجگذاری.

منابع به زبانهای دیگر:

94- Abtahi Hirad, 2006,Reflections on the Ambiguous Universality of Human Rights: Cyr us the Great's Proclamation as a Challenge to the Athenian Democracy's Perceived Monopoly on Human Rights. The Dynamics of International Criminal Justice, edited by Hirad Abtahi, Gideon Boa, Martinus Nijhoff Publishers. P 1-38. P 15.

95- Adalat, 2014. Legal journal, publication of the Ministry of Justice of Afghanistan. Vizārat-i ʻAdlīyah, monthly magazine, Issues 137-142.

96- Ardi. Kia, 2022, Artistic Traditions of Inner Eurasian Cultures: Prehistoric, Ancient, and Medieval Golden Ages, Rowman & Littlefield.

97- Baghoolizadeh. Beeta, 2015, Reconstructing a Persian Past: Contemporary Uses and Misuses of the Cyr us Cylinder in Iranian Nationalist Discourse. https://ajammc.com/2013/06/06/reconstructing.

98- Behnke, Alison, 2013, The Conquests of Alexander the Great, 2nd Edition, Twenty-First Century Books.

99- Bradley Mark, 2008, Iran and Christianity: Historical Identity and Present Relevance, A&C Black.

100- Burnett, Eric, 2008, History Through Film: Volume 1, Lulu.com.

101- dandamaev, M, Slavery in Babylonia: from Nebopolassar to Alexander the great (626- 331 B. C), translated by Rabstvo Vaviloni, Northern Illinois University Press.

102- Dougherty, Raymond Philip, 1923, The shirkûtu of Babylonian deities, New Haven: Yale University Press.

103- Edwards Jay, 2010, Daniel Absolutes in a Gray World and Power, Business and Politics Volumes One and Two Combined. Xulon Press.

104- Farazmand, Ali, 2009, Bureaucracy and Administration, CRC Press.

105- Ghista, Dhanjoo N., 2004, Socio-economic Democracy and the World Government, World Scientific.

106- Hatton. Diane C, Fisher. Anastasia A, 2009, Women Prisoners and Health Justice: Perspectives, Issues and Advocacy for an International Hidden Population, Radcliffe Publishing.

107- Henricson, Clem, 2016, Morality and Public Policy, Policy Press.

108- Idowu. Samuel et al. 2023, Encyclopedia of Sustainable Management, Springer Nature.

109- Jawaid, Mahmood. 2011. HUNTING TO CLONING Unearthing Civilizations through Quran, InstantPublisher.com

110- Kane, Tim, 2022, The Immigrant Superpower: How Brains, Brawn, and Bravery Make America Stronger, Oxford University Press.

111- Kumari Sweta, 2025, Education and Human Rights: Policies and Practices, Addition Publishing House.

112- Krotz, Douglas Roper, 2011, The man who sent the Magi: a religious Rosetta Stone, Intermedia Publishing Group.

113- Luckenbill, D. D. (1927). Ancient records of Assyria and Babylonia, Volume 2: Historical records of Assyria from Sargon to the end. The University of Chicago Press.

114- Ludwig Demuth, 1968, AUS DER ZEIT DES KÖNIGS KYROS (538-529 v. Chr), Beitrage zur assyriologie und semitischen sprachwissenschaft, vol 3, LEIPZIG. P 393-444.

115- McDowell, Linda. MacKay, Marilyn, 2005, Teacher's Guide for World History Societies of the Past, Portage & Main Press.

116- Khosravi Imaan & MehrAfarin Reza, 2017,Cyr us the Great Parallelism with Zolqarnein (Interpretation of Verses 82 -97 of Surah al-Kahf in Holy Quran), Intl. 117- J.

Humanities Vol. 24 (3) (30-48).

118- Mendelsohn, Isaac(1949) Slavery in the Ancient Near East, Oxford University Press; New York.

119- Monteiro, A. Reis, 2014, Ethics of Human Rights, Springer Science & Business Media.

120- Pritchard James B. 1969, Ancient Near Eastern Texts Relating to the Old Testament, Princeton University Press.

121- Renouf, P. Le Page, 1886, Guide to the Nimroud central saloon. London.

122- Sayce Rev. A.H. 1900, Babylonian and Assyrians Life and Customs, P 32-33. NEW YORK, CHARLES SCRIBNER'S SONS.

123- Sherrier, J. (2012). In the name of honor: Killing or kindness.

124- Siebert, Rudolf, 2010, Manifesto of the Critical Theory of Society and Religion, BRILL.

125- Spar Ira, Von Dassow Eva, Lambert Wilfred G. 1988. Cuneiform Texts in the Metropolitan Museum of Art, Volume 3. Metropolitan Museum of Art.

126- Subedi, Surya P., 2021, Human Rights in Eastern Civilisations, Edward Elgar Publishing.

127- Stamos. David N, 2015, Myth of Universal Human Rights: Its Origin, History, and Explanation, Along with a More Humane Way, Routledge.

128- Steele. Robert, 2024, Pahlavi Iran's Relations with Africa: Cultural and Political Connections in the Cold War, Cambridge University Press.

129- Stewart, P J, 2022, Unfolding Islam, Garnet Publishing Ltd.

130- Thornton, Christopher, 2019, Descendants of Cyr us: Travels through Everyday Iran, U of Nebraska Press.

131- Tai-Heng Cheng, 2012, When International Law Works: Realistic Idealism After 9/11 and the Global Recession, Oxford University Press.

132- van der Spek, R. J. (2014). Cyr us the Great, exiles, and foreign gods: A comparison of Assyrian and Persian policies on subject nations. In M. Kozuh, W. F. M. Henkelman, C. E. Jones, & C. Woods (Eds.), Extraction and control: Studies in honor of Matthew W. Stolper (pp. 233-264). Oriental Institute of the University of Chicago. (Studies in Ancient Oriental Civilizations 68).

133- van der Spek, R. J. (2015). De Cyr uscilinder als een icoon van antieke en moderne propaganda [The Cyr us Cylinder as an icon of ancient and modern propaganda]. Lampas, 48(4), 341-357.

134- Van de Ven, A. (2017). The many faces of the Cyr us Cylinder, University of Melbourne.

135- Weisberg. David B, 2003, OIP 122. Neo-Babylonian Texts in the Oriental Institute Collection, The Electronic Publications Initiative of the Oriental Institute of the University of Chicago.

136- Wells. Samuel & Ben. Quash, 2010, Introducing Christian Ethics, John Wiley & Sons.

137- Wiesehöfer, Josef. 2021. "The Achaemenid Empire: Realm of Tyranny or Founder of Human Rights?" In A Companion to the Achaemenid Persian Empire, edited by Bruno Jacobs and Robert Rollinger, 1649-1667. Hoboken, NJ: John Wiley & Sons.

138- Michael Woods., Mary B Woods, 2009, Seven Wonders of the Ancient Middle East, Lerner Books [UK].

139- David B. Weisberg, 2003, OIP 122. Neo-Babylonian Texts in the Oriental Institute Collection, The Electronic Publications Initiative of the Oriental Institute of the University of Chicago.

140- Wunsch, Cornelia, 1993, Die Urkunden Des Babylonischen Geschäftsmannes Iddin Marduk, STYX Publications.

141- Wunsch, Cornelia, 2000, Das Egibi Archiv, STYX Publications.

142- Wunsch, Cornelia. 2003, Urkunden Zum Ehe, Vermögens Und Erbrecht Aus Verschiedenen Neubabylonischen Archiven,Dresden,.

143- Wunsch, Cornelia, An Early Achaemenid Administrative Text from Uruk, p 1-2 <http://cdli.ucla.edu/pubs/cdlb/2004/cdlb2004_001.html> Cuneiform Digital Library Initiative.

144- Zawadzki, Stefan, 2013, Garments of the Gods: Vol. 2: Texts, Vandenhoeck & Ruprecht.